



فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال دهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: پژوهشکده مهدویت و موعود گرایی

مدیر مسئول: حجة الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان

سردبیر: سعید توسلی خواه

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حسین علی جباری

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

حجت حیدری چراتی / فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت
حسن ملائی / فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت
سعید توسلی خواه / دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت
سید مجتبی معنوی / فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا
علی مصلحی / فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت
مسلم کامیاب / فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

همکاران این شماره: امید درویشی، زهیر دهقانی آرنای، علی ربانی، علی ایزدی

آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴
کدپستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdavimag@gmail.com

پایگاه اینترنتی: www.mahdimag.ir

آدرس کانال‌های ما در شبکه‌های مجازی ایتا، سروش و گپ: [@mahdaviatmag](https://t.me/mahdaviatmag)

راهنمایی تدوین مقاله

مقاله های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایبی قرار می گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات و روایات badr با شماره ۱۴ و پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. تیتیرهای اصلی و فرعی به صورت شماره (۱، ۱، ۱، ۱، ۱) قرار داده شود.
۸. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/ تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
 ۲. کلید واژه ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
 - ۴،۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
 - ۴،۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
 - ۴،۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
 - ۴،۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.
 ۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:
- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می باشد. به گونه ای که مسئله و ادله و جواب ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می شود.

- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶.ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۱، ۶.کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۲، ۶.مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۳، ۶.صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷.ارجاع پایانی(فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۱، ۷.کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب(پر رنگ)، مترجم/ محقق/ مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۲، ۷.مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله(پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۳، ۷.صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۴، ۷.نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱.فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب(با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲.مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳.نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱.حضور: مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲.غیر حضوری(ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۱، ۲.از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲، ۲.از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۳، ۲.از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۴، ۲.از طریق فضای مجازی به آدرس: mahdaviatmag@

فهرست مطالب

۶	مقالات.....
۷	بازنمایی تحلیلی _ تطبیقی مهدویت در صحاح سته.....
۷	سید رضی قادری
۳۶	عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی.....
۳۶	علی مؤیدی
۵۶	جایگاه اخلاق اجتماعی در حکومت مهدوی و شیوه‌های تحقق آنها.....
۵۶	امیر گلپور
۷۰	مولفه‌های هیجانی و عاطفی اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده.....
۷۰	علی اصغر نوجنت
۸۹	جایگاه دعای جمعی در آیات و روایات و آثار آن در ظهور امام عصر <small>عجل الله فرجه</small>
۸۹	وحید صمدی
۱۰۹	شاخصه‌های گزینش کارگزاران در حکومت مهدوی و حکومت علوی
۱۰۹	حمزه ترابی
۱۳۰	پیوست‌ها.....
۱۳۱	پیوست ۱: معرفی پایان نامه
۱۳۶	پیوست ۲: معرفی موضوع پژوهشی
۱۳۸	پیوست ۳: معرفی کتاب

سخن سردبیر

در سال‌های اخیر در عرصه پژوهش و رویکردهای علمی، توجه شایسته‌ای به بحث مهدویت صورت گرفته است. در این زمینه چندین نشریه علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی منتشر شده که در جای خود موثر بوده و باعث ارتقاء و رشد علمی مباحث مهدوی شده است. اما نقصی که امروزه در فعالیتهای علمی و نشر این معارف به چشم می‌خورد، وجود ادبیات سنگین و گاهی پیچیده در این نشریات است که موجب شده گروه‌های تحصیل کرده غیرمتخصص دانشگاهی و حوزوی کمتر با آن مباحث ارتباط برقرار کنند.

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم در راستای جبران همین کاستی و خلأ، درصدد برآمد تا نشریه‌ای علمی که ادبیات دانشی روان آن پاسخ‌گوی همه گروه‌های علمی باشد را در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهد. این مرکز با توجه به نفوذ و گسترش عمومی فضای مجازی، نخست، تصمیم بر آن گرفت تا برای اولین بار نشریه‌ای علمی با نام «سپیده سحر» را بر پایه نسخه الکترونیکی در فضای اینترنت منتشر سازد. اما اکنون و پس از انتشار ۴۲ شماره از آن نشریه وزین، پرمخاطب و کاربردی، در تصمیمی جدید، تلاش بر این بوده تا سطحی رشدیافته‌تر از نشریه پیشین با نام جدید «مطالعات مهدوی» در دو نسخه الکترونیکی و چاپی عرضه گردد.

امروز در آستانه ایام ولادت مولایمان حضرت ولی‌عصر(عج) خدا را شاکریم که توانسته‌ایم با ارتقای کیفی این نشریه، فصل جدیدی را با توان بیشتر در این مسیر مبارک آغاز کنیم. امیدواریم این تلاش‌های بی‌مقدار مورد توجه و قبول حضرت حجت(عج) قرار بگیرد. بر خود لازم می‌بینم از کوشش همه اساتیدی که پشتیبانی آنها باعث دلگرمی ما بود، به‌خصوص حجت الاسلام کلباسی مدیر مرکز تخصصی مهدویت و حجت الاسلام یوسفیان مدیر پژوهشکده موعودگرایی انتظار پویا قدردانی کنم. از دوست گرامی و پرتلاشم حجت الاسلام جباری و اعضای هیأت تحریریه نیز که با نظرات خود ما را یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

مقالات

بازنمایی تحلیلی _ تطبیقی مهدویت در صحاح سته

سید رضی قادری^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۳/۱۵

تاریخ پذیرش ۹۷/۷/۲۵

چکیده

بدون تردید مسئله مهدویت از مسائل مهم اعتقادی مسلمانان بوده که در طول تاریخ مورد توجه علما و محدثین قرار گرفته است. لذا پرداختن به چنین مسئله ای که در ساختار معرفتی و اعتقادی مسلمانان تاثیر عمیقی دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از سوی دیگر تحقیق در چنین موضوعی در صحاح سته که مهمترین منابع دینی اهل سنت می باشد اهمیت مسئله را مضاعف می کند. برخلاف تصور برخی که گمان کرده اند در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) هیچ اشاره ای به این مطلب نشده است. نگارنده بر این عقیده است که مسئله مهدویت از جهات گوناگون در صحاح سته و نیز صحیح بخاری و مسلم مورد توجه واقع شده است. در صحاح سته به حدیث معرفت و نیز روایت دوازده خلیفه پرداخته شده و نیز به برخی از موضوعات مهم علائم ظهور مانند نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان و اقتدا به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ظهور سفیانی و خسف بیداء و... تصریح کرده است. در این مقاله سعی شده به روش تحلیلی و با نگاه تطبیقی تقریبی این موارد را بازنمایی کند و این تحقیق را مطابق معیارهای معتبر در فهم و تطبیق تحلیل کرده و هیچ دخل و تصرفی در داوری نداشته باشد تا حق مطلب ادا شده و نزد محققان مقبول افتد.

واژگان کلیدی: مهدی، خلیفه، فتن، آخر الزمان، اثنی عشر، اشراف الساعه، شیعه و سنی

۱. دانش آموخته سطح ۳ امامت و مهدویت و استاد حوزه علمیه قم، ایمیل: ghaderi\@chmail.ir.

مقدمه

تردیدی نیست که یکی از مؤلفه‌های مهم حیات اجتماعی بشر مسئله دین و اعتقادات دینی بوده است کمتر جامعه و ملتی را می‌توان یافت که در آن معارف دینی ولو به صورت کم‌رنگ رسوخ نکرده باشد لکن برخی از اعتقادات و تصورات آدمی باورهای اصیلی است که با فطرت و عقل آدمی عجین شده است یکی از همین اعتقادات، اعتقاد به منجی و موعود مصلح آخر الزمان است که در هر ملتی و مذهبی و حتی غیر معتقدان به ادیان الهی مطرح بوده است البته این حقیقت در عقاید و معارف اسلامی تحت عنوان «مهدی» تبلور یافته و اذهان را معطوف به خود نموده است. بنابراین نباید تردیدی داشت که از بخشهای مهم عقاید اسلامی «اعتقاد به مهدویت و ظهور آن حضرت در آخر الزمان می‌باشد.

از آن هنگامی که آفتاب هستی بخش اسلام در جزیره العرب طلوع کرد وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ این اعتقاد را نیز در گوش مسلمانان و پیروان و همهٔ منادیان وحی زمزمه نموده و چشم امید و انتظار آنها را به آینده درخشان نوید داد. فلذا با قاطعیت می‌توان گفت: در اصل اعتقاد به مهدی موعود نوعی وحدت نظر و اتفاق فکری در بین همهٔ مسلمین با همهٔ فرق و مذاهب آن برقرار است. هر چند در این میان برخی با انگیزه‌های مبهم یا جاهلانه و یا مغرضانه این اندیشهٔ اصیل را برگرفته از اندیشهٔ یهودی و مسیحی و یا باوری صرفاً شیعی مطرح می‌کنند.^۱

این مقاله در پی اثبات این مدعاست که در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت - صحاح سته - احادیث فراوانی در مورد امام مهدی (اصل اعتقاد به مهدی، ظهور و خروج آن حضرت، حسب و نسب، علائم و شرائط ظهور و حکومت جهانی آن حضرت) مطرح است و کاملاً قابل تطبیق بر احادیث شیعی است و جالب آن است که در ۳ کتاب از صحاح سته باب خاصی را به موضوع امام مهدی اختصاص داده است:

سنن ابن ماجه با عنوان «باب خروج المهدی»، سنن ترمذی نیز باب «ما جاء فی المهدی» و در سنن ابی داود فصل «کتاب المهدی» باز کرده و احادیثی چند در آن متذکر شده‌اند.

۱. فان فلوتن، السیاده العربیه ص ۱۳۲؛ گلدزیهر، العقیده و الشریعه فی الاسلام، ص ۱۸۴؛ سعد محمد حسن، المهدویه فی الاسلام، ص ۴۸.

جایگاه مهدویت در اهل سنت

مهدویت و ظهور امام مهدی در آخرالزمان عقیده‌ای است که مسلمانان با توجه به اختلاف مذاهبی که دارند بر آن متفق هستند و این قضیه اختصاص به مذهب خاصی ندارد جمیع مذاهب اسلامی اعم از شیعه امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه، حنبلیه، شافیه، مالکیه و وهابیه و دیگران بر این مطلب اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی از عترت پیامبر ﷺ قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است حتی برخی از دانشمندان اهل سنت تصریح کرده‌اند که منکر خروج مهدی کافر است.^۱

بنابراین ما در این بخش به برخی از دانشمندان اهل سنت و کتبی که موضوع مهدویت را مورد توجه قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم:

الف. روایات مهدوی در مصادر اهل سنت

مصادر و منابع فراوانی از دانشمندان اهل سنت وجود دارد که در آن به روایات مهدوی نیز پرداخته شده است این مصادر و منابع اعم از صحاح و مسانید و معاجم و تواریخ است. البته نقل تمام این منابع به صدها مورد می‌انجامد لکن ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. المصنف از عبدالرزاق بن همام بن نافع الحمیدی (متوفای ۲۱۱ هـ ق) معروف به عبدالرزاق صنعانی، وی در این کتاب بابی را اختصاص داده به باب المهدی و ۱۱ حدیث در آن موضوع آورده است.
۲. الفتن از نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی (متوفای ۲۲۸ هـ ق)؛ وی از اساتید بخاری و برخی دیگر از صاحبان صحاح می‌باشد وی در این کتاب متذکر احادیث مهدوی شده است.
۳. مسند احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ق)؛ وی که از ائمه اربعه اهل سنت می‌باشد در این کتاب ۱۳۴ حدیث در موضوع امام مهدی گردآوری نموده است.
۴. المعجم از سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ق)؛ طبرانی در هر ۳ کتاب خود - المعجم الکبیر - المعجم الاوسط المعجم الصغیر احادیث مهدوی را آورده است.
۵. المستدرک علی الصحیحین از محمد بن عبدالله نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق)؛ معروف حاکم نیشابوری وی در این کتاب فصل خاصی را با عنوان کتاب الفتن

۱. متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۷۸.

- آورده و احادیث مهدوی را مطرح نموده است.
۶. جامع الاصول فی احادیث الرسول از ابن اثیر جزری (متوفای ۶۰۶ق)؛ وی در این کتاب فصل خاصی را تحت عنوان «فی المسیح و المهدی» باز کرده و احادیث متعددی در این مورد آورده است.
۷. النهایه از ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ق)؛ ابن کثیر در این کتاب فصل دارد به نام «فصل فی ذکر المهدی» که احادیث متعددی را نقل کرده است.
۸. کنز العمال از متقی بن حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۸ق)؛ وی در دو جای این کتاب به احادیث مهدوی پرداخته است در یک بخش تحت عنوان «خروج المهدی» و بخش دیگر در بابی به نام «المهدی».

ب. کتابهای ویژه امام مهدی از اهل سنت

- از آنجایی که اعتقاد به مهدی از مسلمانی عقاید مسلمانان و مورد تاکید در روایات است لذا عالمانی فراوانی از اهل سنت کتابهای خاصی در مورد امام مهدی نوشتند و احادیث مهدوی را در آن گردآوری کرده‌اند. ما در این قسمت نیز فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم:
۱. عباد بن یعقوب الرواجنی (متوفای ۲۵۰ق) کتاب اخبار المهدی؛
 ۲. ابوالحسین احمد بن جعفر المنادی (متوفای ۳۳۶ق) کتاب الملاحم؛
 ۳. ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق) وی ۳ کتاب مستقل در مورد امام مهدی نوشته و احادیث مربوط به امام مهدی را در آن نقل کرده است: الاربعون فی المهدی، نعت المهدی، مناقب المهدی؛
 ۴. محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۷ق) کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان؛
 ۵. یوسف بن یحیی المقدسی شافعی (متوفای ۶۸۵ق) کتاب عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر؛
 ۶. ابی بکر جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق) کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی؛
 ۷. احمد بن حجر هیتمی مکی (متوفای ۹۷۴ق) کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر؛

۸. علی بن حسام الدین متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق) کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛
۹. ملا علی بن سلطان القاری (متوفای ۱۰۱۴ق) کتاب المهدی من آل الرسول؛
۱۰. قاضی محمد بن علی الشوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق) کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح.

ج. قائلین به صحت احادیث مهدوی در اهل سنت

بسیاری از دانشمندان اهل سنت قائل شدند که احادیث مهدوی از صحت و وثاقت کامل برخوردار است ما در این قسمت نیز به برخی از این دانشمندان اهل سنت می‌پردازیم.

۱. ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی؛ وی در سنن خود باب خاصی را به موضوع امام مهدی اختصاص داده و در ذیل ۳ حدیث می‌نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.
۲. حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین در ذیل ۶ حدیث می‌نویسد: هذا حدیث صحیح الاسناد.
۳. قرطبی مالکی (متوفای ۶۷۱ق) در کتاب التذکره اشاره به صحت برخی احادیث مهدوی میکند.
۴. ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ق) در کتاب منهج السنه النبویه می‌نویسد: احادیثی که برای خروج مهدی به آنها استناد می‌شود احادیثی صحیح هستند.
۵. عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق) در کتاب البواقیت و الجواهر می‌نویسد: در مورد خروج امام مهدی احادیث صحیح بدست ما رسیده است.
۶. شیخ عبدالمحسن بن العباد (از معاصرین و رئیس دانشگاه عربستان سعودی).

د. قائلین به تواتر احادیث مهدوی در اهل سنت

در میان عالمان محدثان اهل سنت بسیاری از آنها نیز قائل به تواتر احادیث مهدوی شده‌اند ما در این قسمت نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجستانی (متوفای ۳۶۳) در کتاب مناقب الشافعی.
۲. حافظ محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق) در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان آخر باب یازدهم.

۳. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق) در کتاب تهذیب التهذیب درج ۹ ص ۱۲۵ می نویسد: اخبار و روایات متواترند بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این امت است و عیسی بن مریم خواهد آمد و پشت سر او نماز می گذارد.
۴. ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق) در کتاب الصواعق المحرقة ص ۹
۵. محمد بن عبدالرسول الحسینی البر زنجی (متوفای ۱۱۰۳) در کتاب الاشاعه لا شراط الساعه ص ۸۷ و در صفحات دیگر ادعای تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی را مطرح می کند.
۶. شیخ محمد سفارینی حنبلی (متوفای ۱۱۸۸ق) در کتاب لوائح الانوار البهیة درج ۲ ص ۸۰ می نویسد: کثرت بخروجه الروایات حتی بلغت حد التواتر المعنوی و شاع ذلك بین علماء السنه حتی عدّ من معتقداتهم.
۷. سید مومن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹۱ق) در کتاب نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار ص ۲۶۲ می نویسد: اخبار متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده که امام مهدی از اهل بیت ایشان است و جهان را پر از عدل و داد می کند.

و. اهل سنت و تصریح بر امام مهدی محمد بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر چند معروف است که می گویند تمام عالمان اهل سنت قائلند امام مهدی متولد نشده و در آخر الزمان بدنیا آمده و ظهور و خروج خواهد کرد لکن بعضی از عالمان اهل سنت معتقدند امام مهدی متولد شده و او همان محمد بن الحسن العسکری است ما در اینجا به برخی از این افراد اشاره می کنیم:

۱. ابن خلکان در کتاب و فیات الاعیان در ذکر نام «ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی»^۱
۲. کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸) در کتاب کفایه الطالب می نویسد: ابو محمد حسن عسگری فرزند هادی در مدینه متولد شده و در سامرا در همان خانه ای که پدرش هادی دفن شد مدفون گشت و از خود فرزندی به جای گذاشت که همان منتظر می باشد.^۲

۱. ابن خلکان، و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲. کنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۴۵۸.

۳. ابن صباغ مالکی مصری (متوفای ۸۵۵ ه ق) در کتاب الفصول المهمه^۱.
۴. عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ ق) وی در کتابش می‌نویسد: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اولاد امام حسن عسگری است و زمان تولدش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق بود و هم اکنون زنده است تا اینکه عیسی علیه السلام با او هم پیمان بشود. عمر شریف او تا این زمان که سال ۹۵۸ ق است ۷۰۶ سال است.^۲
۵. مومن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹) در کتابش فصلی را با عنوان «مناقب محمد بن الحسن» گشوده و به ذکر نسب و حیات آن بزرگوار پرداخته است.^۳

احادیث عام مهدوی در صحاح سته

این موضوع امام مهدی در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت که صحاح سته می‌باشد به دو صورت مطرح شده است یک صورت این است که ما در صحاح سته به احادیثی بر می‌خوریم که موضوع مهدویت از آن به طور کلی قابل استنباط است صورت دوم این است که برخی از احادیث فقط بر موضوع امام مهدی قابل تطبیق است، لذا در این بخش ابتدا به احادیثی پرداخته خواهد شد که به طور عام بر مسئله مهدویت قابل انطباق است.

۱. حدیث دوازده خلیفه

یکی از احادیث صحیح و متواتر که در صحاح سته و دیگر منابع موثق اهل سنت و هم در کتب شیعه مطرح شده «حدیث دوازده خلیفه» است. این روایت به طرق متعدد و همگی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است لذا صدور این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی و مسلم می‌نماید و نیاز به بررسی سندی نیست و فقط باید دلالت آن را مورد کنکاش قرار داد. البته برخی از دانشمندان اهل سنت بر صحت این حدیث تصریح کرده‌اند.^۴ (حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در منتخب الاثر جلد ۱ باب اول، ۱۴۷ روایت را در همین باب از منابع معتبر اهل سنت نقل می‌کند). بخاری در کتاب الاحکام باب استخلاف به سند خود از جابرین سمره نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یکون اثنا عشر امیراً فقال کلمه لم اسمعها، فقال ابی: انه قال: کلهم من قریش. دوازده

۱. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۷۴.

۲. شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

۴. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۳.

امیر خواهند بود آنگاه سخنی فرمود که من آن را نشنیدم، پدرم گفت: همه آنان از قریش هستند.^۱

مسلم در کتاب الاماره به سندش از جابر بن سمره نقل کرده که گفت: با پدرم بر پیامبر ﷺ وارد شدیم شنیدیم که می‌گوید: انّ هذا الامر لا ینقضی حتی یمضی فیهم اثنا عشر خلیفه قال: ثم تکلم بکلام حنفی علی قال فقلت لا بی ما قال؟ قال: کلهم من قریش.^۲

مسلم در کتاب الاماره این حدیث را به ۵ طریق نقل می‌کند که ما به یک طریق آن اکتفا می‌کنیم:

مسلم به سند خود از سماک بن حرب از جابر نقل کرد که از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: لا یزال الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه، ثم قال کلمه لم افهمها فقلت لابی ما قال؟ فقال: کلهم من قریش همیشه اسلام عزیز است تا دوازده خلیفه بر آنها حاکم بشود آنگاه پیامبر ﷺ کلمه‌ای گفت که من آن را نفهمیدم از پدرم سوال کردم: پیامبر ﷺ چه فرمود؟ پدرم گفت: همه آنها از قریش هستند.^۳

این حدیث را ابی داود در سنن خود در کتاب به دو طریق آورده است.^۴ و این حدیث در سنن ترمذی در ابواب القدر در باب ما جاء فی الخلفاء آمده و ترمذی در ذیل این حدیث می‌نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.^۵

این حدیث دوازده خلیفه در بسیاری از کتب معتبر اهل سنت مطرح شده که فقط از طریق جابر بن سمره در بیش از ۵۰ منبع اهل سنت آمده است در کتب روایی شیعه نیز مطرح شده و حتی در برخی از کتب معتبر شیعی اسامی ۱۲ خلیفه ذکر شده است البته در برخی از کتب اهل سنت نیز این اسامی ۱۲ خلیفه اشاره شده است.^۶

نکات مورد استفاده از این روایات:

روایت دوازده خلیفه هر چند با عبارت مختلف نقل شده ولی مضامین آن واحد است لذا این

۱. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۳۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

۳. همان ص ۳۰۴.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱، حدیث ۴۲۷۳، ۴۲۷۴.

۵. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰، حدیث ۲۳۲۳.

۶. جوینی شافعی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳؛ قندوزی حنفی، بتایبع الموده، باب ۷۶، ص ۴۴۱.

نکات به راحتی از آن قابل استنباط است:

۱. خلافت پس از رسول خدا ﷺ منحصر در ۱۲ نفر است؛
۲. همگی آنان از قریش هستند؛
۳. عزت اسلام به وجود این خلفا بستگی دارد یعنی مراد پیامبر این است که این خلفا موجب عزت و سربلندی اسلام هستند؛
۴. دین اسلام پایان نمی‌پذیرد مگر این که این ۱۲ خلیفه روی کار بیایند؛
۵. نکته مهم دیگر این است که این خلافت پیاپی و بدون فاصله است چون معنای خلیفه همین است؛
۶. این روایت را پیامبر ﷺ در میان عموم مسلمین مطرح فرموده است.
۷. البته نکته‌ای در این جا ذهن هر مسلمان منصفی را به خود مشغول می‌کند که چرا وقتی پیامبر ﷺ به امر مهمی چون خلافت این ۱۲ نفر بعد از خودش اشاره می‌کند یکباره برخی سر و صدا کردند به نحوی که جابر بن سمره می‌گوید من کلام آخر پیامبر ﷺ را نفهمیدم.

مصادق ۱۲ خلیفه

خلافت در بین شیعه و سنی از قداست خاصی برخوردار است خصوصاً که در برخی از آیات الهی به خلیفه خداوندی نیز اشاره شده است لذا خلیفه رسول خدا ﷺ نیز بار معنوی خاصی به همراه دارد. خلیفه رسول خدا ﷺ باید کسی باشد که صاحب تقوای باطن و تهذیب نفس در درون و نیز اقامه کننده عدل و برپا کننده معروف و مانع منکرات باشد اگر غیر از این معنا باشد او خلیفه شیطان و مطیع شیطان است.

در بین اهل سنت اختلاف نظر در مورد مصادیق این ۱۲ خلیفه بسیار زیاد است و بر همین اساس توجیهاات و تفسیرهای فراوانی مطرح کرده‌اند که ما فقط به یک توجیه و تفسیر آن می‌پردازیم.

برخی از عالمان اهل سنت گفتند مراد از این ۱۲ خلیفه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، معاویه، یزید بن معاویه، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبدالعزیز.^۱

۱. عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۶۱.

ضعف این توجیه برخی از عالمان اهل سنت بسیار آشکار است: اولاً کسانی در زمرهٔ خلیفه رسول خدا ﷺ معرفی شده‌اند که در عمل و رفتار خلاف سیره و سنت آن بزرگوار عمل کردند. ثانیاً: پیامبر ﷺ فرمود این ۱۲ نفر موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند آیا این ۱۲ نفر همگی دارای چنین وصفی بوده‌اند؟ مثلاً آیا این وصف بر یزیدبن معاویه و امثال او قابل تطبیق است در حالیکه یزید فاسق و شارب خمر بود و جنایاتی که یزید در طول چهار سال حکومت خود مرتکب شد هر مسلمانی شرم می‌کند او را خلیفهٔ مسلمین بدانند. خود اهل سنت نقل کرده‌اند که فردی نزد عمر بن عبد العزیز از یزید به عظمت یاد کرد عمر بن العزیز فوراً دستور داد این را بیست تازیانه بزنند.^۱

برخی از عالمان اهل سنت نیز در توجیه ۱۲ خلیفه گفتند چهار خلیفه راشدین در ابتدای خلافت هستند و بقیه در طول تاریخ و تا قیام قیامت می‌آیند و حکومت می‌کنند.^۲ این توجیه نیز بسیار نادرست است چون خلافت دلالت بر متوالی بودن و پیاپی آمدن این خلفای ۱۲ گانه است.

لکن باید بگوئیم همان طور که در روایات شیعه این ۱۲ خلیفه مطرح شده‌اند و برخی از علمای اهل سنت نیز بر آن تصریح کرده‌اند قابل تطبیق است و همهٔ این ۱۲ خلیفه پیاپی و متوالی بوده و موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند. بر همین اساس شیخ طوسی استدلال کرده تطبیق این روایات ۱۲ خلیفه بر امامان ۱۲ گانه شیعه موجب اعتبار روایت و اعتبار عدد می‌شود.^۳ و دیگر توجیها و تفسیرها موجب می‌شود که افرادی داخل در ۱۲ خلیفه شوند که تخصصاً خارج هستند یا اینکه انحصار خلافت به ۱۲ نفر مشکل پیدا کند.

بنابراین ۱۲ خلیفه همان ۱۲ امام معصوم می‌باشد که اولین آنها امام علی علیه السلام و آخرین آنها امام مهدی می‌باشد.

در سنن ابن ماجه بر این مطلب تصریح می‌کند که امام مهدی خلیفه خدا بر روی زمین است. ^۴ حاکم نیشابوری می‌نویسد که این حدیث طبق مبنا و شروط بخاری و مسلم از حیث سند

۱. هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۲۱۶.

۲. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴ ذیل آیه ۱۲ سورهٔ مائده.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۱۵۶.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۶۷، حدیث ۴۰۸۴.

صحیح است.^۱

در کتاب بذل المجهود که شرح سنن ابی داود است بعد از نقل اقوال گوناگون در مورد خلفای اثنا عشر در انتها می‌نویسد: و آخر هم الامام المهدی و عندی هذا هو الحق.^۲
در صحیح مسلم از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: یكون فی آخر امتی خلیفه یحیو المال حیثاً و لا یعدّعداً در میان امت من در آخر الزمان خلیفه‌ای است که مال فراوان می‌بخشد و هیچ هم شمارش نمی‌کند.^۳

البته هم در صحیح مسلم در باب نزول عیسی و هم در شرح صحیح مسلم اشاره شده که مراد از این خلیفه حضرت مهدی است. برخی از دانشمندان و محققان اهل سنت قائل شدند اینکه ابی داود در سنن خود در کتاب المهدی حدیث ۱۲ خلیفه را آورد نشانگر این مطلب است که ابی داود نیز معتقد است امام مهدی خلیفه دوازدهم از خلفای ۱۲ گانه است.^۴

۲. حدیث ثقلین

یکی از احادیثی که مورد اتفاق همه مسلمین است « حدیث ثقلین » است که در معتبرترین کتب شیعه و سنی آمده است. این حدیث را ۴۳ نفر از صحابه پیامبر ﷺ نقل کرده و بیش از ۱۶۰ نفر از عالمان و محققان اهل سنت در کتب خود آورده‌اند این حدیث در صحیح مسلم و سنن ترمذی آمده است.^۵

مسلم در صحیح خود از زید بن ارقم نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در کنار برکه آبی به نام خم بین مکه و مدینه برای جمعیت حاضر خطبه‌ای خواند و در ضمن خطبه از نزدیک شدن مرگ خود صحبت کرد و بعد فرمود ایها الناس من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و می‌روم: اول آنها کتاب خدا که در آن هدایت و نور است کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ

۱. نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۳.

۲. تقوری، بذل المجهود، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۴. سیوطی، العرف الوردی فی اخبار المهدی، ص ۲۴۷.

۵. هیشمی، الصواعق المحرقة، ص ۸۹.

۶. مرحوم میر حامد حسین هندی در کتاب عبقات الانوار که در باب امامت ائمه اطهار تدوین کرده تنها در دو جلد آن یعنی به میزان ۹۴۴ صفحه فقط به این حدیث ثقلین پرداخته سهم عمده ای از روایات این مسئله مربوط به منابع اهل سنت می‌باشد که نشان از اهمیت و جایگاه این حدیث در نزد اهل سنت است.

بزئید سپس فرمود: و اهل بیت من. پیامبر ﷺ ۳ بار فرمود «اذکرکم فی اهل بیتی» شما را در حق اهل بیتم سفارش می‌کنم.^۱

ترمذی این حدیث را به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در حجة الوداع در حالی که سوار بر شتر بود خطبه خواند و شنیدم که فرمود: انی تارک فیکم ما ان تمسکتُم به لن تزلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیه.^۲

عالمان فراوانی از اهل سنت به صحت این حدیث اذعان نموده‌اند که لزوم به ذکر آن نیست. البته یک نکته قابل توجه است و آن اینکه در صحیح مسلم و سنن ترمذی این روایت به صورت «کتاب الله و عترتی اهل بیتی» آمده است لکن در برخی از منابع بعدی و متاخر به صورت «کتاب الله و سنتی» تغییر یافته که موجب تأمل است.

نکات قابل استفاده از حدیث ثقلین؛

۱. کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ گرانبهاترین شی نزد رسول خدا ﷺ بودند.
۲. هدایت و سعادت در سایه سار کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ است به دلیل «لن تزلوا»
۳. تمسک به هر دو موجب هدایت و سعادت است یعنی قرآن و عترت معیت ابدیه دارند یعنی اگر یکی را بگیرید و دیگری را رها کنید گمراه می‌شوید همان‌طور که علامه مناوی از علمای اهل سنت به این مطلب اشاره کرده است.^۳
۴. قرآن و عترت پیامبر ﷺ تا روز قیامت باقی هستند لذا نمی‌شود زمانی قرآن باشد و عترت نباشد.
۵. مهمترین نکته دیگر حجیت و عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ است چون شکی در عصمت قرآن نیست و از آنجایی که عترت هم عطف بر آن شده در تمسک نشانگر عصمت و حجیت اهل بیت است. «لن یفترقا» یعنی هر چه را قرآن می‌گوید همان را عترت می‌گوید و بالعکس و این جز با عصمت معنای دیگری ندارد.

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۲. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱.

۳. مناوی، فیض القدر، ج ۲، ص ۱۷۴.

اهل بیت در حدیث

یکی از مطالبی که باید در اینجا بررسی کرد این است که مراد از این «اهل بیت و عترت پیامبر» که عدل قرآن قرار گرفته‌اند چه کسانی هستند؟ همین مطلب در تفسیر آیه تطهیر «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^۱ مطرح شده که این اهل البیت چه کسانی هستند که خداوند تعال طهارت تکوینی و ذاتی آنها را اراده کرده است؟

نظرات مختلفی در میان دانشمندان اهل سنت مطرح شده که برخی از آن نظرات هم قابل جمع است و تعارض و تنافی با هم ندارند. لکن نظریه‌ای که صائب و حق جلوه می‌کند و قائلین فراوانی نیز دارد و در منابع معتبر اهل سنت مطرح شده، این است که مراد از اهل البیت در قرآن خصوص پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیهما السلام و امام حسین علیهما السلام می‌باشند و همین نظریه در مورد حدیث ثقلین نیز صادق است چون خود پیامبر ﷺ مصداق اهل بیت را مشخص فرموده است.

مسلم در صحیح خود از عایشه نقل میکند: پیامبر ﷺ صبحگاهی از خانه خارج شد در حالیکه بر دوش او پارچه‌ای از پشم خیاطی شده بود. حسن بن علی بر او وارد شد او را داخل کسا کرد آنگاه حسین علیه السلام وارد شد او را نیز داخل کرد آنگاه این آیه را تلاوت کرد «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^۲. باز مسلم در صحیح خود در باب فضایل الصحابه حدیثی نقل می‌کند که بعد از نزول آیه مباحله^۳ دعا رسول الله علیاً و فاطمه و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء اهلی^۴.

ترمذی همین احادیث را با سند متعدد در سنن خود متذکر می‌شود که بسیار مورد توجه است.^۵

بنابراین مراد از عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ همان کسانی هستند که در مباحله حاضر شده یا در کسا قرار گرفتند علامه مناوی یکی از دانشمندان اهل سنت در شرح حدیث ثقلین می‌نویسد:

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۳. سورة آل عمران، آیه ۶۱.

۴. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

۵. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۷.

مقصود از عترت پیامبر ﷺ تنها افرادی هستند که دارای علم و پاکی خاصی بوده و هیچگاه از قرآن جدا نمی‌شوند و این افراد همان اصحاب کسا هستند که خداوند پلیدی را از آنها دور کرده است.^۱

خلاصه و جان سخن در این است مصداق عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ در این زمان چه کسی است تا مصداق «لن یفترقا» بین قرآن و عترت تجلی یابد چون معنا ندارد الان قرآن باشد و عترت نباشد.

ابن حجر هیتمی می‌نویسد: عترت باید کسانی باشند که تمسک به آنها تا قیامت شایسته و موجب بقا و ایمنی برای اهل زمین باشد و بخاطر همین است که پیامبر ﷺ مسلمین را امر کرده به اهل بیت او تمسک کنند.^۲

برخی از دانشمندان اهل سنت مثل سبط بن جوزی و علامه قندوزی قائل شدند مراد از عترت پیامبر ﷺ همان ائمه اثنا عشر و خلفای دو از ده‌گانه هستند که شیعه قائل است.^۳

انصاف آن است که در خود صحاح سته روایاتی وجود دارد که مصداق کنونی عترت را وجود مبارک امام مهدی می‌داند.

در سنن ابی داود آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: لا تنقضی الایام و لا یذهب الدهر حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطی اسمی.^۴

همین حدیث به سند دیگر در سنن ترمذی آمده است.^۵

باز در سنن ابی داود از ام سلمه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمه.^۶

بنابراین در می‌یابیم قرآن و عترت طبق حدیث ثقلین در هیچ زمانی از هم جدا نخواهند شد و مصداق کنونی عترت و اهل پیامبر ﷺ که همتای قرآن است امام مهدی می‌باشد که تمسک به آن حضرت در کنار قرآن موجب سعادت است.

۱. مناوی، فیض القدیر، ج ۳ ص ۱۴.

۲. هیشمی، الصواعق المحرقة، ص ۹۱-۸۹.

۳. ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۲، جوینی شافعی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱.

۵. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲.

البته احادیث عام مهدوی دیگر مثل حدیث معرفت امام و حدیث وجود قرشی و احادیث دیگر قابل طرح است که از آنها صرف نظر می‌کنیم.

مهدویت و احادیث خاص مهدوی در صحاح سته

در این بخش به بررسی احادیثی می‌پردازیم که به طور خاص در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه مطرح شده و یا تطبیق آن فقط در دوران آن حضرت می‌باشد ذکر این نکته نیز لازم می‌نماید که تمامی این احادیث برگرفته از صحاح سته می‌باشد که معتبرترین منابع اهل سنت است. این احادیث خاص مهدوی را در چند محور بررسی می‌کنیم؛

محور اول: حسب و نسب امام مهدی

شکی نیست که مهمترین بحث در مورد امام مهدی حسب و نسب آن بزرگوار است. در بررسی این روایات می‌بینیم حسب و نسب امام مهدی در صحاح سته به صورتی است که در کتب روایی شیعه نیز به چشم می‌خورد.

(۱) از فرزندان عبدالمطلب

ابن ماجه در سنن خود از انس بن مالک نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: نحن ولد عبدالمطلب ساده اهل الجنه انا و حمزه و علی و جعفر و الحسن و الحسين و المهدی . ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم من و حمزه و علی علیه السلام و جعفر و حسن و حسین و مهدی.^۱

(۲) از اهل بیت پیامبر ﷺ

ابی داود در سنن خود از عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: لو لم یبق من الدنيا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً منی من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی... . اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد هر آینه خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا آنکه مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که اسمش نظیر اسم من است.^۲

ترمذی در سنن این حدیث را با اسناد خود از عبدالله بن مسعود متذکر شده و دو حدیث دیگر

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۶۸، حدیث ۴۰۸۷.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹، حدیث ۴۲۸۲.

می آورد و در ذیل هر سه حدیث می نویسد: هذا حدیث حسن صحیح.^۱
ابی داود در سنن خود حدیث دیگری از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: لو لم یبق الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً.^۲ اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند یکی از اهل بیت مرا خواهد فرستاد که زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ستم پر شده است .

در سنن ابن ماجه از محمد بن الحنفیه از امام علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیلہ. مهدی از ما اهل بیت است خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند.^۳

(۳) از فرزندان فاطمه علیها السلام

مهمترین محور در حسب و نسب امام مهدی در این محور است که مورد اتفاق شیعه و سنی است در صحاح سته ما روایاتی داریم که این مسئله را نیز متذکر شده اند.
ابن ماجه در سنن خود با اسناد خویش از ام سلمه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: المهدی من ولد فاطمه مهدی از فرزندان فاطمه است.^۴

در سنن ابن داود نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمه.^۵

نکته قابل توجه و تأمل این است که حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمه» را چهار نفر از علمای بزرگ اهل سنت در کتب معتبر خود از صحیح مسلم روایت کرده اند:

ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق) در الصواعق المحرقة باب یازدهم فصل اول ص ۱۶۳.

متقی هندی حنفی (متوفای ۹۷۵ق) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۴ حدیث ۳۸۶۶۲.

شیخ محمد علی صبان مالکی (متوفای ۱۲۰۶ق) در اسعاف الراغبین ص ۱۴۵.

شیخ حسن عدوی جزاوی مالکی (متوفای ۱۳۰۳ق) در مشارق الانوار ص ۱۱۲.

با اینکه این علمای بزرگ اهل سنت تصریح کرده اند که این حدیث را از صحیح مسلم نقل

۱. سنن ترمذی، ج ۲، حدیث ۴۲۳۱، ۲۲۳۲.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۰، حدیث ۴۲۸۳.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۵.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۶.

۵. سنن ابی داود، ج ۴ حدیث ۴۲۸۴.

کرده‌اند لکن در چاپ‌های موجود و در دسترس هیچ اثری از این حدیث در صحیح مسلم به چشم نمی‌خورد.

محور دوم: شمایل و سیمای مهدی

از آنجایی که موضوع امام مهدی بسیار مهم و اساسی بوده لذا در روایات متعددی می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله حتی شمایل و سیمای ظاهری امام مهدی علیه السلام را بیان فرموده است البته خصوصیات ظاهری امام مهدی علیه السلام در روایات شیعی بیشتر مطرح شده است.

۱. همنام پیامبر صلی الله علیه و آله

در سنن ابی داود روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که آن حضرت فرمود: لو لم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من یواطی اسمہ اسمی. اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که اسم او اسم من است.^۱

شبیبه به همین حدیث در سنن ترمذی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است.^۲ باز در سنن ابی‌داود حدیث دیگری آمده که امام علی علیه السلام نگاهی به فرزندش کرد و فرمود سیخرج من صلبه رجل یسمى باسم نبیکم... خداوند از نسل او مردی را خارج میکند که همنام پیامبرتان است.^۳

و نیز در سنن ترمذی روایت دیگری از عبدالله بن مسعود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی.^۴

۲. پیشانی بلند، بینی کشیده

در روایات متعددی از شیعه و سنی و در کتب معتبره خصوصیات ظاهری امام مهدی توصیف شده است لکن در صحاح سته در سنن ابی داود از ابی سعید خدوی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف... مهدی از فرزندان من است پیشانی

۱. سنن ابی داود، ج ۲ حدیث ۴۲۸۲.

۲. سنن ترمذی، ج ۳ حدیث ۲۳۳۱.

۳. سنن ابی داود، ج ۲ حدیث ۴۲۹۰.

۴. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۳۲.

بلند و بینی کشیده است.....^۱

محور سوم: شرائط و علائم ظهور

از موضوعات مهمی که در مباحث مهدوی مورد توجه قرار گرفته و در روایات متعددی مطرح شده «شرائط و علائم ظهور» است. این روایات از یک طرف نشان از اهمیت این موضوع در مباحث مهدوی است و از طرف دیگر موجب امید و دلگرمی و روحیه آینده‌نگری و هوشمندی شده و نیز موجب آمادگی مسلمین می‌شود البته در این محور دروغ‌پردازی‌ها و افسانه‌سرایی‌هایی شده که لازم است محققان دلسوز در این موارد آگاهی کامل را بدهند.

بین شرائط و علائم ظهور تفاوت‌هایی مطرح شده که عمده تفاوت این است که علائم و نشانه‌های ظهور از عهده آدمی خارج است و آدمی نمی‌تواند در آن تأثیر بگذارد ولی انسان‌ها می‌توانند در شرائط ظهور مؤثر باشند. ما در اینجا ابتدا به شرائط ظهور پرداخته و سپس وارد علائم ظهور می‌شویم:

۱. شرائط ظهور

الف. حتمی بودن ظهور

از موارد مهمی که در روایات مهدوی مورد تأکید قرار گرفته حتمیت و قطعی بودن ظهور امام مهدی علیه السلام است که در صحاح سته نیز در چند حدیث مطرح شده است.

ترمذی در سنن خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: لو لم یبق من الدنیا الا یوم لظول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی. اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد.^۲

باز ترمذی حدیث دیگری را شبیه به همین مضامین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند.^۳

ابی داود در سنن خود حتمی بودن ظهور امام مهدی را در سه حدیث مطرح کرده که ما فقط به ذکر یک حدیث آن اکتفا می‌کنیم ابی داود از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً.^۴

۱. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۵.

۲. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۲۳۱.

۳. همان حدیث ۲۲۳۲.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۳.

ب. زمینه سازان ظهور

از موارد مطرح شده در روایات فریقین مسئله زمینه سازی برای ظهور امام مهدی عج است که وظیفه ما را در این قبال سنگین تر می کند.

در سنن ابن ماجه از رسول خدا ص روایت کرده که فرمود: «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانا» مردی از مشرق زمین خارج شده و برای حکومت امام مهدی زمینه سازی می کند.^۱

البته ما روایات دیگری در منابع شیعی و سنی تحت عنوان «رایات سود» داریم که در علائم ظهور بررسی خواهیم کرد.

ج. محل ظهور

روایات متعددی در منابع شیعی و سنی وجود دارد که محل ظهور حضرت مهدی در مکه است البته در برخی روایات تصریح شده در کنار کعبه و بین رکن و مقام می باشد و در برخی دیگر دارد که بین زمزم و مقام می باشد.

ابی داود در سنن خود از ام سلمه از پیامبر ص روایت کرده که حضرت فرمود: فیبايعونه بين الركن و المقام....^۲ با او در بین رکن مقام بیت میکنند.

نقطه آغازین حرکت امام مهدی مکه و در کنار خانه خدا و بین رکن و مقام می باشد.

۲. علائم و نشانه های ظهور

در منابع روایی شیعی و سنی ما به موارد فراوانی از علائم و نشانه های ظهور بر می خوریم که در روایات شیعی این علائم را به علائم حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده و ۵ علامت را از علائم حتمیه بر شمرده اند.^۳ در منابع اهل سنت تمام این علائم را در کتاب الفتن و یا اشراط الساعة آورده اند.

البته پرداختن به تمامی موارد مطرح شده در علائم ظهور خود مقاله مفصلی می طلبد لکن در این جا به عمده موارد می پردازیم:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۸.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۶۵۰.

الف. فراگیر شدن ظلم و فساد و فتنه

در سنن ابی داود از پیامبر ﷺ روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: المهدی منی.... یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.^۱

ابی داود در سنن خود این مطلب را در دو روایت دیگر با مضامین مشابه ذکر می‌کند. البته شکی نیست که در این روایات عبارت پیامبر خدا ﷺ «كما ملئت» است نه بعد ما ملئت. یعنی جهان کنونی نیز سراسر ظلم و ستم است و این طور نیست که گمان برد جهان کنونی لبریز از ایمان و عشق و محبت است و حق هم همین است.

بخاری در صحیح خود با اسناد خویش از ابوموسی نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: ان بین یدی الساعه ایاماً یرفع فیها العلم و ینزل فیها الجهل و ینزل فیها الهرج و المرج و القتل. همانا در آستانه قیامت ایامی خواهد آمد که در آن ایام علم رخت بر می‌بندد و جهل سرازیر می‌شود و هر ج و مرج و قتل زیاد می‌شود.^۲

ما هم در صحیح بخاری در همین باب ظهور الفتن و نیز در صحیح مسلم^۳ و در سنن ابی داود^۴ و در سنن ابن ماجه^۵ و در سنن ترمذی^۶ و نیز در سنن نسائی^۷ یعنی در تمام صحاح سته احادیث متعددی با همین مضامین مواجه می‌شویم که تماماً دلالت دارد بر اینکه آخرالزمان ظلم و فساد و فتنه به حدی بالا می‌گیرد که زندگی را بر مردم سخت کرده و حفظ دین در بین متدینان سخت‌تر از همیشه خواهد بود و همگی انتظار فرجی را دنبال می‌کنند که پایان دهنده همه این تیرگی‌ها و ستم‌ها باشد.

ب) طلوع خورشید از مغرب

ما در روایات متعددی در صحاح سته به این مطلب اشاره شده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در صحیح مسلم از حذیفه بن اسید غفاری نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: ان الساعه

۱. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۸، باب ظهور الفتن، ص ۸۹.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۸.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۷۸.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۵۰.

۶. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۰۱.

۷. سنن نسائی، ج ۴، ص ۲۵۲.

لاتکون حتی تکون عشر آیات.... و طلوع الشمس من مغربها^۱ قیامت فرا نمی‌رسد مگر آنکه ۱۰ علامت محقق بشود یکی از آنها طلوع خورشید از مغرب است.^۲

البته مسلم این حدیث را با سند دیگر نیز نقل می‌کند. بخاری در صحیح خود از ابوهریره روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود لا تقوم الساعة حتی الشمس من مغربها.^۳

طلوع و خورشید از مغرب از علائمی است که در بقیه صحاح سته نیز مطرح شده است حتی ابن ماجه در سنن خود باب خاصی دارد به همین نام باب طلوع الشمس من مغربها و ۳ حدیث را در آن متذکر شده است.^۴

ج) سفیانی و خسف بیداء

در روایات شیعی خروج سفیانی با لشکرش و فرو رفتن آنها در سرزمین بیداء (بین مکه و مدینه است) از علائم حتمی مطرح شده است.^۵ روایات متعددی هم خصوصیات سفیانی را مطرح کرده و او را از دشمنان اهل بیت علیهم السلام دانسته که کشتار و خونریزی‌های فراوانی را به راه می‌اندازد تا اینکه به سمت مکه حرکت کرده. و در سرزمین بیداء به طرز معجزه‌آسایی در زمین فرو می‌روند.

مسلم در صحیح خود باب خاصی را تحت عنوان «باب الخسف بالجیش الذی یومّ البیت» باز کرده و چندین حدیث در ذیل آن آورده است.^۶

بخاری در صحیح خود نیز این موضوع را آورد و از عایشه نقل کرد که پیامبر ﷺ فرمود: یغزو جیش الکعبه فاذا كانوا ببیداء من الارض یخسف باولههم و آخرهم. لشکری آهنگ کعبه می‌کنند پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند زمین همه آنها را فرو می‌برد.^۷

ابن ماجه در سنن خود در کتاب الفتن در باب جیش البیداء ۳ حدیث در این مورد ذکر کرده است.^۸

۱. سنن نسائی، ج ۴ ص ۲۵۲.

۲. صحیح مسلم، ج ۸ ص ۱۷۹.

۳. صحیح بخاری، ج ۵ حدیث ۶۱۴۱.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۶۹.

۵. نعمانی، غیبیت، باب ۱۸، ص ۴۲۶.

۶. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷.

۷. صحیح بخاری، ج ۲، حدیث ۲۰۱۲.

۸. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۲۶۸.

در سنن ابی داود در کتاب الملاحم و سنن ترمذی در باب ما جاء فی الخسف احادیث متعددی در این مورد متذکر شده‌اند.

د. پرچمهای سیاه «رایات سود»

یکی از نشانه‌های آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی که در روایات شیعی و سنی مطرح شده برافراشته شدن پرچم‌های سیاه (رایات سود) است. این پرچم‌ها در جهت مثبت برای حمایت و هدایت در مسیر امام مهدی از خراسان برافراشته شده و به حرکت در می‌آیند. در صحاح سته در سنن ترمذی^۱ و سنن ابن ماجه آمده است ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

ابن ماجه در سنن خود از ثوبان از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: ... ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق ... فقال: فاذا رأيتموه فيايوه ولو حبواً على الثلج فإنه خليفه الله المهدى ... سپس پرچمهایی سیاه از جانب مشرق ظهور خواهند کرد. سپس فرمود: پس هر گاه آنها را دیدید با آنها بیعت کنید ولو با راه رفتن در برف ها باشد پس همانا او خلیفه خدا مهدی است.^۲

ه. خروج دجال

یکی از نشانه‌های ظهور و یا به تعبیر روایات اهل سنت از علائم آخر الزمان، خروج دجال است. در مورد دجال در کتب روایی شیعه بسیار مختصر و مجمل به آن پرداخته شده و احادیث کمی در این مورد آمده است، لکن در منابع اهل سنت احادیث فراوانی در مورد دجال و طول عمر آن و صفات و ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری و کشته شدن آن مطرح شده که پرداختن به تمامی آن موارد خود مقالات متعددی می‌طلبند. البته شکی نیست که در برخی از این موارد زیاده گوئی‌ها نیز شده است. لذا لازم است که پژوهشگران این موضوع را همچون دیگر موضوعات مهدوی به طور کامل و خصوصاً از حیث محتوا مورد واکاوی قرار دهند. ما در این جا از بین آن همه روایات به ۳ روایت اکتفا می‌کنیم:

در سنن نسائی از عایشه نقل کرده عن النبی ﷺ كان يستعيز بالله من عذاب القبر و من فتنه الدجال. پیامبر ﷺ همواره به خداوند پناه می‌برد از عذاب قبر و فتنه دجال^۳ و در این مورد روایات متعددی را نسائی نقل می‌کند.

۱. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۱۷.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۲.

۳. سنن نسائی، کتاب الاستعاذه، ج ۸، ص ۲۷۵.

در صحیح بخاری آمده که پیامبر ﷺ فرمود: ان بین عینیه مکتوب کافر. بین دو چشم دجال نوشته شده که کافر است.^۱ البته این تعبیر پیامبر کنایه از حقیقت کفر دجال است. مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: فیبعث الله عیسی بن مریم فیطلبه فیهلكه ... یعنی سرانجام دجال به دست عیسی بن مریم کشته می‌شود.^۲

محور چهارم: حکومت جهانی حضرت مهدی

یکی از مهمترین مؤلفه‌های بحث مهدویت موضوع حکومت جهانی امام مهدی و ویژگی‌های آن است. چون آینده بشریت و پایان تاریخ و حیات اجتماعی انسان همواره مورد دغدغه انسان‌های آینده نگر بوده است. قرآن کریم در آیاتی متعدد بر این مطلب تصریح کرده که پایان جهان از آن بندگان صالح است^۳ و مستضعفان وارثان زمین هستند.^۴ بنابراین بسیار زیباست که ما این موضوع را در روایات مهدوی مورد اشاره قرار بدهیم.

الف. نزول عیسی بن مریم

یکی از مسائلی که در روایات شیعی و سنی به طور مکرر مطرح شده و مسئله بسیار مسلم و قطعی جلوه می‌نماید نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و در هنگامه‌های ظهور امام مهدی است که این مطلب مورد اجماع شیعه و سنی است. عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان به زمین نزول می‌کند و بر امام مهدی اقتدا کرده و مردم را به دین حق و دین اسلام دعوت نموده و صلیب‌ها را می‌شکند و خوک را می‌کشد و این روایات در تمامی کتب صحاح سته مطرح شده است ما به یک روایت اکتفا می‌کنیم:

در صحیح مسلم با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: سمعت النبی ﷺ یقول: لا تزال طائفة من امتی یقاتلون علی الحق ظاهرین الی یوم القیامة. قال: فینزل عیسی بن مریم، فیقول امیرهم: تعال صل لنا. فیقول لا ان بعضکم علی بعض امراء تکرمة الله هذه الامة. شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود: گروهی از امت من پیوسته در راه حق جهاد می‌کنند و فاتح خواهند شد تا روز قیامت، سپس فرمود: آنگاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و امیر و پیشوای این گروه به

۱. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۳.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۷.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. قصص، آیه ۵.

وی می‌گوید: بیا برای ما نماز بگذار. او جواب خواهد داد: خیر، برخی از شما بر دیگران امیرند و این به جهت بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است.^۱ در مجموع ۲۰ روایت در صحیح مسلم در ۶ باب به موضوع نزول عیسی پرداخته شده است مانند کتاب الایمان باب نزول عیسی، باب ذکر مسیح ابن مریم، باب فتح قسطنطنیه و ابواب دیگر.

ب. حاکمیت اسلام بر جهان؛

خداوند متعال در قرآن وعده داده که دین اسلام را بر کل ادیان عالم برتری داده و مسلط بر کل جهان می‌نماید.^۲

این وعده بخاطر خاتمیت دین اسلام بخاطر معارف و احکام حیات‌بخش و جهانشمول بودن آن است. امروزه تنها کتاب آسمانی که مصون از تحریف مانده قرآن کریم است که معارف و حیانی آن توسط انسان معصوم در عالم حکمفرما خواهد شد.

در سنن ابی‌داود از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: و يعمل فی الناس بسنة نبیهم و یلقى الاسلام بجرانه الی الارض. و او عمل می‌کند در بین مردم به سنت پیامبر ﷺ و اسلام را بر تمام زمین سلطنت و عزت می‌دهد.^۳

ج. عدالت گستری؛

از واژه‌هایی که بشر همواره با آن مأنوس بوده به نحوی که مورد آرمان و ایده بشریت واقع شده «عدالت» است. عدالت گمشده بشریت است که در طول تاریخ بدنبال آن می‌گردد تا آن را در حکومت امام مهدی نظاره‌گر باشد.

در سنن ابی‌داود در ۳ حدیث از پیامبر ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً. امام مهدی زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد.^۴

د. بخشش فراوان و رفاه اقتصادی؛

در جامعه و حکومت مهدوی آن قدر بندگی و هدایت آدمیان رو به تعالی می‌رود که نیاز مادی

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۵.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

۳. همان، حدیث ۴۲۸۵ - ۴۲۸۴ - ۴۲۸۳.

۴. سنن ابی‌داود، ج ۲.

انسان ها با بخشش های فراوان امام مهدی به آسانی رفع می شود تا نیازمندی یافت نشود و همه انسانها لبریز از بخشش و احسان او می شوند. آن قدر این بخشش و احسان فراوان می شود که دیگر کسی احساس نیاز نمی کند و همه در رفاه اقتصادی به سر برده تا فقط به بندگی و عبادت الهی بیانداشند و از فکر این مسائل مادی دور باشند.

مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: یكون في آخر امتي خليفة يحثي المال حثياً لا يعد عدداً . در اواخر امت من خلیفه ای خواهد آمد که مال را فراوان بخشش می کند و شمارش نخواهد کرد.^۱

ابن ماجه در سنن خود از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود: یكون في امتي المهدي ... فتنعم فيه امتي نعمة لم ينعموا مثلها قط ... مهدی در میان امت من خواهد بود. مردم در زمان او به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره ای ندیده باشند.^۲

۵. مدت حکومت امام مهدی ؛

یکی دیگر از مواردی که در روایات شیعی و سنی مطرح شده و در صحاح سته نیز چند حدیث در این مورد مطرح شده «مدت حکومت امام مهدی» است.

ترمذی در سنن خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «ان في امتي المهدي يخرج يعيش خمساً او سبعاً او تسع سنين». همانا در امت من مهدی است که ظهور کرده و زندگی می کند ۵ سال یا ۷ سال یا ۹ سال.^۳

در سنن ابن ماجه از پیامبر اسلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: یكون في امتي المهدي ان قصر فسبع و الا فتسع. در امت من مهدی می باشد اگر کم بشود ۷ سال و الا ۹ سال حکومت می کند.^۴

در سنن ابی داود در یک روایت مدت حکومت را ۹ سال و در روایت دیگری ۷ سال می داند.^۵

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۳.

۳. سنن ترمذی، ج ۳، حدیث ۲۳۳۳.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۳.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، حدیث ۴۲۸۶.

نتیجه‌گیری

از مجموع روایاتی که درباره آخرالزمان، اشرافه الساعه و به تعبیر دیگر مهدویت به صورت عام یا خاص در صحاح سته به ویژه در صحیحین به آن پرداخته شده مشخص می‌شود که موضوع مهدویت از جمله موضوعات مورد توجه بلکه قطعی و مسلم در نزد این عالمان و محدثان بوده که حتی زوایا و جوانب آن را نیز مد نظر قرار داده اند. به نحوی که باب ویژه ای را در سنن ترمذی، سنن ابی داوود با عنوان "باب المهدی" ذکر کرده و روایات متعددی در ذیل آن متذکر شده و از حضرت مهدی با عنوان خلیفه دوازدهم یا خلیفه آخرالزمان از خلفای پیامبر یاد کرده اند.

علائم ظهور و شرایط آخرالزمان و ویژگی های مربوط به مباحث مهدویت از مسائل مورد توجه نزد صاحبان صحاح و سنن بوده است. جالب آن است که غالب این جوانب و زوایا با روایات و منابع شیعی قابل تطبیق و تحلیل است. پر واضح است که بعد از بررسی کامل و دقت وافر در این روایات میتوان به این نتیجه رسید که مسئله مهدویت از معتقدات اساسی و معارف اصیل در نزد فریقین است و شاهد بر این ثمره همین روایات و منابع آن است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن تیمیه، احمد، **منهاج السنه**، بیروت، عالم الکتب، ق ۱۴۰۵.
۲. ابن تیمیه، احمد، **علم الحديث**، عالم الکتب، بیروت، ق ۱۴۰۵.
۳. ابن جوزی، جمال الدین عبدالرحمن، **تذکره الخواص**، بیروت، دارالفکر، ق ۱۴۰۷.
۴. ابن حنبل، احمد، **مسند**، بیروت، دارصادر، بی تا.
۵. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، **الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمة**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۶. ابن صبان، محمد بن علی، **اسعاف الراغبین**، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **النهایه فی الفتنه و الملاحم**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ق ۱۴۰۸.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **تفسیر القرآن العظیم**، دارالمعرفه، بیروت، ق ۱۴۱۰.
۹. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **البدایه و النهایه**، مکتب المعارف، بیروت، ق ۱۴۱۲.
۱۰. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، دارالفکر بیروت.
۱۱. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، **سنن ابی داود**، دارالفکر بیروت، ق ۱۴۱۰.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، دارالفکر بیروت، ق ۱۴۱۰.
۱۳. برزنجی، محمد بن عبدالرسول، **الاشاعه لاشراط الساعه**، قاهره، بی نا، ۱۳۹۰ ق.
۱۴. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، **سنن ترمذی (الجامع الصحیح)**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳.
۱۵. تفوری، احمد سهار، **بذل المجهود فی شرح و حل سنن ابی داود**، عالم الکتب، بیروت ۱۴۱۶ ق.
۱۶. جزری، ابن اثیر، **جامع الاصول من احادیث الرسول**، بیروت، داراجیا التراث العربی، ۱۴۰۱ ق.
۱۷. جوینی، علی بن محمد، **فرائد السمطین**، بیروت، ق ۱۴۰۰.
۱۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، دارالمعرفه، بیروت، ق ۱۴۱۸.
۱۹. حسینی دهلوی، میر حامد حسین، **عبقات الانوار فی معرفه الائمة الاطهار**، اصفهان

- مدرسه امام مهدی، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. حمزوی، حسن، **مشارق الانوار**، مصر، ۱۳۰۷ ق.
۲۱. الخطیب، محمد عماج، **اصول الحدیث**، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۲۲. ذهبی، شمس‌الدین، **سیر اعلام النبلاء**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق ۱۴۰۶.
۲۳. ذهبی، شمس‌الدین، **تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر و الاعلام**، دارالکتب العربی، بیروت، ق ۱۴۱۲.
۲۴. رضوانی، علی اصغر، **موعود شناسی**، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۲۵. سفارینی حنبل، شمس‌الدین محمد، **لوائح الانوار البهیة**، مصر، بی تا، ش ۱۳۹۴.
۲۶. سیوطی، ابوبکر جلال‌الدین، **العرف الوردی فی اخبار المهدی**، دارالفکر، بیروت، ق ۱۴۱۴.
۲۷. شبلنجی، مومن بن حسن، **نور الابصار**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ق ۱۴۱۸.
۲۸. شعرانی، عبدالوهاب، **البواقیت و الجواهر**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۹. صدوق، محمد بن الحسین، **کمال الدین و تمام النعمه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنف**، هند، المجلس العلمی، ۱۳۹۰ ق.
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ق ۱۴۰۶.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبه**، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. العباد، عبدالمحسن، **الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی**، مجله الجامعه الاسلامیه السعودیه شماره ۴۵، ۱۴۱۱ ق.
۳۴. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. عسقلانی، ابن حجر، **تهذیب التهذیب**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۳۶. قاری، ملا علی بن سلطان، **المشرب الوردی فی مذهب المهدی**، بی تا، بی تا.
۳۷. قندوزی حنفی، سلیمان، **ینابیع الموده**، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ق ۱۴۱۸.
۳۸. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، **البيان فی اخبار صاحب الزمان**، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ق ۱۴۰۹.
۳۹. متقی هندی، علاء بن حسام‌الدین، **کنز العمال**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق ۱۴۰۹.
۴۰. متقی هندی، علاء بن حسام‌الدین، **البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان**، مکه،

ق ۱۴۰۸.

۴۱. مسلم قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، **الجامع الصحيح**، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۴۲. مقدس شافعی، یوسف بن یحیی، **عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر**، انتشارات مسجد جمکران، قم، ق ۱۴۱۶.
۴۳. مناوی، محمد عبدالرؤف، **فیض القدير**، دارالفکر، بیروت، ۱۳۱۹ ق.
۴۴. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب، **سنن نسائی**، دارالفکر، بیروت، بی تا
۴۵. نعمانی، ابراهیم بن محمد، **الغیبة**، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ ش تهران.
۴۶. هیثمی، ابن حجر، **الصواعق المحرقة**، مؤسسه الرساله، بیروت، ق ۱۴۱۷.

عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی

علی مؤیدی^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

اعتقاد به ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه در پایان بخشیدن و رهایی بشریت خصوصاً مسلمانان از ظلم و مشکلات دنیوی موجب شده که مدعیان دروغین در طول تاریخ از این آرمان نجات بخش برای رسیدن به تمایلات نفسانی خود بهره ببرند و جریان‌های انحرافی و انشعابات مذهبی را به وجود آورند. عوامل متعددی در پیدایش جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت نقش دارند که در این مقاله به عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌های انحرافی از منظر فرهنگی پرداخته شده است. واژگان کلیدی: عوامل پیدایش مدعیان، جریان‌های انحرافی، مدعیان دروغین مهدویت، متمهدیان

۱. دانش آموخته سطح ۴ گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل: Alim313@chmail.ir

یکی از مهمترین اعتقادات مسلمانان اعم از شیعه و سنی، اعتقاد به مهدویت است به این معنا که از نسل حضرت محمد ﷺ و دخترش فاطمه ﷺ، شخصی همانام با پیامبر که لقبش مهدی ﷺ می‌باشد، در آخرالزمان ظهور می‌کند و زمین را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم، پر از قسط و عدل می‌کند. و ظهور او به معنای پایان یافتن تمام مشکلات و مصائب بشری می‌باشد و همه از رفاه اقتصادی و برکات و مواهب دنیوی بهره مند می‌شوند. به همین سبب مهدویت یکی از مهمترین فرصت‌ها به جهت نجات بشریت و امیدبخشی به منتظران ظهورش جهت صبر و تحمل نارسایی‌ها می‌باشد و همچنین از جذابیت بالایی برای جذب اقشار مختلف جامعه برخوردار می‌باشد. خصوصاً هر زمان که فشار سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره بر مسلمانان خصوصاً اقلیت شیعه افزایش یافته است، سخن از مهدویت جذابیت بیشتری داشته است. لذا دنیاطلبان و ریاست‌طلبان از این فضا نهایت استفاده را می‌کنند و با طرح ادعای مهدویت و یا باییت و غیره جمعی را به خود جذب کرده و جریان‌ات انحرافی را شکل می‌دهند و هر روز انشعاب و افتراق جدیدی در مذاهب اسلامی ایجاد می‌کنند و جنگ‌ها و مشکلات و مصائب دنیوی و معنوی برای امت اسلامی ایجاد می‌کنند. لذا به جهت پیشگیری از به وجود آمدن جریان‌ات انحرافی در حوزه مهدویت ضروری است که عوامل و بسترهای پیدایش این جریان‌ات شناخته شود تا بتوان در مقابله با آنان، ابزارها، شیوه‌ها و راهکارهای متناسب و پیشگیرانه ارائه کرد. از آن جایی که یک مقاله ظرفیت پرداخت به همه عوامل و زمینه‌ها را دارا نمی‌باشد، در این مقاله به جهت اهمیت، اولویت و گستردگی حوزه فرهنگی، فقط به عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌ات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی پرداخته شده است. روش کار، بدین شکل است که با مطالعه جریان‌ات و فرقه‌های مختلف و سپس تأمل در آنها عوامل و زمینه‌ها، استخراج شده‌اند. در مطالعه جریان‌ات انحرافی بیشتر از دو کتاب «مهدیان دروغین» نوشته رسول جعفریان و کتاب «شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت» نوشته حسین حجامی، استفاده شده است.

پیشینه

در زمینه عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌ات انحرافی و مدعیان دروغین، در لابلای برخی کتب مطالبی مرتبط با این بحث ارائه شده و مقالاتی نیز به نگارش درآمده، از جمله: کتاب

«پیچک انحراف»، نوشته جواد اسحاقیان، در ابواب مختلف کتاب، به عوامل و زمینه‌های گرایش مردم به جریانات انحرافی و نیز عوامل انحراف مدعیان و پیروان آن‌ها اشاره شده است. کتاب دیگر، «قبیله تزویر؛ بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» نوشته امیر محسن عرفان است. در فصل دوم این کتاب، نویسنده به بیان عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و چرایی گرایش مردم به آنان پرداخته است. وی عوامل پیدایش مدعیان دروغین را در سه عامل: عوامل زمینه ساز، تسهیل کننده و شتاب زا، بررسی می‌کند. همچنین ایشان مقاله‌ای در همین زمینه با عنوان «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» نوشته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغرا» نوشته طیبه نقی پور و خدامراد سلیمیان، در این زمینه به نگارش درآمده، در پاسخ به این پرسش که چه عواملی بر فرایند شکل‌گیری و اضمحلال انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغرا، تأثیرگذار بوده و چه پیامدهایی داشته‌اند. بازخوانی و بررسی سه گروه: عوامل زمینه‌ساز، ادامه‌دهنده و انحطاط، و سرانجام پیامدها؛ این پژوهش را شکل داده است.

امتیاز این مقاله این است که بطور جزئی‌تر فقط از منظر فرهنگی و نیز تعداد بیشتری از عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی را مورد بررسی قرار داده است.

عوامل و زمینه‌های فرهنگی پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت

در جهان هستی، هر پدیده‌ای در صورت فراهم بودن بسترها و زمینه‌ها و نیز عوامل مناسب و مقتضی، پا به عرصه وجود می‌گذارند. در مورد فرقه‌ها و جریانات انحرافی نیز تا بسترها و عوامل متناسب فراهم نباشد، این جریانات بوجود نمی‌آیند. در مورد اندیشه مهدویت نیز مشاهده می‌شود که در طول تاریخ، دهها جریان انحرافی شکل گرفته است که ضرورت دارد بررسی شود که زمینه‌ها و عوامل بوجود آورنده این حرکت‌ها چه بوده تا از این طریق بتوان راهکارها و راهبردهای مبارزه با این انحرافات را عملیاتی کرد. عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی متعدّدند و در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را به عوامل و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تقسیم کرد. از آن جایی که فرهنگ، بسترساز همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و اهمیت و اولویت نسبت به سایر عرصه‌ها دارد و به جهت گستردگی عوامل و زمینه‌ها، در این مقاله به عوامل و زمینه‌های فرهنگی بسنده کردیم. این عوامل و

زمینه‌ها، برخی عام و فراگیر هستند یعنی در مورد پیدایش همه جریان‌ات انحرافی دخیل هستند از جمله در حوزه مهدویت، مانند: جلوگیری از تدوین احادیث نبوی ﷺ، جعل حدیث، عدم رجوع به متولیان دینی، برخی عوامل نیز مختص به پیدایش جریان‌ات انحرافی در حوزه مهدویت هستند، مانند: توقیت، تطبیق علائم ظهور، ملاقات گرای.

۱. جلوگیری از تدوین احادیث نبوی ﷺ

منع نقل احادیث پیامبر از زمان عمر تا زمان عمر بن عبدالعزیز و نیز به شکل ضعیف‌تر آن تا زمان منصور عباسی موجب شد، احادیث صحیح نبوی فراموش شود و زمینه جعل حدیث و سوء استفاده برای مدعیان و متمه‌دیان فراهم شود. هر چه از زمان صدر اسلام دورتر می‌شویم، تعداد احادیث نبوی افزایش پیدا می‌کند به حدی که احمد حنبل می‌گوید: ۷۰۰ هزار روایت صحیح شمارش کرده است. با این احوال، احادیث حسن، موثق و ضعیف را خدا می‌داند چه تعداد بوده است.^۱

۲. جعل حدیث

حکومت‌های مختلف مانند بنی عباس و فاطمیان، با جعل احادیث ملاحم، درصدد مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بودند. داعیان اسماعیلیه برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت «عبیدالله المهدی» در آفریقا، بر اساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت (علیهم‌السلام) که ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل کرده و پیش بینی می‌کردند ظهور، در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا خواهد بود.^۲ جهت قیام عباسیان روایات فراوان - در مورد اینکه دعوت اهل بیت ع مشرقی و خراسانی است و پرچم‌هایشان سیاه و در سال ۱۳۰ قیامشان آشکار و یا به نام آنها نیز اشاره می‌شود - جعل می‌شود.^۳ مبلغان اسماعیلی نیز برای جلب اقوام بربر و بادیه نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود از بین اقوام شیعه نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دور دست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می‌کرد.^۴

۱. سبحانی، فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی، ج ۱، ص ۷۷.

۲. قاضی نعمان، افتتاح الدعوة، ص ۷۳.

۳. جعفریان، مه‌دیان دروغین، ص ۶۰-۶۱.

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. استناد به اسرائیلیات

اسرائیلیات، اصطلاحی در معارف اسلامی، به ویژه در زمینه تفسیر و علوم حدیث، ناظر به روایات، قصص و مفاهیمی که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امت‌های پیشین به ویژه بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریان‌های است از داستان‌سرایی، اسطوره‌پردازی و جوهی دیگر از تعالیم غیر اصیل که به ویژه در سده‌های نخست هجری توسط گروهی -بیشتر از یهودیان اسلام آورده- ساخته شده و به حاشیه آموزش‌های مسلمانان راه یافته است. عالمان اهل کتاب تازه مسلمان، اخبار و پیشگویی‌های کتاب مقدس در مورد آینده جهان را با قوت میان مسلمانان مطرح می‌کردند، بطوری که بسیاری تصور می‌کردند، هر آنچه رخ می‌دهد، در کتاب مقدس، آمده است. از جمله کعب الاحبار بیان می‌کرد که: کشتار صفین در تورات آمده است و یا شاعری در شعرش، مهدی بودن «محمد بن حنفیه» را خبر تورات دانسته است، با اینکه شاعر کعب را ندیده و خبر را از او شنیده است، که بیانگر اعتماد کامل مسلمانان به درستی پیشگویی‌های کعب و سایر عالمان اهل کتاب می‌باشد.^۱

۴. عدم رجوع به متولیان و مراجع دینی

در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، مرجعیت علمی و دینی مردم خود حضرات معصومین هستند. بر اساس حدیث متواتر ثقلین، تمسک به آنان موجب هدایت و دوری از گمراهی است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»^۲ بنابراین اگر مردم در عصر حضور به آنان مراجعه می‌کردند، جذب جریانات انحرافی نمی‌شدند. جریانات انحرافی در حوزه مهدویت که در زمان ائمه علیهم‌السلام و به سبب عدم رجوع به آنان شکل گرفته‌اند، عبارتند از: ۱. فرقه سبائیه توسط «عبدالله بن سبا» بعد از شهادت حضرت علی علیه‌السلام، سال ۴۰ ق، شکل می‌گیرد. آنها قائل به غیبت علی علیه‌السلام و بازگشت او شدند و ادعا کردند که او نمرده است. آنها می‌پنداشتند که علی علیه‌السلام تا آخرالزمان باقی است و روزی خروج خواهد کرد و زمین را از عدل پر خواهد کرد؛ چنان که از ظلم پر شده است. ۲. فرقه کیسانیه، پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی، این فرقه پنداشتند که محمد بن حنفیه بعد از حسین بن علی علیه‌السلام امام و مهدی موعود عجل‌الله‌فرجه است و در کوه رضوا به سر می‌برد و از آنجا ظهور و قیام خواهد کرد. ۳. فرقه یزیدیه، این گروه بر این

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۳۷.

۲. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۳۳.

عقیده هستند که یزید به آسمان صعود نموده و روزی بر می‌گردد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. ۴. فرقه زیدیه زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد، گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می‌باشد. ۵. گروهی از فرقه خرمیه پیروان بابک خرمی پنداشتند که ابومسلم خراسانی، همان کسی است که باید زمین را پر از عدل و داد کند؛ و کشته شدنش را به دست ابوجعفر منصور دوانیقی تکذیب نموده و به انتظار ظهورش بسر می‌بردند. ۶. فرقه جارودیه: محمدبن عبدالله، معروف به نفس زکیه را مهدی موعود دانسته‌اند. وی در سال ۵۱۴۵ ه. ق، از مدینه ادعای مهدویت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد. ۷. فرقه ناووسیه: معتقد به مهدویت امام صادق علیه السلام شدند و معتقدند زنده و غایب است. ۸. فرقه اسماعیلیه: گروهی از اسماعیلیه عقیده دارند که اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام فوت نکرده‌است؛ او رجعت خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت و او را مهدی و قائم منتظر می‌دانند.^۱ همچنین بر اساس دستور ائمه علیهم السلام در عصر غیبت ایشان، مرجعیت علمی و دینی بر مردم، فقهاء و علماء امامیه هستند. چنانچه در توقیع حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۲ فقهاء امامیه مرجع مردم هستند در زمینه دین، حکومت، قضاوت و غیره و آنان حجت حضرت بر مردم هستند؛ یعنی روز قیامت امام مهدی علیه السلام با فقها بر علیه مردم احتجاج می‌کند که چرا در زمان غیبت در مسائل مختلف از جمله در مورد مدعیان دروغین و صحت و سقم ادعاهای آنان به فقها رجوع نکردید. در بسیاری از جریانات دیده می‌شود به علت کوتاهی مردم و خواص به این مسأله، در عصر غیبت نیز جریانات انحرافی شکل گرفته‌اند.

۵. عدم شناخت معیارهای امامت

مدعیان در طول تاریخ از جهل و عدم شناخت معیارهای امامت از سوی مردم، سوء استفاده کرده‌اند و جریانات انحرافی را دامن زده‌اند. از جمله: انحراف اسماعیلیه بدین سبب بود که برخی شیعیان اعتقاد داشتند: امامت تعلق به فرزند ارشد امام دارد، لذا با مرگ اسماعیل، ادعای

۱. نصوری، مقاله متمهدیان و مدعیان مهدویت (۱)، ص ۲۹۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴؛ « و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم.»

مهدویت و زنده بودن او را مطرح ساختند و جریان اسماعیلیه شکل گرفت.^۱ و یا مانند کیسانیه که بخاطر اینکه محمد بن حنفیه در جنگ جمل پرچمدار سپاه امیرالمؤمنین ع بود، قائل به امامت او شدند.^۲ در حالی که معیار امامت، نص، وصیت، معجزه، علم لدنی و عصمت است.

۶. عدم تخصص در برداشت از متون دینی بطور خاص مهدویت

در بسیاری از موارد خواص و پیروان آنان به جهت عدم تخصص کافی و برداشت سطحی از متون دینی دچار انحراف شده‌اند. از جمله: علی یعقوبی بر اساس آیات سوره یوسف بر این باور است که برای رسیدن به ظهور امام مهدی عج، از یک زمانی فرهنگ انتظار به فرهنگ تحسّس باید تبدیل شود. او راز موفقیت فرزندان یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام در یافتن یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را تبدیل انتظار به تحسّس می‌داند: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ»^۳ او تحسّس را اینگونه معنا می‌کند: «تحسّس یعنی آن جستجویی که به حس کردن فرد مورد نظر منتهی شود و آدم محبوبش را حس کند.» او مبدأ شروع فرهنگ تحسّس را انقلاب اسلامی می‌داند. و یکی از ویژگی‌های فرهنگ تحسّس را اصلاح فرهنگ قانون‌گذاری می‌داند. وی معتقد است قوانینی که در دوران تحسّس نوشته می‌شود باید به تصویب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام برسد. لذا معتقد است باید وزارتخانه‌ای به نام تحسّس تأسیس شود. و مهمترین وظیفه شیعه در این دوران را، پیروی از هادی یعنی شخص خودش می‌داند.^۴ در صورتی که بر اساس توقیع مبارک، تحسّس و مشاهده حسی حضرت برای عموم شیعیان، پس از خروج سفیانی و صیحه آسمانی امکان‌پذیر خواهد بود: «وَوَسِيَّتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ اَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ»^۵ همچنین بر اساس توقیع حضرت، وظیفه شیعه در عصر غیبت، رجوع به فقهاست نه شخص هادی و علی یعقوبی: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۶

۱. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۲۵.

۲. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۱۸.

۳. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۴. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص ۳۲۶-۳۲۹.

۵. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶؛ «و به زودی کسانی نزد شیعیان من آیند و ادعای مشاهده کنند بدانید هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگوی افترا زنده است.»

۶. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة؛ ج ۲؛ ص ۴۸۴؛ «و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع

در فرقه باقریه نیز عامل ایجاد این جریان انحرافی، برداشت سطحی از روایات نبوی بوده است؛ زیرا دلیل آنها بر مهدویت امام باقر ع، ابلاغ سلام پیامبر از سوی جابر به ایشان عنوان شده است.^۱

۷. عدم شناخت و عدم توجه به نشانه‌های حتمی ظهور

ظهور حضرت نشانه‌های حتمی و غیر حتمی دارد که ایشان را از مدعیان متمایز می‌کند و در تمام جریانها بخاطر عدم معرفت و یا عدم التفات و توجه مردم به لزوم رخ دادن نشانه‌های حتمی ظهور، دچار انحراف گردیده‌اند. در همه جریان‌ات انحرافی اگر مردم از نشانه‌های حتمی ظهور، جهت معیارسنجی و نشانه صدق و کذب متمه‌دیان و جریان‌ات انحرافی از مهدویت اصیل، بهره می‌برند، هیچگاه جریان انحرافی در حوزه مهدویت صورت نمی‌گرفت؛ زیرا تاکنون در هیچ یک از ادعاهای متمه‌دیان، علائم حتمی ظهور یعنی صیحه آسمانی، خروج یمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء و قتل نفس زکیه، رخ نداده است. چنانچه از امام باقر علیه السلام روایت شده: «وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجِ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ صَيْحَةَ مَنْ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ.»^۲ چنانچه در جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری که مدعی است همان یمانی موعود است دیده می‌شود که علت پیدایش این جریان، عدم شناخت کافی پیروان نسبت به علائم حتمی ظهور است؛ زیرا طبق روایات، یمانی اهل یمن است و از آنجا خروج می‌کند، در حالی که او از اهالی بصره عراق است و از آنجا حرکتش را آغاز کرده است. و از طرف دیگر، نشانه‌های حتمی ظهور در یکسال رخ می‌دهند و در شش ماه قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهند، در حالی که مدعی یمانی بیش از ۱۶ سال ظهور کرده و خروج نظامی ناموفقی نیز در نجف داشته،^۳ ولی هنوز از سایر نشانه‌های حتمی ظهور خبری نیست. چنانچه از امام باقر علیه السلام نقل شده که خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در سال، ماه و روز واحد است: «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ

کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم.»

۱. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۲۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص: ۳۲۸؛ «و از علامات قیام او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و صیحه آسمانی در ماه رمضان و ندای آسمانی است که منادی او را به نام خودش و نام پدرش می‌خواند.»

۳. حیدری آل کثیر، مقاله بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمد الحسن)، ص ۱۷۵.

وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نِظَامٌ كَنِظَامِ الْخَرَزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا^۱ همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَيَأْخُذُ مَلَكَ الْكُورِ الْخَمْسِ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا»^۲ طبق این روایت حرکت سفیانی در ماه رجب است که در طول شش ماه جنگ، پنج منطقه حمص، دمشق، فلسطین، اردن و حلب را تصرف می‌کند.^۳ و نه ماه بر آنها حکومت می‌کند. عدم شناخت این جزئیات سبب می‌شود که برخی حرکات مشابه را حرکت سفیانی یا یمانی محسوب کنند.

۸. تطبیق نادرست علائم الظهور

عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. البته خود تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب نیست، بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن یک یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات مطرح می‌کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند. این تذکر لازم است که در روایات، تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا به عنوان «نواب عام» عهده‌دار امور گشته‌اند.

در طول تاریخ تطبیق نادرست علائم ظهور با برخی از رویدادها و اتفاقات از سوی خواص و افراد جامعه باعث شده که زمینه ایجاد جریانات انحرافی بوجود آید. از جمله در جریان انحرافی قحطانی، جهیمان با پیگیری روایات ملاحم و فتن بر این باور بود که آنان هم اکنون در آخرالزمان بسر می‌برند و برای نمونه ادعا می‌کرد که روایت ابی داود از پیامبر در مورد شخصی که به دروغ ادعا می‌کند فرزند پیامبر است، فتنه‌ای پدید خواهد آورد. جهیمان این شخص را بر حاکم حجاز یعنی شریف حسین تطبیق می‌داد و ادامه روایت را نیز بر اوضاع جاری در آن زمان

۱. نعمانی، الغیبة، ص: ۲۵۵؛ «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد با

نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده هر یک از پی دیگری.»

۲. نعمانی، الغیبة للنعمانی، النص، ص: ۳۰۰؛ «سفیانی از حتمیات است و خروج او در ماه رجب خواهد بود و از آغاز خروجش تا پایانش جمعا پانزده ماه است که در شش ماه آن جنگ و پیکار می‌کند، و چون شهرهای پنجگانه را به تصرف درآورد نه ماه فرمانروائی خواهد کرد، و یک روز هم بر آن افزوده نمی‌گردد.»

۳. نعمانی، الغیبة للنعمانی، النص، ص: ۳۰۴؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا اسْتَوْلَى السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ فَعُدُّوا لَهُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ زَعَمَ هِشَامُ أَنَّ الْكُورَ الْخَمْسَ دِمَشْقُ وَ فِلَسْطِينُ وَ الْأُرْدُنُّ وَ حِمصٌ وَ حَلَبٌ.»

تطبیق می‌کرد. برای نمونه اینکه در آخرالزمان، فتنه داخل هر خانه‌ای می‌شود را به ورود تصاویر به خانه‌ها تطبیق می‌داد.^۱

قاضی نعمان در کتابش شرح الاخبار، بیشتر اخبار مهدویت از جمله طلوع خورشید از مغرب را بر قیام عبیدالله فاطمی تطبیق می‌کرد. وی می‌گفت خورشید از مغرب نه طلوع کرده و نخواهد کرد؛ مراد از خورشید، مهدی است و درباره اشخاص هم کلمه «طلع من فلان» استفاده می‌شود.^۲ در دوره صفوی برخی از علمای اخباری شروع به تطبیق برخی روایات ظهور بر دولت صفوی کردند از جمله: تطبیق روایات ظهور مردی از شرق به ظهور شاه اسماعیل و اینکه این دولت به دولت مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه متصل خواهد شد.^۳ ابن تومرت دلیل ادعایش، استخراج حوادث آینده و ویژگی‌های امام مهدی با علوم جفر و تطبیق آن بر خودش بوده که از آن چنین ظاهر شد که در اول سده ششم در اقصای شهر مغرب از شهر سوس پیدا می‌شود و مردم را به دین خود دعوت می‌کند.^۴ در برخی از موارد هم علائم ظهور ذوقی و بدون مبنای شرعی و عقلی تراشیده شده و ادعا شده که مقدمه ظهور است مانند طرح انتقال آب خزر به کویر.^۵ یکی از مباحث جنجالی در سالهای اخیر سی دی جنجالی ظهور نزدیک است که در آن بسیار ناشیانه به تطبیق افراد سرشناس پرداخته مانند اینکه شهید حکیم را نفس زکیه و احمدی نژاد را شعیب بن صالح، سید حسن نصرالله را سید یمانی و سفیانی را ملک عبدالله معرفی کرده بود.^۶

۹. عدم شناخت ویژگی‌های امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه

به جهت عدم شناخت و یا عدم التفات به ویژگی‌های امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه از قبیل نام، نسب، ولادت، دوازدهمین و یا تسلط بر تمام زمین و عدالت فراگیر- موجب شده که برخی جریان‌ات انحرافی شکل بگیرد. مانند محمد بن حنفیه که ویژگی‌های مهدوی از قبیل: نام، نسب و دوازدهمین نفر بودن از امامان را دارا نبود.^۷ ولی با این وجود، جریان کیسانیه معتقد به مهدویت

۱. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۸۲.

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۳۲ و ۱۹۰.

۳. همان، ص: ۱۲۶-۱۲۷.

۴. همان، ص: ۱۹۵.

۵. همان، ص: ۲۸۴.

۶. همان.

۷. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۱۸.

او شدند. چنانچه قائلان به مهدویت امام حسن عسکری علیه السلام نیز به دلیل همین رویکرد دچار انحراف شدند. آنان استدلالشان این بوده که: امامت امام حسن عسکری علیه السلام اثبات شده، از سوی دیگر، اثبات شده زمین هیچگاه از حجت خالی نیست و حجت باید از نسل امام پیشین باشد؛ در حالی که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است. از این مقدمات دانسته می‌شود که ایشان از دنیا نرفته و همان مهدی موعود است.^۱ این فرقه به سبب عدم معرفت نسبت به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و اینکه ایشان دوازدهمین امام است، بوجود آمد.

۱۰. توقیت

یکی دیگر از آسیب‌ها، تعیین وقت ظهور است. چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه مخفی بماند. لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند: «مفضل بن عمر گوید: از آقایم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مأموریت مهدی منتظر وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود؟ فرمود: حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند. عرض کردم: آقا برای چه؟ فرمود: زیرا وقت ظهور او همان ساعتی است که خداوند می‌فرماید: یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا؛ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً^۲. و نیز این همان ساعتی است که خدا فرموده: یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا^۳ و هم فرموده: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ^۴ یعنی: علم آن وقت فقط در نزد خداست ... عرض کردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ فرمود: ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می‌کنم و نه هم وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (بناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد!»^۵

۱. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۲۸.

۲. سوره اعراف آیه ۱۸۷.

۳. سوره نازعات آیه ۴۲.

۴. سوره لقمان آیه ۳۴.

۵. بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۱-۳، باب ۲۸؛ «عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عَ هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيُّ عَ مِنْ وَقْتٍ مَوْقَتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ فَقَالَ حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يَوْقَتَ ظُهُورَهُ بَوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» الْآيَةَ وَ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» وَقَالَ «عِنْدَهُ عِلْمُ

تعیین وقت ظهور به معنای تعیین سال ظهور و یا حتی قریب الوقوع بودن آن عامل ایجاد جریان‌ات انحرافی بوده و هست از جمله شخصی بنام محمد بن جلال حسینی از طرف استادش مامور می‌شود تا به استخراج تاریخ ظهور بپردازد و او سلسله رویدادها را از سال ۹۵۰ که این گفتگو صورت گرفته تا سال ۱۲۱۴ که به نظر وی سال ظهور است پیشگویی کرده است.^۱

یکی از عوامل پیدایش بابت دادن وعده ی قریب الوقوع بودن ظهور توسط شیخ احسایی و سید کاظم رشتی بوده است بطوری که رشتی ادعا می‌کرد زود است پس از من امام غائب ظاهر گردد و روح امام در غالب شخص معینی ظاهر خواهد شد. می‌گفت بسا امام در میان شماها باشد و تاکید می‌کرد بر یکایک شماها لازم است شهرها را بگردد و ندای امام غائب را اجابت کند.^۲ همچنین ادعا می‌شود که طبق روایت امام باقر ع حروف مقطعه از الم بقره تا المر بشماری یک هزار دویست و شصت و هفت می‌شود و این مطابق است با یوم طلوع نیر اعظم از فارس.^۳

۱۱. ملاقات گرایی

گرایش و علاقه مردم به ملاقات و دیدار حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام و از طرفی ادعای مدعیان مبنی بر ارتباط و ملاقات با حضرت موجب ایجاد جریان‌ات انحرافی می‌گردد. از جمله جریان محمود عرفانیان ادعای ارتباط می‌کرد و سوالات مردم نوشته و پاسخ آنها را از حضرت دریافت می‌کردند.^۴ و یا فریده گل محمدی آرمان ادعا می‌کند که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سال ۱۳۷۰ ه.ش به او خبر داده که نمی‌تواند ظهور کند.^۵ یکی از جریان‌ات انحرافی دیگر جریان سید حسن ابطحی است که مبنای کارش و انحرافش، گرایش افراطی به ملاقات و دیدار بوده و در این زمینه کتابی با نام ملاقات با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌نویسد.^۶

السَّاعَةَ ... قُلْتُ أَمْ فَلَا يُؤَقَّتُ لَهُ وَقْتُ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ لَا أَوْقَتُ لَهُ وَقْتًا وَلَا يُؤَقَّتُ لَهُ وَقْتُ إِنْ مَنْ وَقَّتْ لِمُهْدِينًا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ وَادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَي سِرِّهِ»

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۲۶.

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۳۰.

۳. همان، ص: ۲۳۶.

۴. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص: ۳۵۰.

۵. همان، ص ۳۵۸.

۶. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۷۷.

۱۲. عدم معرفت به ویژگیهای غیبت کبری

غیبت کبری ویژگیهایی دارد که آن را با غیبت صغری متفاوت می‌کند و عدم شناخت آن ویژگیها باعث ایجاد انحراف شده است. از جمله با شروع غیبت کبری، نیابت خاصه و ارتباط رسمی با حضرت به پایان رسیده است، ولی با این وجود افراد فراوانی بخاطر عدم توجه به این نکته به مدعیان گرایش پیدا کرده‌اند؛ مانند علیمحمد باب شیرازی که ادعای باییت و نیابت خاص داشت و یا اعتقاد به رکن رابع توسط شیخیه از همین قبیل است.^۱

۱۳. عدم درک صحیح از مفهوم انتظار

برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی، منحصر دانسته و بیش‌تر از آن، وظیفه‌ای برای خویش قائل نیستند. گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند. چون معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آن‌ها بر نمی‌آید و تکلیفی بر عهده ندارند، و امام زمان علیه السلام خود، هنگام ظهور کارها را اصلاح می‌کند. پندار گروه سوم چنین است که: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور - که دنیایی پر از ظلم و فساد است - فراهم آید. گروه چهارم، انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آن‌ها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت هرچه بیش‌تر فراهم گردد. دیدگاه پنجم، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام می‌داند و می‌گوید: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است» به این استدلال که در روایات آمده است: «هر علم و پرچمی قبل از ظهور قائم علیه السلام باطل است.»^۲ جریان حجتیه به خاطر همین برداشت غلط از مقوله انتظار - و عدم اعتقاد به انتظار فعال و لزوم حرکت سیاسی و دخالت در امور جامعه - بوجود آمد و دچار انحراف شدند.^۳

۱۴. نوع نگرش اهل سنت نسبت به مهدویت

نگاه اهل سنت به مهدویت بسیار کلی است و قابل تطبیق بر افراد فراوان است چرا که

۱. همان، ص: ۱۴۰.

۲. موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.

۳. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص: ۷۹-۸۱.

مهدی یک انسان عادی و مجتهد و دارای ویژگیهای الهی و آسمانی نمی‌باشد.^۱ لذا افراد به راحتی می‌توانند ادعای مهدوی داشته باشند. تشابه برخی از مدعیان در برخی ویژگیها با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز موجب پیدایش انحراف گردیده مانند محمد بن عبدالله تومرت که از سادات حسنی بود؛ طبق برخی روایات اهل سنت امام مهدی از سادات حسنی است و هم نام با پیامبر است و نام پدرش نیز هم نام با پدر پیامبر، یعنی عبدالله است. ابن تومرت نیز نامش محمد و نام پدرش عبدالله است. از این رو این تشابه اسمی، موجب ادعاهای او گردید.^۲

۱۵. عدم تشخیص معجزه و کرامت از امور خارق عادت

علت گرایش بسیاری از مردم به مدعیان، دیدن برخی امور غیر متعارف و خارق عادت می‌باشد که مردم تصور می‌کنند این امور، معجزه و کرامتی است که خدا به آنها عطا کرده است. از جمله می‌توان حسین بن منصور حلاج را نام برد که با کارهای خارق عادتش موجب جذب مردم شده بود چون اینها را کرامت و نتیجه روحانیت و معنویت او می‌پنداشتند.^۳

علت گرایش مردم به قاضی شرف الدین ابراهیم مدعی مهدویت، ادعای صدور کرامات و خوارق عادت به همراه زهد نمایی او بوده است. قائل بودند اگر دعا بر سنگریزه بخواند سنگریزه سواری جوشن پوش می‌شود.^۴

علت گرایش مردم به ملا هدایت درندی شافعی دیدن برخی خوارق عادت و شعبده از او بود که می‌پنداشتند کرامت است و اهالی دهدشت که از سادات و شافعی مذهب بودند از خروج او اظهار شادمانی می‌کردند و مهمانی راه می‌انداختند.^۵

۱۶. تأویل گرایی

تأویل گرایی منجر به توقیت و یا تطبیق و انحرافات دیگر می‌شود که خود عاملی برای پیدایش جریانات انحرافی می‌باشد. در بسیاری از جریانهای انحرافی نوعی تأویل گرایی دیده می‌شود، ظاهر برخی نصوص را بر اساس اهداف خود تأویل می‌کنند از جمله فرقه‌ی

۱. همان، ص: ۱۱۵.

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۹۴.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۵۷.

۴. همان، ص: ۹۷.

۵. همان، ص: ۱۷۸.

یمانی (احمد بصری) پرچم حضرت را به حاکمیت خداوند، سلاح را به علم تأویل می‌کنند.^۱ یا برزنجی صیحهٔ آسمانی را به رادیو و اشراق زمین را به نور پروردگار در زمان ظهور را به اختراع برق تأویل می‌کرد.^۲ شخص دیگر، فضل الله حروفی است که سخت گرفتار تأویل بوده و متهم شد که فروعات فقهی را حذف کرده است. و سال ظهور مهدی را از زمان هجرت پیامبر به اندازهٔ حروف بسم الله می‌دانست.^۳ مورد دیگر در تطبیق شاه طهماسب به دولت آخرالزمانی و مقدمهٔ ظهور است که بسیار زیاد از علم حروف استفاده شده از جمله اینکه تاریخ جلوس همایون با عدد لفظ آخرالزمان موافق است.^۴

۱۷. رجوع مردم به افراد غیر متخصص و کم ظرفیت

در جریان انحرافی محمود عرفانیان به جهت گرایش مردم به ایشان جهت کلاس های دینی و یا تعبیر خواب و گرفتن ذکرهای خاص جهت برطرف شدن مشکلات موجب شد، ادعای ارتباط با حضرت و دارا بودن چشم برزخی را نیز مطرح سازد و عده‌ای را فریب دهد.^۵

۱۸. عدم شناخت مبانی و معیارهای فقهی و اصولی

مدعیان برای اثبات خود به چیزهایی استناد می‌کنند که از نظر شرع و مبانی فقهی و اصولی، حجیت ندارند و چون پیروان نسبت به این مسأله شناخت ندارند دچار انحراف می‌گردند. مانند استناد به رویا و استخاره جهت اثبات حقانیت در فرقهٔ یمانی بصری^۶، و یا جریان عبدالوهاب بصری که پیروانش ادعاهای او را در مورد دریافت کلام معصوم در خواب را بر فتوای فقها ترجیح می‌دادند.^۷ در مورد ادعای مهدویت شخص محمد بن عبدالله قحطانی، علت اصلی این اعتقاد از سوی او و پیروانش خواب‌هایی بود که در این باره دیده می‌شد.^۸ خود قحطانی می‌گوید: اوائل که به من مهدی منتظر می‌گفتند: یک شوخی حساب می‌کردم تا این که شمار خواب‌هایی

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص: ۲۸۴-۲۹۰.

۲. همان، ص: ۲۱۴.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۰۷.

۴. همان، ص: ۳۰۸.

۵. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۳۵۰.

۶. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص: ۳۰۰-۳۰۳.

۷. همان، ص: ۳۶۶.

۸. همان، ص: ۱۸۴.

که من را به عنوان مهدی می‌دیدند زیاد شد و کم کم جدی گرفتم.^۱ فضل الله حروفی به جهت اثبات مهدویتش از خواب و این که در خواب مورد تأیید حضرت علی ع قرار گرفته استفاده می‌کرده است.^۲ عبد الزهره البدیری موسس جیش المهدی دلیل کارش را دستور حضرت در خواب به تاسیس آن جریان بیان می‌کند.^۳ فراش یک مدرسه در سبزوار با استناد به رویا در دهه بیست ادعا کرد امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه را به خواب دیده که به او گفته تو نماینده من هستی و به مردم بگو لازم نیست نماز صبح بخوانید.^۴

۱۹. خلأ معنویت و عرفان ناب اسلامی در جامعه

یکی از عوامل ایجاد جریان‌ات انحرافی، خلأ مباحث معنوی و عرفان اسلامی در جامعه خصوصاً معارف جذاب مهدویت است که زمینه را برای مدعیان فراهم می‌کند. مردم بخصوص قشر مذهبی علاقه زیادی به مباحث عرفانی و مهدوی دارند و چون افراد متخصص و مباحث ناب عرفانی در جامعه کم‌رنگ است مدعیان براحتی از این فضا بهره می‌برند. از جمله علی یعقوبی که با طرح مباحث عرفانی خصوصاً در زمینه مهدویت، اقشار مذهبی را به خود جذب می‌کند. وی سلسله جلسات و نیز جزواتی در زمینه به سوی ظهور و بهشت ظهور داشته و منتشر ساخته است.^۵ او هدف از طرح این مباحث را آشنایی با صحنه‌های آخرالزمان می‌داند. او یکی از صحنه‌ها را ترکیب شدن عوالم دنیا با برزخ و اداره شدن دنیا با قوانین برزخی در نزدیکی ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه الیه می‌داند.^۶

۲۰. عدم تشخیص الهامات شیطانی از الهامات ربانی

ابن حجر در مورد ادعای مهدویت احمد بن عبدالله هاشم معروف به ملثم نوشته که در سال ۸۹۶ق گفت: خداوند را بارها ملاقات کرده و به آسمانهای هفتگانه به معراج رفته، و خدا به او گفته است که او همان مهدی است و نیز رسول الله صلی الله علیه و آله را دیده و او نیز گفته که او از نسل من و

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۴۷.

۲. همان، ص: ۱۰۷.

۳. همان، ص: ۲۵۷.

۴. همان، ص: ۲۶۶.

۵. حجاجی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۳۰۶.

۶. همان، ص ۳۱۳.

همان مهدی است.^۱

ابن تیمیه نیز می‌گوید: در روزگار ما تعدادی از مشایخ را می‌شناسم که زاهد و عابدند و هر کدام بر این باورند که مهدی هستند؛ چرا که آنان بر این باورند که خدا آنان را به این نام مخاطب ساخته، در حالیکه شیطان آنان را مخاطب ساخته است. یکی از آنان احمد بن ابراهیم بوده است. به او گفته می‌شود: احمد و محمد در واقع یک اسمند، و ابراهیم خلیل نیز جدّ رسول الله ﷺ بوده، نام پدر تو نیز ابراهیم است. بدین ترتیب نام تو همان پیامبر و نام پدر تو همان پدر پیامبر است. بدین ترتیب مهدویت او ثابت می‌شود.^۲

۲۱. القانات سوء اطرافیان

سید احمد بن محمد بریلوی با ادعای مهدویت و اصلاح امور در هند ظاهر شد. علت ادعاهایش، القانات استادش شاه ولی الله دهلوی بود که سبب شد او خود را صاحب الزمان و مهدی منتظر بداند؛ کسی که باید اوضاع مسلمانان هند را اصلاح کند. وی متأثر از حرکت وهابیون بود، توانست شمار زیادی از مردم را به سوی خود جلب کند، آن چنان که مهدویت او را بپذیرند. کار او نشر تفکر وهابیت در هند تحت پوشش جریان اصلاحی و مهدویت بود.^۳

نتیجه گیری

در جمع‌بندی آنچه گذشت، باید گفت: جریانات انحرافی در خلأ و فقر فرهنگی ظهور و بروز دارند و ریشه عمده انحرافات، جهل و عدم شناخت کافی از مبانی دینی و رجوع به طاغوت‌ها و خواص و دانشمندان جور است، از این رو راهکار پیشگیری و درمان همان است که در حدیث ثقلین آمده است و آن رجوع به منبع اصیل معرفتی یعنی قرآن کریم و نیز رجوع به مفسر و مجری آن یعنی عترت رسول اسلام صلی الله علیه و آله است. و در عصر غیبت امام مهدی ﷺ وظیفه عمومی مسلمانان جهت مصونیت خود از گمراهی و غرق شدن در گرداب جریانات انحرافی، رجوع به فقها و کارشناسان دینی و افزایش معرفت دینی از طریق آنان خصوصاً در زمینه مهدویت است. از این رو ضرورت دارد که بطور خاص در زمینه مهدویت اولاً دانشمندان و کارشناسان خبره تربیت شوند، ثانیاً معارف مهدوی، غنی سازی و بروز رسانی

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۰۲ به نقل از: الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۱۸۵، ش ۴۸۲.

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۰۲ به نقل از: منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۱۱.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۲۵-۲۲۶.

شوند، خصوصاً در مواجهه با جریانات انحرافی، ثالثاً آموزش معارف مهدوی در جامعه فراگیر و همگانی شود تا زمینه پیدایش جریانات انحرافی در جامعه بطور کامل ریشه‌کن شود و از بین برود.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبه للنعمانی**، تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، **تاریخ ابن خلدون**، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۴. اسحاقیان، جواد، **پیچک انحراف**، ۱جلد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه الشریفه، قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
۵. جعفریان رسول، **مهیدیان دروغین**، انتشارات علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۶. حجامی، حسین، **شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت**، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵ش.
۷. حیدری آل کثیر، محسن، **بررسی جریان جدید مدعی یمانی** (احمدالحسن)، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۴، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۰ش.
۸. سبحانی جعفر، **فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی**، ۵جلدی، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبه (للطوسی)**، ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.
۱۰. عرفان، امیرمحسن، **قبیله تزویر: بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان**، موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجله تعالی فرجه الشریفه، قم، چاپ: ۱، سال ۱۳۹۲ش.
۱۱. عرفان، امیرمحسن، **بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان**، فصلنامه انتظار موعود، سال نهم، شماره ۳۰، پائیز ۱۳۸۸ش.
۱۲. قاضی نعمان، ابی حنیفه نعمان بن محمد، **افتتاح الدعوه**، تحقیق فرحات الدشراوی، تونس، الشركة التونسية، بی تا.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.
۱۵. موسوی خمینی روح الله، **صحیفه امام**، ۲۱جلدی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.
۱۶. نصوری، محمد رضا، **متمهدیان و مهیدیان دروغین**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۸ و ۹، سال

سوم، تابستان و پائیز ۱۳۸۲ ش.

۱۷. نصوری، محمد رضا، **متمهدیان و مهدیان دروغین**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۰، سال

سوم، زمستان ۱۳۸۲ ش.

۱۸. نقی‌پور، طیبه - سلیمیان، خدامراد، **بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی**

شیعه در غیبت صغرا، فصلنامه انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۲، پائیز ۱۳۹۲ ش.

جایگاه اخلاق اجتماعی در حکومت مهدوی و شیوه‌های تحقق آنها

امیر گلپور^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۴/۲۰

تاریخ پذیرش ۹۷/۷/۲۵

چکیده

انسان معاصر به دلیل مواجهه با مکاتب بشری و مادی‌گرایی جامعه جهانی، دچار سرگردانی اخلاقی گردیده، به دنبال یافتن الگویی مناسب در روابط اجتماعی خویشتن است. اخلاق هم‌زیستی یکی از موضوعات اخلاق کاربردی است که درباره مسئولیت انسان در مقابل دیگران بحث می‌کند. ساحتی است که بیانگر وظایف اجتماعی انسان در مقابل سایر انسان‌هاست. دولت مهدوی بنابر آموزه‌های حدیثی، عهده دار تکامل اخلاق است. که نمود اصلی آن بایستی در فضای جامعه متبلور گردد. در این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای، جایگاه اخلاق و ساز و کارهای تربیت اخلاقی در حکومت مهدوی، بر اساس سخنان ائمه طاهریین علیهم‌السلام مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، اخلاق، عدالت ورزی، امام مهدی علیه‌السلام

۱. دانش آموخته سطح ۴ گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت قم.

مقدمه

ترویج ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان مهم‌ترین عامل آرام‌بخش برای بشریت است. بشری که ظلم به خویشان را از طرف دیگران احساس می‌نماید، هیچ عاملی نظیر اخلاق نمی‌تواند به انسان آرام و و احساس خوب زیستن را بدهد. در آیات قرآن کریم و سخنان معصومین علیهم‌السلام، اخلاق و تزکیه نفس حتی بر اعتقادات مقدم شده است. خدای متعال می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ^۱. او (خدای متعال) کسی است که در بین مردم درس ناخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، در حالیکه آیات الهی بر ایشان می‌خواند و آنها را تزکیه کرد و به آنها کتاب و دانش سود مند را یاد داد.

اهمیت اخلاق به قدری والا و با اهمیت است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فلسفه وجودی بعثت خود را اكمال ارزش‌های اخلاقی برمی‌شمرد. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۲. حتما برای تمام کردن ارزش‌های اخلاقی برانگیخته شده‌ام.

ائمه هدی علیهم‌السلام مظهر اخلاق و دعوت کننده قولی و عملی به اخلاق الهی بوده‌اند. این بزرگواران همواره شیعیان را بر این مهم ترغیب می‌کرده‌اند و روایات اخلاقی فراوانی از ایشان به یادگار مانده است.

امام مهدی علیه‌السلام به‌عنوان خاتم الوصیاء و سلاله النبیین عهده دار تحقق مکارم اخلاقی و دولت اخلاق محور بر روی زمین است. او کسی است که می‌بایست بشریت را در بعد مادی و معنوی به کمال مطلوب خویش برساند. فایده این نوشتار علاوه بر آشنایی با جایگاه اخلاق در حکومت مهدوی، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای اجرای اخلاق در جوامع پیش از ظهور قرار گیرد.

همان گونه که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از بعثت به مکارم اخلاقی همچون: جوانمردی، ایثار، راستگویی و امانت داری معروف بودند، و موجب جذب افراد به ایشان گشته بود. لذا تبیین مبانی اخلاقی حکومت مهدوی و بیان ویژگی‌های زیبای اخلاقی امام مهدی علیه‌السلام و حکومت اخلاقی ایشان می‌تواند موجب تالیف قلوب به امام مهدی علیه‌السلام و آموزه‌های مهدوی گردد. از این رو سعی می‌کنیم تا جنبه‌های مردم‌داری و اخلاق اجتماعی را در دولت و حکومت مهدوی از نگاه روایات بررسی نماییم

۱. جمعه: آیه ۲.

۲. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۸.

اهمیت اخلاق اجتماعی

یکی از مباحث مهم در اخلاق، بحث مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی است که به چهار بخش تقسیم می‌گردد: مسئولیت در مقابل خدای متعال، خویشتن، هموعان و محیط زیست. در این میان وظیفه در مقابل هموعان به عنوان فراگیرترین مسئله در گستره اخلاق اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

چرا که انسان موجودی اجتماعی است و به نظر بیشتر دانشمندان انسان مدنی بالطبع است. قدیمی‌ترین آثار و شواهد تاریخی حاکی از آن است که بشر پیوسته در اجتماع زندگی کرده و هیچ‌گاه تنها نبوده است.^۱

نکته مهم آنکه بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی مانند ریا و اخلاص، امانت و خیانت، عفت و بی‌حیایی، راست و دروغ، امر به معروف و نهی از منکر ایثار و گذشت، شجاعت و ترس، غیبت و تهمت، و موارد متعددی از شایسته‌ها و ناشایسته‌های اخلاقی، با حضور در اجتماع معنا می‌یابد، نه با انزوا و فردگرایی. به خصوص در فرهنگ اسلامی که دین با ارائه اسوه و الگو نیز به معرفی فضایل اخلاقی می‌پردازد، آیاتی نظیر ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب / ۲۱)، ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (نساء / ۵۹) ﴿وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر / ۷)، نمونه آشکاری در این باره است. این آیات حکایت از این واقعیت دارد که، تربیت نیاز به الگو دارد.

در اخلاق اجتماعی آنچه حایز اهمیت است رعایت حقوق و کرامت انسان‌ها است. در روایات معصومین علیهم‌السلام از این مسئله به حق الناس یاد شده که بیش از حق الله بر آن تأکید شده است. امام صادق علیه‌السلام فرموده است: ساده‌ترین حقوق این است که آنچه برای خود می‌پسندی یا اکراه داری، برای برادر دینی‌ات نیز چنین باشی.^۲

امام باقرمی فرمایند: از جمله حقوق مؤمن بر برادر دینی‌اش این است که گرسنگی او را برطرف سازد؛ راز و عیب او را بیوشاند؛ رنج و اندوهش را برطرف سازد؛ قرض او را بپردازد و هرگاه از دنیا رفت، جایگزین او در رسیدگی به وضع خانواده و فرزندانش باشد.^۳ امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر به او توصیه می‌کند که حرمت همه افراد اعم از مسلمان

۱. طباطبایی، تیسعه در اسلام، ۵.

۲. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۵۴.

۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲ / ۴۸۲.

و غیرمسلمان را نگاه دارد.

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز انسان‌ها مورد تکریم و احترام هستند و شخصیت حقیقی خود را باز خواهند یافت و این مهم‌ترین اصل در اخلاق اجتماعی مهدوی است، چراکه در وصف دولت او آمده است: «تعظم الامه و یعزهم»^۱؛ مردم بزرگ داشته می‌شوند و عزت می‌یابند.

از این‌رو، برای افراد و جامعه منتظر ضرورت دارد به تکریم و تعظیم انسان‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند.

روش حکومت مهدوی برای تحقق اخلاق اجتماعی

تربیت اخلاقی مردم و عدالت‌ورزی به‌عنوان دو اصل اساسی و ساز و کار مهم در تحقق اخلاق اجتماعی مهدوی مورد توجه است. این اصول از دو جهت قابل دقت و توجه است. از یک سو، ناظر به حقوق مردم و بیان تکالیف دولت مهدوی در قبال آنان است، و از سوی دیگر، هر دو جنبه نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد که وجه تمایز دولت مهدوی با دولت‌های مادی‌گرای بشری است.

۱. تربیت اخلاقی مردم

در حکومت الهی حاکم موظف به تربیت اخلاقی مردم است تا آنها را از جهل به رشد و کمال رهنمون شود؛ حاکم وظیفه دارد مردم را به سمت بهشت هدایت کند. حاکم نسبت به سرنوشت مردم بی تفاوت نیست. و این وجه تمایز حاکم اسلامی با سایر حاکمان جوامع بشری است. امام علی علیه السلام در باره حق مردم بر حاکم می‌فرماید: حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم؛ بیت‌المال را عادلانه میان شما تقسیم کنم؛ شما را آموزش دهم تا نادان ننمایید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.^۲

یکی اهداف بسیار مهم و اساسی در حکومت مهدوی کمال روحی و معنوی انسان‌هاست. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم»^۳؛ وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد. پس عقول

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۱۴ / ح ۳۸۷۰۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳. قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ / ۳۳۶.

آنها را متمرکز می‌سازد و اخلاقشان را به کمال می‌رساند. اما روش و مکانیسم تکامل عقول به چه شکل و نحوه ای می‌باشد؟ و منظور از عنوان وضع ید و تکامل اخلاق چیست؟ آیا این تعبیر نمادین است، یا اینکه گویای حقیقتی است عملی و تحقق‌پذیر؟ دست کشیدن بر سر مردم کنایه است از فراهم آوردن بستر عمومی رشد و تعالی انسان‌هاست. حضرت مهدی علیه السلام برای تکامل عقول و اخلاق از چند عامل بهره می‌برند:

الف: تعلیم حکمت و دانش سودمند

دانش سودمند آن چیزی است که انسان را به هدف می‌رساند برخلاف دانش غیر مفیدی که انسان را از هدف اصلی دور می‌کند. در زمان حضرت مهدی علیه السلام دانش سودمند برای رشد و تعالی و کمال انسان‌ها توسط امام علیه السلام به مردم داده می‌شود و آنچه برای هدایت آنها مورد نیاز باشد در اختیار مردم جامعه قرار می‌گیرد. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: **تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ**.^۱ در زمان او (مهدی علیه السلام) حکمت به مردم داده می‌شود.

ب: گسترش مهر و محبت

یکی از برکات و آثار مهم و درخشان عصر ظهور گسترش مهر و عاطفه و مهر ورزی است. مردم جامعه بر اساس مهر ورزی با هم تعامل برقرار می‌کنند. ارتباطات و رفت و آمدها با محبت و مهربانی خواهد بود. رفع احتیاجات به راحتی رفع می‌شود. در حدیثی از امام باقر آمده است:

«... حتی اذا قام القائم جائت المزابله و ياتي الرجل الي كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه»^۲؛ وقتی قائم ظهور کند، دوستی و صمیمیت فراگیر می‌شود و فرد از جیب برادر دینی خود به قدر نیازشان برمی‌دارد و او مانع نمی‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«بنا يصحون بعد عداوه الفتنة اخوانا في دينهم»^۳؛ به واسطه مهدی ماست که مردمان پس از نابودی زشتی‌های فتنه‌آمیز، برادران دینی یکدیگر خواهند شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «... لتذهبن الشحنا والتباغض»^۴؛ با ظهور مهدی کشمکش و کینه‌ورزی‌ها از بین خواهد رفت.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ۱۳ / ۱۹۶.

۳. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ۱۲۹.

۴. نیشابوری، صحیح مسلم، ج/۹۴.

ج: درمان بیماری های روحی

منشا تمام اعمال حرکات گفتارها و خوبی ها و بدی های انسان نفس است. اگر نفس اصلاح شود دنیا و آخرت انسان تامین و آباد می‌شود و اگر به فساد کشیده شد دنیا و آخرت را نابود می‌کند. بیماریهای نفسانی دارای اقسام و انواعی است: آفت ها و عیوب اعتقادی: مانند کفر، نفاق، شرک، شک، جهل، ربا و... آفت ها و عیوب عاطفی: مانند یأس، سستی، بی حالی، غرور، فریفتگی، فخر، حسرت و... آفت ها و عیوب رفتاری: مانند دروغ، غیبت، تهمت، تجسس، استهزاء، فتنه گری، فساد، و... درمان این شرور درست همان کاری است که مصلح کل بشر انجام خواهد داد. امام با از بین بردن روحیه آزمندی و طمع، بیرون کردن کینه و دشمنی از دلها، برگزیدن شایستگان، از بین بردن شیطان و عوامل وسوسه کننده‌ی بیرونی، بیماری های روحی را درمان می‌کند. در روایت داریم که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بیماریهای اخلاقی را درمان می‌کند.

سَلَّكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ ص فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبَكْمِ؛^۱ شیوه پیامبر خدا را در پیش می‌گیرد و شما را از کوری و گنگی (بیماری های روحی و اخلاقی) نجات می‌بخشد.

در حدیثی دیگر آمده است:

«یفتح حصون الضلالة و قلوباً قفلاً»؛^۲ قلعه‌های گمراهی و دل‌های بسته را می‌گشاید.

در برخی از روایات آمده است:

«... ان یصلح امه بعد فسادها»؛^۳ او امت را پس از آنکه فاسد شدند، اصلاح می‌کند.

د. مانع زدایی و تغییر ساختارهای معیوب و ویرانگر فرهنگی

یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اخلاقی و معرفتی این است که عوامل مزاحم برای موفقیت را از خود دور نماییم. در توحید و یکتا پرستی اولین قدم در این راه دور ریختن خدایان پوشالی است که در اولین کلمات پیامبر اکرم ص در دعوت به توحید به چشم می‌خورد: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا»^۴ لا اله الا الله بگوئید تا رستگار شوید. پس مانع زدایی یک مساله مهم در تربیت،

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۶.

۲. قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۸۸.

۳. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲ / ص ۴۷۳.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۱، ص ۲۵۶.

رشد، کمال و ترقی اخلاقی است. یکی از موانع مهم در سلوک و رشد، عامل بیرونی و وسوسه‌های شیطان است. وسوسه‌های شیطان در زمان امام مهدی عجله الله تعالی فرجه از بین می‌رود.

وهب بن جمیل می‌گوید از امام صادق عجله الله تعالی فرجه پرسیدم در باره آیه «رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین» که وقت معلوم چه زمانی است؟ فرمود ای وهب گمان کرده‌ای که خداوند تا قیامت به شیطان مهلت داده است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به او مهلت داده است. وقتی قائم قیام می‌کند به مسجد کوفه می‌رود، در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود به آنجا می‌آید و می‌گوید وای بر من از امروز. پس امام زمان عجله الله تعالی فرجه موی پیشانی او را می‌گیرد و فوراً گردن او را می‌زند. آن روز وقت معلوم است.^۱

هـ. از بین بردن ساختارهای فاسد (عامل بیرونی)

ساختارهای فاسد محل ترویج افکار فاسد و در نتیجه باعث رشد ناهنجاری در فضای جامعه می‌باشد و کانون انتشار فحشاء در اجتماع است. اگر جلوی این مراکز را نگیریم کارهای فرهنگی بی اثر خواهد شد. مثل بیماری که دارو مصرف می‌کند ولی از عواملی که بیماری را تشدید می‌کند، پرهیز نمی‌نماید. این بیمار انتظار بهبودی سریع را نباید داشته باشد. پس از بین بردن موانع بیرونی در مسیر بندگی امری مهم و لازم می‌باشد.

امام علی عجله الله تعالی فرجه می‌فرماید:

«روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری را از بین می‌برد. مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند. امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. مردمان شرور نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند».^۲

۲. عدالت‌ورزی

از جمله وظایف حاکم در مقابل مردم و جامعه خویش در حوزه اخلاق معاشرت، فراهم‌سازی مساوات و دادورزی میان آنهاست؛ چرا که بیشترین گرفتاری بشر از گذشته تاکنون، ظلم‌ها و تبعیض‌های ناروایی بوده که به‌خصوص حاکمان بر مردم روا می‌داشته‌اند. از این روست که همه انسان‌ها در تمام ادیان به انتظار یک منجی نشسته‌اند تا آنها را از وضعیت نابسامان موجود برهاند. این یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های دولت مهدوی به‌شمار می‌آید. در متواترین

۱. العیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. صافی، لطف‌الله، منتخب‌اللائر، ص ۴۷۴.

احادیث شیعه و سنی از طرق گوناگون به مسئله عدالت حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است که او جهان را پس از ظلمتی طولانی به ساحلی آرام و عدالت محور خواهد کشاند.

امام علی علیه السلام درباره اعتدال و میانه‌روی می‌فرماید: «لا تری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً جاهل یا در افراط (زیاده روی) است و یا در تفریط (کوتاهی). از این سخن معلوم می‌شود، جهالت یعنی در افراط یا تفریط بودن. و علم و حکمت در گرو این است که انسان عادل باشد، یعنی نه افراط کند و نه تفریط. با توجه به اینکه انسان سه قوه شهویه، غضبیه و ناطقه دارد، این سه قوه زمانی در دایره عدالت هستند که نه در افراط باشند و نه در تفریط. اعتدال در ناطقه، حکمت است. اعتدال در شهویه، عفت و اعتدال در غضبیه، شجاعت است. از اجتماع حکمت، عفت و شجاعت صفت عدالت پدید می‌آید؛ چنان که اگر دچار افراط شود، ظلم و اگر دچار تفریط شود، مبتلا به ظلم پذیری خواهد شد.

در نتیجه حکومت مهدوی حکومتی است مبتنی بر حکمت، عفت و شجاعت؛ حکومتی که در جنبه‌های فردی و اجتماعی بر گرد عدالت می‌چرخد و خود حضرت محور آن است؛ چنان که امام رضا علیه السلام در حدیثی اهل بیت علیهم السلام را مصداق این حد اعتدال می‌داند: «نحن آل محمد النمط الاوسط الذی لا یدرکنا الغالی و لا یسبقنا التالی.»^۲ ما آل محمد راه میانه ای هستیم که نه غالی به آن می‌رسد و نه کسی که عقب بیفتد، می‌تواند سبقت بگیرد.

حکومت مهدوی واقعیت و زندگی عادلانه را به تمام معنا برای مردم جلوه‌گر خواهد ساخت و آنان نیز با بصیرت خود، آن را مشاهده خواهند کرد: «ابشروا بالمهدی ... یملاً قلوب العباد عبادهً و یسعهم عدله»^۳ بشارت باد به آمدن مهدی! او دل‌های بندگی را با عبادت و اطاعت پر می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد.

امام رضا علیه السلام در حدیثی جامعیت عدالت مهدوی را این چنین ترسیم فرمود: هرگاه آن امام خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می‌گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد.^۴

در روایات دیگری به گوشه‌های دیگری از عدالت مهدوی اشاره شده است. امام صادق علیه السلام

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۲. ابن بابویه، توحید، ص ۱۱۴.

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار ۵۲ / ۳۲۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین ۳ / ۳۷۲.

فرمود: چون مهدی قیام کند، مال را به صورت مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را میان رعیت اجرا می‌کند. ^۱ هم‌چنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یحییها (الارض) بالقائم عنه السلام فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم»؛ ^۲ خداوند زمین را بوسیله قائم عنه السلام زنده می‌کند و عدالت را برپا می‌کند و زمین را بعد از مرگ اهلش زمین با ظلم، بوسیله عدل زنده می‌کند. اما سوالی در این جا مطرح است که، این عدالت چگونه محقق می‌گردد؟ حضرت مهدی برای گسترش عدالت در زمین از عواملی بهره می‌گیرد که عبارتند از:

الف: رفع فقر

از جمله اسباب ناامنی جامعه و به نابودی کشاندن آن، فقر و احتیاج است. فقر و نداری، باعث دزدی و خون‌ریزی و ذلت و خودفروشی و ده‌ها مسایل انحرافی دیگر می‌شود. زیرا شکم گرسنه و پیکر عریان با هیچ‌کس سر شوخی ندارد. از این رو است که یکی از برنامه‌های اولیه حضرت «قائم عنه السلام» رفع سریع نیاز فقرا و ریشه‌کن ساختن فقر است. حضرت ولی عصر عنه السلام چنان به احتیاجات مادی مردم می‌رسد و عدالت را برقرار می‌نماید که شخص فقیر و محتاجی پیدا نمی‌شود. امام باقر عنه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ فَسَمَّ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ.....تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا» ^۳ هنگامی که قائم قیام می‌کند، مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و با عدالت در میان مردم رفتار می‌کند... ثروت‌های روی زمین و منابع زیر زمین نزد آن حضرت جمع می‌شود. آن گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند بیایید بگیرید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خون‌ریزی و گناهان دست می‌زدید. او چنان اموال را می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است.

در روایت داریم:

«المهدیّ سَمَحَ بِالْمَالِ شَدِيدَ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمَ بِالْمَسَاكِينِ» ^۴ مهدی عنه السلام نسبت به مال

۱. نعمانی، الغیبه ۱۲۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ۵۱ / ۲۹.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۸.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷.

۴. نعیم بن حماد، الملاحم و الفتنص، ۱۳۷.

سخاوتمند و به کارگزارانش سخت‌گیر و به بیچارگان مهربان است.

ب: شایسته سالاری

یکی از سوالات مهم جامعه انسانی این است که چه کسانی باید حکومت کنند. پاسخ‌های مختلفی از سوی مکاتب و نظریه پردازان به این پرسش ارائه شده اس از جمله: فیلسوفان، پیامبران الهی، پادشاهان، نخبگان و دانشمندان. دارندگان رای مردم. دارندگان قدرت و ثروت. برگزیدگان خدا و... اما کمتر به این نظریه پرداخته شده که شایستگان بایستی به حکومت برسند. در قرآن و روایات به این مساله اشاره شده است و حکومت و حاکمیت را حق شایستگان یعنی بندگان صالح الهی شمرده است و جایی برای ظالمان و زور گویان در حکومت آنها نخواهد بود. معیار شایستگی در این مدل، تقوی و دانایی می‌باشد. پس محور اصلی انتخاب و ملاک و میزان انتخاب در این مدل حاکمیتی، شایسته سالاری می‌باشد. مهدی عجله که سر آمد شایستگان است، افرادی را که شایستگی حاکمیت بر مردم را دارند انتخاب و بر مسند قدرت و خدمت به مردم می‌نشانند.

در تفصیل مطلب باید گفت، مهمترین عامل برای هدایت جامعه انسانی این است که، مدیریت جامعه به دست صالحان باشد. در واقع منشاء اختلافات، اختلاس ها، رانت خواریه‌ها، مفاسد و معضلات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بخاطر سوء مدیریت کارگزاران است. سوء برنامه ریزی صحیح و اتلاف هزینه‌ها در راه‌های غیر شایسته توسط افراد غیر شایسته است. تحول جامعه با وجود این معضلات غیر ممکن است و تنها راه تحول تغییر کارگزاران و جانشینی افراد صالح و با تقواست. در روایت داریم: «ولایت و کارگزاران حکومت اسلامی، جز به افراد متدین و امین واگذار نمی‌شود»^۱.

یکی از مهمترین مصادیق شایسته سالاری نصب قاضیان شایسته است. در دولت حضرت مهدی عجله نیز قضاوت و دادگری جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت و مردم با قضاوت و حکمی بی‌ظن و آرمانی روبه‌رو خواهند شد. از روایات به دست می‌آید که، به ترتیب خود حضرت مهدی عجله سپس حضرت عیسی و پس از او، قاضیان و عالمان، امر قضاوت و داوری را در دست خواهند گرفت^۲ امیر المؤمنین عجله فرمودند: «لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السَّوِّءِ وَ لَيَقْبِضَنَّ عَنْكُمْ

۱. نور الله شوشتری، احقاق الحق، ج ۸، ص ۵۴۵.

۲. رحیم کارگر، آینده جهان، ۲۸۲.

الْمُرَاضِينَ وَ لَيَعْرِضَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ»^۱ البته قاضیان بد را از زندگی شما بیرون کشد و اشخاص دورو (و بیماران روحی) را از شما می‌گیرد و امیران ستم‌گر را دور سازد (و از متن زندگی تان برمی‌کند).

ج: مبارزه با ربا و ربا خواری

یکی از عوامل خانمان‌سوز و فلج‌کننده ی جوامع، «ربا» است. اگر این عمل در هر جامعه رواج یابد، آن جامعه به تباهی و نابودی کشیده می‌شود و مردم طعم آرامش را نچشیده و روی خوشی و سعادت را نخواهند دید. خداوند در قرآن مجید به رباخوارها اعلام جنگ داده است؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و ربا (خواری را) رها کنید؛ اگر ایمان آورده‌اید که (چنین) نمی‌کنید. پس برای پیکار با خدا و رسولش آماده شوید و اگر توبه کنید اصل سرمایه شما از آن شماست، نه ستم می‌کنید و نه ستم کرده می‌شوید.»^۲

در روایات هم به زشتی و منغور بودن آن اشاره شده و برای رباگیرنده و ربادهنده و نویسنده و شاهد و واسطه‌اش لعنت فرستاده است. در آرمان شهر مهدوی ربا و رباخواری از جامعه مسلمین محو خواهد گردید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و یذهب الربا»^۳ در زمان «قائم علیه السلام» ربا از بین می‌رود. این الگوی مبارزه با ربا، یکی از زمینه سازان اصلاح و تربیت جوانان نسل امروز می‌باشد.

د: اجرای حدود

اجرای قوانین الهی عمل به قوانین الهی و حدود شرعی و پیاده کردن مقررات اسلامی پایه پیشرفت و عدالت و سعادت یک جامعه است. یکی از مهمتری ویژگی های دولت مهدوی این است که قوانین الهی اجرا می‌گردد. و بر اساس شریعت و آیین الهی بین مردم حکم می‌شود و جامعه مدیریت و اداره می‌شود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۴ حدود الهی را اقامه می‌کند و به قانون خداوند، حکم می‌نماید.

امام مهدی علیه السلام انتقام خون سیدالشهداء علیه السلام را می‌گیرد و بر ذریه ی قاتلین حضرت

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲. بقره: ۲۷۸-۲۷۹.

۳. صافی، لطف الله، منتخب الأثر، ج ۳ ص ۱۴۵.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۵۶.

سیدالشهداء علیه السلام حد اجرا می‌کند. چون آنها نیز به کرده‌ها و کارهای پدران خود راضی و خوشنود هستند و آن را صحیح می‌دانند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم علیه السلام خروج کند، فرزندان قاتلین حسین علیه السلام را به علت رضایت به افعال پدران خود می‌کشد.^۱

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بر زانی پیر و مانع زکات حد جاری کرده و زانی محصنه را سنگسار می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر قائم علیه السلام قیام نماید، سه حکم خواهد کرد که احدی پیش از او نکرده است؛ پیر زناکار و مانع زکات را بکشد و ارث می‌دهد برادری را که در عالم ذر باهم برادر بوده‌اند (نه برادر صلیبی)»^۲

ه: سخت‌گیری بر وزرا و کارگزاران

تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی مدیران و سیاست‌گذاران جامعه بر دیگران است. اگر کارگزاران امور از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از مسیر حق، عدالت و اعتدال خارج نشوند بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز تابع آنان خواهند بود.

اگر فرمانروا و رئیس کشوری نسبت به اعمال زشت و بد، عمال و کارگزاران خود اهمیتی ندهد و از خطاهای آنها اغماض و چشم‌پوشی نماید، نتیجه این کار، دامن افراد جامعه را گرفته و به‌سوی تباهی خواهد کشید، امنیت جانی و مالی مردم از بین خواهد رفت، و بی‌عدالتی در جامعه گسترش خواهد یافت. بدین جهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به پرسنل و کارکنان و کارمندان خود بگونه‌ای سخت خواهد گرفت که کسی یارای نادیده گرفتن قانون را نخواهد داشت. سید ابن طاووس می‌فرماید:

«المهدی سَمَحَ بِالْمَالِ شَدِيدَ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمَ بِالْمَسَاكِينِ»^۳؛ «مهدی علیه السلام بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد و بر کارگزاران و مسؤولان دولت خویش بسیار سخت‌گیر و بر بینوایان بسیار رؤف و مهربان خواهد بود.»

و: مبارزه با رشوه

رشوه یکی از عوامل ناحق‌کننده حق و جلوه‌دهنده ناحق است و در طول زمان این خصلت

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱ ص ۴۵۲.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱ ص ۱۶۹.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، ص ۳۵۲.

بنیان کن و ریشه برانداز سبب از بین رفتن حقوق گروه زیادی از مردم شده است. روایات بسیاری در مذمت و توبیخ و تحریم رشوه (رشا و ارتشاء) وارد شده است، ولی در جوامع مختلف وجود داشته و دارد، اما در عصر «قائم علیه السلام» این صفت زشت و ناپسند در اثر مراقبت امامت و رشد فرهنگی و شدت ایمان مردم نابود شده و ریشه کن خواهد شد. و زمینه ساز عدالت خواهد بود.

امام صادق علیه السلام میفرماید:

«و لَأ يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرَّشَاءُ»؛ در حکم کردنش رشوه نمی گیرد.

ز: مبارزه با نظام طبقاتی و ستمگران

در همه زمانها رسم بر این بوده که حاکمان برای حفظ موقعیت و حراست از تاج و تخت خود، از بیت المال یا زمین های اشخاص که غصب کرده اند به دیگران یا به اطرافیان می بخشیدند. نمونه بارز این ناهنجاری در زمانه ما زمین خواری هایی است که انجام می گردد. بعد از ظهور «قائم علیه السلام» حکم به ابطال اسناد این املاک نموده و مدارک آن ها را بی اثر تلقی کرده و از آن ها پس گرفته می شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اُضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ»^۲ هرگاه «قائم علیه السلام» قیام کند، قطایع (زمین

های غصبی که حاکمان غصب کرده بودند و برای حفظ موقعیت خود به دیگران می بخشیدند) مضمحل می شود و از بین می رود و به اصل خویش برگردد.

نتیجه گیری

حرمت گذاری به هموعان، اصلی مهم و اساسی در حکومت مهدوی است که در کنار مسئولیت در مقابل خویشان و در طول مسئولیت در مقابل خدا معنا می یابد. این دقیقاً برخلاف تفکر جامعه گرایان مغرب زمین است که اصالت و هویت را فقط منحصر در جامعه می دانند و برای اشخاص، حقیقتی را باور ندارند. تربیت اخلاقی مردم و عدالت ورزی از جمله اجزا و متغیرات مهم اخلاق معاشرت مهدوی است که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت. در دولت مهدوی تربیت اخلاقی به کمال یابی مردم منجر می شود. عدالت ورزی و مردم داری امام مهدی زمینه آرامش روحی مردم و عشق به او را فراهم خواهد آورد. دستاورد این تحقیق در جامعه امروز این است که حرمت و شرافت نفس انسان ها در فضای

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال، ج ۲ ص ۶۰۰.

۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۸۰.

فردی و اجتماعی اهمیتی بسیار دارد.

منابع و مأخذ

✽قرآن کریم.

۱. _____، ۱۳۹۵ ق، **کمال الدین و تمام النعمه**، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۲. _____، ۱۳۹۸ ق، **التوحید**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن شهر آشوب، بی تا، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۴، قم، مکتبه علامه.
۴. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۱ ق، **کشف الغمّه**، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۵. راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ ق، **الخرائج و الجرائح**، قم، مؤسسه امام مهدی
۶. شوشتری، نور الله بن شریف‌الدین **إحقاق الحق و إزهاق الباطل**.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۹ ق، **منتخب الاثر**، قم، مؤسسه السیده المعصومه.
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲، **امالی**، تهران، کتابخانه اسلامی.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۷، **شیععه در اسلام**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، **مکارم الأخلاق**، قم،
۱۱. طوسی، ۱۴۱۱ ق، **الغیبه**، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۱۲. فیض کاشانی، محمد، ۱۳۸۴، **المحجّه البیضا**، تهران، حسین.
۱۳. قندوزی، سلیمان، ۱۴۱۶ ق، **ینابیع الموده لذوی القربی**، تهران، دارالاسوه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، **الاصول من الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. متقی هندی، علاء‌الدین علی، ۱۴۱۳ ق، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، ج ۱۶، تحقیق بکری حیانی و صفوه سنا، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفا.
۱۷. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، **الغیبه**، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۸. **نهج البلاغه**، ۱۴۱۴، قم، ناشر هجرت
۱۹. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، بی تا، **صحیح نیشابوری**، مصر، بی نا.

مولفه‌های هیجانی و عاطفی اثر گذار مهدویت در تحکیم خانواده

علی اصغر نوبخت^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۴/۱۳

تاریخ پذیرش ۹۷/۷/۲۵

چکیده

باورداشت مهدویت و فرهنگ انتظار، دارای آثار مختلفی در جامعه منتظر است که با بهره‌مندی از آنها می‌توان ضمن یافتن راه روشن زندگی بر مشکلات و چالش‌ها غلبه کرد و زمینه‌های رشد و تعالی جامعه را در همه زمینه‌ها به خصوص شکل‌گیری خانواده مطلوب بهره گرفت و مانع تزلزل و فروپاشی آن گردید. امروزه خانواده‌ها دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند که مهمترین آنها فزونی طلاق‌ها و نبود سازش و تفاهم در خانواده‌ها است.

پژوهش حاضر با عنوان «مولفه‌های هنجاری و عاطفی اثر گذار مهدویت در تحکیم خانواده» تلاشی است در جهت دسته بندی آموزه‌های هیجانی و عاطفی تاثیرگذار در تحکیم و تعالی خانواده که با بهره‌مندی از ظرفیت این سرمایه معنوی، می‌توان گام‌های مهمی را در زمینه مورد نظر برداشت.

با استفاده از مولفه‌های هیجانی و عاطفی از قبیل: ۱. ارتباط قلبی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ ۲. امیدوار بودن به آینده؛ ۳. دعا برای تعجیل فرج؛ ۴. محبت به امام؛ ۵. پرورش روحیه انتظار؛ ۶. عزت‌مندی و عزیزپروری، می‌توان خانواده‌ها را به کمال، عزت، سعادت و خوشبختی رساند و آنها را در رسیدن به تشکیل خانواده‌ی متعالی یاری نمود.

واژگان کلیدی: مهدویت، خانواده، محبت، امیدواری، انتظار.

مقدمه

انسان تنها موجود آفرینش است که دارای اختیار و تاثیر پذیری از محیط و اطرافیان است و هرگاه در مشکلاتی قرارگیرد با نیروی عقل می‌تواند راه درست را انتخاب کند. ولی همیشه این گونه نیست، بسیاری از انسانهای عاقل در جریان واقعی زندگی، هنگامی که در شرایط هیجانی و یا مکانی خاص قرار می‌گیرند از فضای حاکم متأثر شده و به طور ناخودآگاه رفتاری غیر منطقی و غیر عاقلانه از خود بروز می‌دهند. پس نمی‌توان از تاثیر محیط فارغ شد بلکه ناخودآگاه، محیط تاثیر خود را بر روی فرد و خانواده محیط می‌گذارد. این تاثیر بر روی تمام انسان‌ها یکسان نیست، افراد در شرایط مشابه عکس العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند که این موضوع بستگی به پایبندی به ارزش‌ها و هنجارها، نوع تربیت، محیط و ویژگی‌های فردی دارد.

برای اینکه افراد در شرایط زمانی خاص و مکان‌های معنوی تاثیرات مثبتی بگیرند وظیفه خانواده‌هاست که با، پیوند دادن و آشنا کردن آنان و گوشزد کردن دوستی و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را در جهت پیوند معنوی با حضرت، متعهد و پای‌بند به ع هنجارهای دینی گردانند و از هنجارشکنی و کج‌روی دست بردارند. خانواده‌های مهدوی باید به کمک مؤلفه‌های هیجانی مرتبط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خودسازی بپردازند، و معارف، ارزش‌ها و محبت حضرت را از این طریق کسب نمایند و آن را نشر داده و به دیگران بیاموزند تا مکتب اهل بیت، احیا شود: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ» خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آنچه می‌شناسند با آنان سخن بگوید و آنچه را منکرند واگذارد.

مهدویت و کارکرد آن در تحکیم خانواده

اسلام دارای معارف و برنامه‌های گرانقدری در جهت بهبود زندگی مردم و برون‌رفت از مشکلات و تقویت و تحکیم پایه‌های حیات دنیوی و اخروی است. با توجه به معارف، متوجه می‌شویم که یکی از برنامه‌های آینده‌نگرانه‌ی اسلام «باورداشت مهدویت» است که دارای ظرفیت بالایی در جهت امیدبخشی، توانمندسازی جامعه، اصلاح جوامع و معنویت‌بخشی است. این آموزه‌های متعالی به عنوان یک آرمان و الگو و یک باورداشت اساسی، سرمایه‌معنوی

می‌باشد که با بهره‌مندی صحیح از ظرفیت‌های آن می‌توان، در اصلاح امور جامعه و رفع مشکلات و کاستی‌ها از آن بهره گرفت. مهدویت و باور به ظهور و قیام مهدی موعود، باور و اعتقادی است که براساس کتاب و سنت، پدید آمده است. این باور داشت، به عنوان اندیشه اصیل اسلامی، برپایه استوارترین دلایل عقلی و نقلی بنا نهاده شده و هیچ یک از مسلمانان - به جز عده‌ای اندک - به انکار و یا تردید در آن نپرداخته‌اند و در جامعه هر چه اعتقاد به مباحث مهدوی روشن‌تر و عمیق‌تر دنبال شود افراد و خانواده‌ها به مباحث مهدوی اشتیاق بیشتری نشان می‌دهند و در مسیر زندگی‌شان معتقدتر و باایمان‌تر می‌شوند.^۱

یکی از مسائل و مشکلات مهم امروزی جوامع، مساله خانواده و تزلزل و ضعف در ساختارها و کارکردهای آن است. نهاد خانواده به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در حیات بشری، همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران بوده و به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی و زیر ساختی زندگی اجتماعی به‌شمار آمده است. خانواده کارکردهای مهمی چون بازتولید نیروی انسانی و برآورده نمودن نیازهای عاطفی و تأمین سلامت روانی، دارای نقش سازنده در تعالی روحی و معنوی جامعه است که متأسفانه امروز دچار مشکلات عدیده‌ای شده و باعث نگرانی اندیشمندان گشته است که می‌توان در پناه آموزه‌های اسلام - بخصوص مهدویت - آنها را بر طرف کرد.

خانواده‌های متزلزل، خانواده‌های هستند که در آنها به دلایل گوناگون، روابط اعضای خانواده از حیث محبت و عاطفه به عدم تعادل کشیده شده است و در اثر افراط و تفریط، روابط دوستانه میان اعضای خانواده به صورت معقول نمی‌باشد. رعایت حدّ اعتدال باید به گونه‌ای باشد که در ضمن تقویت روابط خانوادگی و تحکیم بنیان خانواده، هیچ گونه سهل انگاری را در انجام وظایف فردی و اجتماعی خانواده به دنبال نداشته باشد. تفریط در عواطف خانوادگی، بی توجهی، عدم احساس مسؤلیت و کمبود محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را پدید می‌آورد و افراط در آن به این معناست که روابط خانوادگی، چنان اصالت پیدا می‌کند که روابط اجتماعی را نیز تحت شعاع خود قرار می‌دهد و اعضا را از انجام وظایف خود در اجتماع باز دارد؛ مانند آنکه دلبستگی دو همسر به یکدیگر، مرد را از رفتن به جهاد یا مسافرت‌های ضروری باز دارد. بعضی از بسترهای پدیدآورنده تزلزل در خانواده‌ها بخصوص خانواده‌های غربی عبارتند از: الف)

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۷.

وادادگی و نظارت ضعیف خانواده‌ها؛ ب) اطلاعات ناقص درباره تفاوت‌های جنسیتی و فردی^۱ (ج) ضعف اطلاعات و اعتقادات مذهبی؛ د) مدرنیته.^۲ که نوعی تجدد گرایی است و در غرب اتفاق افتاده است، در حال حاضر در کشورهای شرقی هم در حال وقوع بوده، آثار مخرب فراوانی بر پایداری زندگی مشترک گذاشته و باعث از هم پاشی زندگی زناشویی شده است.

اسلام به تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسان‌ها بخصوص ابعاد ایمانی و اخلاقی توجه ویژه‌ای دارد و مهدویت هم که جزء برنامه اسلام می‌باشد به تحکیم و تعالی خانواده‌ها توجه داشته و از طریق مؤلفه‌های هیجانی و عاطفی می‌تواند باعث رشد خانواده‌ها شود.

آموزه‌های تاثیرگذار اسلام را می‌توان در قالب عناوین زیر اشاره کرد:

۱. شناخت خدا و یکتاگرایی (توحید)؛ ۲. انس و محبت به خدا و خشوع در برابر او؛ ۳. ایمان به غیب و پیامبران الهی و اوصیای آنان؛ ۴. شناخت کرامت انسانی؛ ۵. توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛ ۶. ایجاد روحیه مراقبت از رفتار خود، ضبط نفس و حسابرسی خویش؛ ۷. ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شایدها و مشکلات و تلاش برای حل آن‌ها؛ ۸. پرورش نیروی اندیشه و تفکر؛ ۹. ایجاد روابط مهرآمیز و همراه با گذشت و فداکاری و ایثار با دیگر مؤمنان و مسلمانان؛ ۱۰. ایجاد زمینه مساعد برای پرورش صحیح فرزندان؛ ۱۱. پرورش روحیه قناعت در مصرف و نفی اسراف؛ ۱۲. ایجاد روحیه ستیز در برخورد با ستمکاران؛ و....^۳

ظرفیت‌های آموزه مهدویت، که می‌توانند در تحکیم و تعالی خانواده‌ها تاثیر گذار باشند عبارتند از:

۱- **باور داشت و اعتقاد:** تا زمانی که خانواده‌ها بینش و نگرش خود را به جهان هستی تغییر نداده و باورهای اعتقادی خود بر خدا و ائمه اطهار را بر پایه‌های استوار دینی قرار ندهند و از صراط دور باشند، تربیت و اثر پذیری آنان بی‌فایده بوده و عاری از حقیقت و ماندگاری خواهد بود.^۴

۲- **انتظار:** مفهومی اسلامی و ارزشی، فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی

۱. نوایی نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، ص ۱۸۵.

۲. میرخانی، عزت السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، ص ۲۱.

۳. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۲۰.

۴. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۴۱.

سرچشمه می‌گیرد.^۱ به عبارت دیگر مفهومی فرهنگی که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش خانواده‌ها به آینده، دخالت موثر و فعالی دارد و در ترسیم خط مشی زندگی خانواده‌ها برای حال و آینده، تاثیر گذار است.

۳- عدالت محوری: عدالت صدای بلند فطرت انسان است که در گستره زمین و در طول تاریخ، با گوش جان شنیده می‌شود. عدالت رمز و راز پیدایش و استمرار هستی است و جهان طبیعت بر پایه آن استوار است: «بالعدل قامت السموات والارض».^۲ تحقق عدالت در مدینه انسان، هم چون طبیعت، مایه بقاء و صفای آن است و چنانکه (عدل) راز استواری طبیعت است، رمز بقای جهان و نشاط مدینه نیز می‌باشد خانواده و جامعه هم اگر فاقد عدالت باشد، استحکام و تعالی ندارد.^۳

۴- خردورزی: اسلام، در جایگاه جامع‌ترین، کامل‌ترین و آخرین دین آسمانی، برای آینده بشریت و مثبت جلوه دادن آن، اندیشه مهدویت را به بشریت معرفی کرده است، تا در کنار تحقق آرزوی دیرینه بشر و تشکیل حکومت جهانی، استعدادها و قابلیت‌های بشر شکوفا شده و تربیت عقلانی رشد روزافزونی می‌یابد؛ و با تکامل و تعالی عقول است که بسترها فراهم شده و موانع از بین می‌رود، حرکت تکاملی عقل سرعت می‌گیرد و شعاع آن به همه سطوح و زوایای زندگی بشر می‌رسد. و زیر بنای تعالی و پرورش خانواده‌ها هم، بالا بردن توان فکری و بالندگی و شکوفایی خردورزی و عقل‌گرایی خود و ریشه کنی جهل و نادانی و کم‌خردی است. ابعاد تاثیر گذار مهدویت را می‌توان چنین بیان نمود:

۱- بُعد معرفتی و اعتقادی: از مهمترین رسالت‌های انبیای الهی و از بنیادی‌ترین اصول اعتقادی در همه مکاتب آسمانی ایجاد زمینه برای پذیرش توحید و خدا محوری در اندیشه و رفتار خانواده‌ها، می‌باشد. این رسالت مهم در درجه نازل‌تر بر عهده همه انسان‌های دلسوز و طرفدار دیانت است تا با تلاش در مقوله تربیت دینی، نسبت به خود و خانواده خود اندیشه‌های توحیدی را با استفاده از آموزه‌های دینی و مهدوی توسعه بخشند و با مظاهر شرک و ضدّ دینی مبارزه نمایند و با جهاد تربیتی، انسان‌هایی موحد و الهی به جامعه انسانیت تقدیم نمایند. مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند بلکه امروز بشر

۱. آصفی، محمد مهدی، *انتظار یویا*، ص ۲۱.

۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۱۲، ص ۵۶۲.

۳. عالم، عبدالرحمن، *تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میان)*، ص ۴۷.

نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع نیازمند است و نشناختن امام و راه، اهداف و جایگاه ایشان و عدم آگاهی به وظایف خود در قبال ایشان، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد ولی با استفاده از روایات مهدوی بسیاری از مسائلی همچون: توحید محوری؛ ولایت گرایی؛ فرجام باوری و غیره روشن می‌گردد.

۲- بُعد رفتاری: رفتار عبارت است از یک سلسله خصلتها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را در خارج، در شرایط مختلف پیاده می‌کند. شکل‌گیری آن پدیده‌ای خلق الساعه نیست که یکباره ظهور یابد، بلکه امری فرایندی است که در گذر زمان متولد می‌شود و در گذر زمان با تاثیر از آموزه‌های مختلف تغییر پیدا می‌کند در این میان هم آموزه‌های مهدوی که در مباحث رفتاری برای تعالی و تحکیم بیان شده‌اند بطور یقین بسیارند. که چند مورد از مهم‌ترین آموزه‌های مهدوی در این مورد را بیان می‌کنیم، که عبارتند از: ۱: آمادگی؛ ۲: برگزاری ادعیه خاص حضرت؛ ۳: توجه به ایام و اماکن ویژه حضرت؛ ۴: تربیت دینی فرزندان؛ ۵: جلوگیری خانواده از ناهنجاری‌های رفتاری؛ ۶: جلوگیری خانواده از افراط و تفریط؛ ۷: ایثارگری و شهادت طلبی؛ ۸: مبارزه با انحرافات و آسیب‌های مهدوی و غیره که خانواده‌ها می‌توانند با بی‌اعتنایی به علایق دنیوی، تسلط بر هواهای نفسانی، التزام عملی به دین، پذیرش مسئولیتهای دینی، خود سازی و اصلاح اعضای خانواده، ایجاد محیط سالم، امر به معروف و نهی از منکر، ترک غفلت، عشق به امام عصر، ایثار و فداکاری و استواری ایمان، ایجاد تعادل اخلاقی در سطح جامعه و غیره از حیث رفتاری خانواده تعالی داشته باشند.^۱

۳- بُعد هیجانی و رفتاری: هیجانات و عواطف، جزئی از دنیای روانی انسان هستند و از اتفاقات و عوامل خارجی تاثیر می‌گیرد و نقش بسیار مهمی در زندگی خانواده‌ها دارند، همان نیروی روانی انسان هستند که موجب تحریک و تلاش می‌شوند، انسان تنها موجود آفرینش است که دارای اختیار و تاثیر پذیر مثبت از محیط و اطرافیان است و هرگاه در مشکلاتی قرارگیرد با نیروی عقل میتواند راه درست را انتخاب کند. ولی همیشه اینگونه نیست، بسیاری از انسان‌های عاقلی که زمانی در شرایط بیرونی زندگی و در مکان‌های خاصی قرار می‌گیرند به طور ناخودآگاه متاثر می‌شوند و در آن مکان و زمان متاثر شده تاثیر می‌گیرند پس نمی‌توانند از تاثیر محیط فارغ شد و ناخودآگاه محیط، تاثیر خود را بر روی آنها به عنوان یکی از اعضاء آن

۱. مجموعه مقالات مهدوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، در انتظار خورشید مغرب، ص ۴۹۹ - ۴۹۸.

محیط می‌گذارد.

تاثیر عوامل بیرونی بر روی تمام انسان‌ها یکسان نیست، بسیاری افرادی که در شرایط مشابه قرار می‌گیرند ولی هر کدام عکس‌العملی متفاوتی از خود نشان می‌دهد که این موضوع بستگی به پایداری به ارزش‌ها و هنجارها، نوع تربیت، محیط، ویژگی‌های فردی دارد.

در عصر حاضر بی‌توجهی بعضی از خانواده‌ها و با وجود خلاءهای معنوی و نیاز خانواده‌ها به معنویت و بحث‌های مهدوی، و توانایی‌های که در این زمینه وجود دارد عده‌ای به جای اینکه خانواده‌ها را به سوی خدا و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه دعوت کنند، به سوی اشخاص سوق می‌دهند؛ و با دادن دستوراتی که بر خلاف تعالیم اسلام و شرع است، خانواده‌ها را به سوی اموری دعوت می‌کنند که از بحث‌های اعتقادی؛ خودسازی صحیح؛ اخلاق؛ خرد و خردورزی خبری نیست. و این کار باعث می‌شود به مرور زمان خانواده از مسیر اصلی دور شده و در نهایت به مطالب خلاف عقل و شرع و رفتارهای غیر شرعی برسد و از رسیدن به تعالی باز مانده و خانواده به تزلزل کشیده شود.

بنابراین، آموزه‌های مهدوی می‌تواند یکی از راه‌کارهای مهم کنترل خانواده‌ها از تزلزل باشد، که همواره آثاری همچون، حرکت آفرین، امیدآفرین، تلاش‌زا و نشاط‌آور می‌باشد و همچنین زداینده یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ‌گرایی است^۱ که توجه متفکران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. این آثار می‌تواند نقش مهمی در کنترل ناهنجاری‌های خانوادگی داشته باشد به طور کلی، آموزه‌های مهدوی، با نظارت بر خانواده‌ها، سبب همبستگی بین اعضای خانواده و تشکیل یک خانواده اخلاقی می‌گردد.

خلاصه آنکه تربیت خانواده‌ها باید مبتنی بر آموزه‌های مهدوی باشد تا باعث رشد و پرورش دین و ایمان و نیروی عقل و اندیشه آنان و خردمندان و عقلانی کردن رفتارها و پندارهای آنان شود تا به تحکیم و تعالی برسند. و ما در این مقاله فقط در صدد بررسی اثر گذاری آموزه‌های مهدویت در بعد عاطفی و هیجانی هستیم.

۱. ارتباط قلبی با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه

یکی از وظایف خانواده‌ها در زمان غیبت و انتظار برقراری ارتباط با امام‌خویش است. خانواده‌های منتظر با ایجاد ارتباط قلبی، ریشه‌هایی در وجودشان سبز می‌شود و رفته رفته به

۱. جعفری، جواد، مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۳۶.

نتایج و ره‌آوردی مناسب از این ارتباط می‌رسند که منجر به تاثیر گذاری مستقیم یا غیر مستقیم در تحکیم و تعالی آنها می‌شود.

در اینجا به برخی از ریشه‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. صبر: ارتباط قلبی با امام زمان عجله الله تعالی فرجه باعث می‌شود شرایط بسیار دشوار عصر انتظار، برای خانواده‌ای مهدوی، قابل تحمل باشد و بتواند برابر مشکلات و گرفتاری‌ها بایستد و از موجودیت و هویت خویش دفاع کند صابران دوره انتظار از رستگاران شمرده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی عجله الله تعالی فرجه آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند وصف ایشان را در کتاب خود آورده است، آن‌جا که می‌گوید: کسانی هستند که به غیب ایمان آورده‌اند و همچنین آنان حزب الله هستند، آگاه باشید حزب خداوند همان رستگارانند.^۱

ب. بصیرت: خانواده منتظر، در دوران انتظار، با ارتباط قلبی با امام زمان عجله الله تعالی فرجه در تمامی ابعاد آمادگی پیدا می‌کند یکی از آن‌ها آمادگی فکری است نتیجه تلاش فکری خانواده منتظر، بصیرت و آگاهی است. فتنه‌ها، افزون بر این که غفلت می‌آورند شبهه و تردید و تزلزل را نیز در افکار خانواده‌ها ایجاد می‌کنند و این خانواده منتظر است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار و آماده شده باید خود را از این آسیب‌ها حفظ کند و از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار می‌شود که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، لقب می‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی بدان که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین گروهی هستند که در آخرالزمان پیامبر را ندیده‌اند و از امام خود دور هستند.^۲

د. اصلاح و خودسازی: یکی دیگر از آثاری که در اثر اتباط برای هر خانواده‌ی منتظر پدیدار می‌آید اصلاح و پیراستن خود از خصائص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است امام عصر عجله الله تعالی فرجه نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه‌ی شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا خوانده، می‌فرماید: پس هر یک از شما باید آن‌چه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه‌ی خود سازد و از هر آن‌چه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا امر ما به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۲. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵.

بنابراین عقل هر انسانی حکم می‌کند بر این که پیروان حضرت باید در زمان غیبت و انتظار با امام خود ارتباط قلبی داشته باشند و بر خانواده‌ها لازم است که در عصر غیبت این پل ارتباطی را برقرار کنند، و ممکن است این پرسش پیش آید که این پل ارتباطی را چگونه و با چه عملی می‌توان برقرار کرد. در پاسخ به این پرسش به چند مورد از راه‌های که کمک می‌کند تا خانواده‌ها با امام ارتباط عاطفی و قلبی برقرار کنند، اشاره می‌کنیم.

۱-۱. دعا

با دعا کردن برای امام، می‌توان با ایشان ارتباط برقرار کرد و در اثر این دعا و ارتباط ایجاد شده برکاتی همچون رافت و مهربانی، عطوفت، فرمانبرداری از امام و هدایت را برای خانواده نصیب کرد

نقش دعا در سلامت روان افراد و خانواده‌ها را می‌توان در محورهای زیر طبقه‌بندی کرد:

(الف) رفع اضطراب.^۱

(ب) رفع افسردگی.^۲

(ج) دیگر اختلال‌های روانی^۳

برای سلامت جسمی و روانی، احساس امید و امنیت، لازم و ضروری است. احساس ناامنی همیشگی، شخص و خانواده را در حال بسیج کردن مداوم نیرو و تلاطم و به هم ریختگی متابولیسم بدن قرار می‌دهد و ادامه چنین وضعیتی به اختلال‌های روانی منجر می‌شود احساس آرامش حاصل شده از دعا باعث می‌شود خانواده‌ها، احساس امیدواری و امنیت و احساس نزدیکی به همدیگر کنند. و این احساس، حالتی خوشایند ایجاد می‌کند و خانواده در آن حالت، به آرامش جسمی و روحی می‌رسد. به تصریح قرآن، (سوره فتح: آیه ۴) اهل ایمان به برکت وجود ارتباط سازنده با پروردگار، در آرامش و امنیت روانی کامل به سر می‌برند.^۴

۱. فقیهی، علی نقی، *جوان و آرامش روان*، ص ۱۰۷.

۲. فقیهی، علی نقی، *جوان و آرامش روان*، ص ۱۹-۳۲.

۳. حبیب‌وند، علی‌مراد، مقاله: *رابطه‌جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانی و پیشرفت تحصیلی*، ص ۶۵؛ آرگایل، مایکل، *روان‌شناسی شادی*، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۴. شاملو، سعید، *بهداشت روانی*، ص ۹۰-۹۱.

۲-۱. زیارت

هر زمانی که به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه می‌رویم، لاقلاً یک نوبت به نیابت از طرف امام عصر، داخل حرم شویم، این کارها که گاهی کوچک به نظر می‌آید، اما ارتباط عاطفی، روحی و باطنی ما را با امام عصر برقرار می‌سازد.^۱

۳-۱. دوری از گناه

گناه تاثیر مخربی بر قلب می‌گذارد یعنی مرکز ادراکی و اعتقادی انسان و جایگاه محبت الهی و جایگاهی که می‌خواهیم از آن طریق با امام زمان عجله ارتباط برقرار کنیم تخریب و باعث می‌شود تا فرد به هیچ وجه نتواند با امام خود ارتباط قلبی داشته باشد و از این طریق از امام خود کمک گیرد. آثار گناه بر قلب را می‌توان چنین بیان کرد: ۱. باعث فساد و سرنگون شدن قلب می‌گردد. ۲. باعث جبهه‌گیری در مقابل حق و اهل حقیقت و دفاع از باطل و اهل باطل می‌شود. پس یکی از راه‌هایی که می‌شود از آن طریق در زندگی به آرامش رسید و یک خانواده متعالی و مستحکم از حیث روحی و روانی داشت همین ارتباط قلبی با امام است که منجر به شناخت حق و اهل آن و حفظ قلب از فساد می‌شود پس لازم است در زمان غیبت خانواده‌های مهدوی از طریق دعا و زیارت کردن و دوری از گناه و کارهای که خانواده‌ها را از امام دور می‌کند پرهیزکنند تا ارتباط بین خود و امام خود را پیش از پیش مستحکم‌تر کنند و امام هم آنان را در رسیدن به اهدافی که در نظر دارند یاری‌شان فرمایند.

۲. امیدوار بودن به آینده

نقش شگفت‌انگیز امید به آینده در سعادت و موفقیت فرد و خانواده بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت.»^۲

امیدی که ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم، امیدی را کد نیست که سکون را توصیه کند. در این جا امید به امامی پیوند می‌خورد که نور و تلاش و تحکیم و تعالی را به خانواده‌ها عرضه می‌کند. اعتقاد به رهبری امامی که آرمان‌های حقیقی انسان را لباس واقعیت می‌پوشاند. امام

۱. اوسطی، حسین، دوازده گفتار درباره حضرت مهدی، ص ۱۹۸.

۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.

صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ»^۱ هر کس این مقصد را شناخته باشد برای او به واسطه انتظارش فرج حاصل شده است.

امام عصر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لِنَاسِيِنَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَلْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۲ ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته‌ی ما) حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.

امیرالمومنین می‌فرماید: «إِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ وَ الْمُتَنْظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمَشْحُطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳ منتظر فرج باشید و از خدا نومید نشوید زیرا محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل انتظار فرج است. انجام دهنده فرمان ما، در بهشت با ما خواهد بود و کسی که منتظر فرج باشد همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد.

اینجاست که تربیت خانواده بر اساس آموزه‌های مهدوی بستر سازی مناسبی خواهد شد تا اعضای خانواده ای با امیدی پر برکت و سازنده، ایمان‌زا و جهت بخش و آرمان ساز و شورآور و مجاهد پرورش یابند. و بهره‌مندی از آموزه‌های مهدوی در محیط خانواده باعث نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده دور و نزدیک خواهد شد، و لازمه آن سلامت روان و مانع ابتلا به ناامیدی و یاس است. مطلوب اندیشی در شرایطی که ابرهای تیره و تاریک بدبینی، افق تاریک و مبهمی را ترسیم می‌کند یک ضرورت است. اندیشه مهدویت، آینده درخشان و سعادت‌مندان انسان‌ها را نوید داده است. خانواده‌های مهدوی با اعتقاد به مهدویت و انتظار صبح سپید، در افق‌های دور، نشانه‌های ساحل نجات می‌بینند و از فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان پر آشوب، دچار یاس و ناامیدی نمی‌شوند. و این ویژگی باعث می‌شود خانواده‌های مهدوی به آینده توجه بیشتری داشته باشند که امید به آینده هم‌زاد انسان است و اگر امید را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون و مرگ و تزلزل نخواهد داشت.^۴

ناامیدی اثرات زیانبار فراوانی دارد؛ که برخی از آن در ذیل اشاره می‌گردد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ۱۹۸.

۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۴.

۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.

آثار فردی:

۱. افتادن در فساد؛ ۲. احساس بیهودگی و پوچی؛ ۳. عدم باور به توانائی اصلاح خویش؛ ۴. حل شدن در فساد محیط؛ ۵. کوری دل؛ ۶. مردن قلب؛ ۷. ناآرامی روحی.

آثار اجتماعی:

۱. تزلزل و سستی خانواده‌ها؛ ۲. عدم پذیرش مسولیت در قبال همدیگر؛ ۳. فساد جامعه؛ ۴. دوری از مدینه فاضله.^۱
- اعتقاد به مصلح جهانی به خانواده می‌آموزد امیدوار باشد، چون که حکومت ایشان جوامع جهان را به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی، همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان را در بر دارد.^۲ و این اعتقاد از نظر روانی برای جامعه بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا، اگر ناامیدی و یاس، در خانواده‌ی زنده شود، سعادت و خوشبختی آن خانواده در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت و جمع خانواده هر چه سریع‌تر به تزلزل و از هم گسستگی پیش خواهد رفت.

۳. دعای برای تعجیل فرج

اهتمام به دعا در اندیشه اسلامی نشان می‌دهد دعا در معرفت‌زایی و پرورش بصیرت فرد، خانواده و جامعه، نقش بسیار زیادی دارد. به خصوص دعا خوانی دسته جمعی که قلب‌ها را می‌گشاید و جان‌ها را به عروج می‌رساند رنج‌ها را می‌کاهد و ژرف‌ترین آرزوهای ما را به عشق تبدیل می‌کند، اندیشه مهدویت از معدود آموزه‌هایی است که مورد عنایت همه اهل بیت علیهم‌السلام بوده و بر انس و الفت و اهتمام به ادعیه، بخصوص دعا برای تعجیل فرج تاکید داشته‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: برای تعجیل فرج؛ بسیار دعا کنید، پس به درستی که این دعا موجب فرج شما است.^۳ در اینکه دعا خوانی دسته جمعی و خانوادگی چگونه موجب گشایش کار خانواده‌ها می‌شود، می‌توان گفت که در کنار اعضای خانواده در اثر دعا و خواستن فرج آقا و گشایش امور، بدست ایشان و کمک از حضرت برای رفع مشکلات و نیازهای موجود در خانواده، و برای

۱. مکارم، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام، ص ۱۰۵.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، اصالت مهدویت، ج ۲، بخش ۴، ص ۱۹.

۳. صدوق، محمد بن الحسین، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

رسیدن به این خواسته‌ها، اعضای خانواده از کم بودها و نیازهای موجود با خبر می‌شوند و این خود باعث می‌شود تا اعضای خانواده با توکل به خدا، و برقراری ارتباط عاطفی با امام خویش در برابر مشکلات و کم بودها صبر پیشه نموده و از خواسته‌های نابجای خود دست بردارند و هر چه بیشتر به تحکیم و تعالی خانواده خود فکر نمایند. همچنین دعا برای فرج، موجب می‌شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز برای آنان دعا کند و بدین وسیله گره از کار خانواده‌ها بگشاید.

چند مورد از آثار دعا بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه که به تحکیم خانواده‌ها کمک می‌کند را نام می‌بریم:

۱. تقرب به خداوند؛ ۲. بی‌حساب داخل بهشت شدن؛ ۳. مشمول دعای رسول خدا شدن؛ ۴. دعا کردن امام عجل الله تعالی فرجه در حق او؛ ۵. تعاون در نیکی‌ها و تقوی.^۱

۴. محبت به امام عجل الله تعالی فرجه

امام صادق عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: «طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوْلَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما پایدار ماندند، آنها از ما و ما از آنها ایم و همانا آنان امامت ما را پذیرفته‌اند، ما هم آنها را به عنوان شیعیان خود پذیرفته‌ایم خوشا به حال آنها، آنها به خدا قسم در درجه ما و در کنار ما در روز قیامت‌اند.

محبت و عشق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تنها از نوع ارتباط هادی و هدایت شونده نیست؛ بلکه ارتباط با امام زمان از جنس محبت، مودت و عشق‌ورزی است. خداوند نیز بر این مسأله تأکید داشته و مودت و محبت اهل بیت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را بر همگان واجب نموده و اجر رسالت نبی اکرم معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۳ بگو که برای رسالتم اجری نمی‌خواهم مگر مودت و دوستی خاندانم.

در حقیقت همین مودت‌ها و محبت‌ها و علاقه و ارتباط‌های عاطفی، روحی و معنوی است که راه سیر به سوی تعالی را فراهم می‌آورد و سلوک خانواده‌ها را در راستای اراده حق شکل

۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکالم المکارم، ص ۴۲۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۳. سوره شوری: آیه ۲۳.

می‌دهد: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»^۱ بگو من از میان شما این اجر رسالت را نمی‌طلبم، مگر از آن کسان که بخواهند راهی به سوی پروردگار خویش بیابند.

با ابراز محبت به امام زمان علیه السلام است که زمینه‌های اطاعت و فرمانبرداری از ایشان فراهم می‌آید و با اطاعت از ایشان است که راه کمال خانواده‌ها به سوی تعالی و تحکیم هموار می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طُوبَىٰ لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتِمُ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّىٰ أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ»^۲ خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» مرا درک کند در حالیکه در زمان غیبتش و قبل از قیامش اقتدای به او نموده، و دوست بدارد دوستانش را و دشمنی کند با دشمنانش.

آنچه در مورد تحصیل محبت به اهل بیت حائز اهمیت است این است که باید زمینه‌ها و بستر پیدایش و پرورش گوهر محبت اهل بیت را در محیط خانواده خود فراهم نمائیم و زنگارهای جدایی و دوری از خاندان نور را از چهره فطرت الهی خود پاک کنیم و با تلاش در جهت کسب بصیرت و معرفت بیشتر، محبت ایشان را تا قلّه‌های عشق بالا بکشیم. تا ان شاء الله سرانجام خود را در زمره عاشقان و محبین حقیقی اهل بیت بیابیم. نکته دیگر این است که تلاش خانواده‌ها در مسیر کسب عشق و محبت واقعی به امام زمان علیه السلام، خانواده‌ها را محبوب آن حضرت می‌کند در واقع اهل بیت دوستداران خود را دوست دارند و دلسوز آنها هستند محبت یک خانواده به امامش محبت طرفینی است و می‌دانیم که برکات لطف و محبتی که از جانب امام زمان ابراز می‌گردد، انکار ناشدنی است.

۵. پرورش روحیه انتظار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طُوبَىٰ لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَىٰ لِلْمُقِيمِينَ عَلَىٰ مَحَجَّتِهِمْ»^۳ بهشت برای صبرکنندگان در غیبت آن حضرت است و بهشت برای باقی ماندگان در محبت آنها است. و همچنین از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي

۱. سوره فرقان: آیه ۵۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶.

يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ»^۱ همانا قیام کننده از ما (اهلبیت علیهم السلام) همان مهدی علیه السلام است که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است. تعبیر وجوب، در فرمایش حضرت جواد علیه السلام نشان دهنده ضرورت روحیه انتظار در زمان غیبت امام علیه السلام می باشد. و این حال بدون وجود مقدماتش در انسان ایجاد نمی شود و اگر مقدمات آن به طور کامل موجود شود، «انتظار» قهراً حاصل می شود. و اگر کسی طالب ایجاد این روحیه باشد، باید مقدمات آن را در خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات، روحیه انتظار خودبخود به وجود می آید. بر این اساس، مقدماتی که روحیه انتظار را در خانواده منتظر به درجه قابل توجه و مؤثری می رساند، در چهار عامل خلاصه می کنیم:

اول، یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین خانواده به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد، روحیه انتظارش نسبت به آن بیشتر است. و اگر خدای ناکرده شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد، یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفر برسد. یقین قوی و محکم در این مسأله رابطه مستقیم با ایمان و اعتقاد شخص به وعده‌ای قرآن و سنت دارد و هر قدر این ایمان و اعتقاد راسخ تر و عمیق تر شود، خودبخود روحیه انتظارش نسبت به وقوع آن هم شدیدتر خواهد شد.

دوم، نزدیک دانستن امر ظهور: ممکن است خانواده‌ی به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد ولی وقوع آن را در آینده‌ای دور ببیند. در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می شود. ولی اگر آن چنان که در احادیث اهلبیت علیهم السلام آمده است، امر ظهور را دور نپنداریم، بلکه آن را نزدیک ببینیم، آنگاه روحیه انتظار خانواده‌ها نسبت به آن شدیدتر می گردد. اینکه فرموده اند: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً»^۲ آنها (کافران و ناباوران) ظهور امام علیه السلام را دور می بینند، ولی ما آن را نزدیک می بینیم. چنین اعتقادی خودبخود روحیه انتظار را در خانواده منتظر بالاتر می برد. البته نزدیک دانستن ظهور با «استعجال» که در روایات مذمت شده کاملاً متفاوت است و لازمه آن پیشگویی در مورد زمان ظهور هم نیست.

سوم، دوست داشتن ظهور امام علیه السلام: خانواده‌ی که به ظهور امام زمان علیه السلام صددرصد معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند، هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش نسبت به آن بیشتر خواهد بود؛ و اگر آن را خوش نداشته باشد، روحیه انتظارش ضعیف

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

و سست می‌شود. این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می‌آید که خانواده‌ها با استفاده از آموزه‌های مهدوی بناء فکری و ایمانی خود را تقویت کرده باشند.

چهارم، دوست داشتن، نجات خود از بحران عدم ظهور: هر خانواده‌ای که محبت و علاقه‌اش به امام زمان علیه السلام بیشتر باشد، ظهور ایشان را بیشتر دوست می‌دارد و نجات خود را در ظهور ایشان می‌داند و در فکر این است که با عدم ظهور حضرت فساد جامعه را در بر خواهد گرفت، ولی اگر به سعادت رسیدن خود و خانواده‌ی خود را در گرو ظهور حضرت بداند قهراً انتظارش نسبت به قدوم ایشان بیشتر و قویتر خواهد بود.

با وجود این چهار عامل، روحیه‌انتظار نسبت به ظهور امام علیه السلام خودبه‌خود به وجود می‌آید. و در صورت نبود یا ضعف این عوامل، روحیه‌انتظار هم ضعیف و کم‌اثر می‌شود. هرچه این مقدمات قویتر باشد روحیه انتظار هم شدیدتر می‌شود. خانواده‌های مهدوی، حیات و بالندگی خود را مدیون روحیه انتظار منجی می‌دانند؛ با آن زندگی و رشد می‌کنند؛ نفس می‌کشند؛ امید و آرزو و رستگاری دارند و

...

خانواده‌ها همواره به خاطر عواملی به انحراف و تزلزل کشیده می‌شوند و حیات دینی و معنوی‌شان در معرض خطر است. از این رو باید به جایی اتکا داشته؛ فرهنگ و مذهب خود را حفظ؛ اندیشه‌ها و تفکرات خود را تعالی بخشیده و در طوفان حوادث باقی بمانند. به طور قطع می‌توان گفت: انتظار یک نقطه اتکاء و مرکز الهام بخش، فرهنگ زنده مهدویت است.^۱

۶. عزت‌مندی و عزیزپروری

یکی از مختصات خانواده‌ی متاثر از آموزه‌های مهدوی، روی آوردن بر فضائل انسانی و اخلاقی است که از آن جمله عزت‌مندی و عزیزپروری است. در همین زمینه در دعای افتتاح می‌خوانیم: «اللهم إنا نرغبُ إليك في دولةٍ كريمهٍ تُعزُّ بها الاسلامَ و أهلهُ»^۲ خدایا، مشتاقانه مسألت داریم که دولتی باشکوه برانگیزی که در آن اسلام و اسلامیان را عزت‌بخشی. و یکی از القاب امام عصر علیه السلام معز (عزت‌بخش) می‌باشد، چنانچه در دعای ندبه می‌خوانیم: «أین معزُّ الأولیاء»؛ کجاست عزت دهنده دوستان.

عزت‌نفس همان احساس ارزشمند بودن و احساس کرامت و بزرگواری و شرف و آبرو است.

۱. صدر، محمدباقر، رهبری بر فراز قرون، گفت و گو در باره امام مهدی، ص ۵۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

همان گونه که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ من برانگیخته شدم تا روح بزرگواری را در وجود شما کامل کنم. انسانِ کریم انسانی است که عزت نفس دارد و از پستی‌ها و زشتی‌هایی مثل دروغ، تهمت، غیبت، فحش و صفات ناپسند دیگر ردایل‌گریزان است. در حالات امام حسن علیه السلام می‌خوانیم که در ساعات آخر عمرش هنگامی که یکی از یارانش به نام (جناده بن ابی سفیان) از او اندرز خواست، نصایح ارزنده و مؤثری برای او بیان فرمودند: «وَإِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَأَخْرُجْ مِنْ ذَلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ»^۲ هرگاه بخواهی بدون داشتن قبیله، عزیز باشی و بدون قدرت حکومت، هیبت داشته باشی، از سایه ذلت معصیت خدا به در آی و در پناه عزت اطاعت او قرار گیر. انسان مؤمن دارای جایگاه والا و ارزشمندی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا»^۳.

نتیجه‌گیری

پس می‌توان گفت که برای رسیدن به تحکیم و تعالی خانواده، لازم است با کمک آموزه‌های مهدوی خانواده‌ها به آینده امیدوار و به تبع آن آمادگی منتظران و نشاط و پویایی و وظیفه شناسی آنان در حوزه‌های مختلف اعتقادی، تربیتی، عاطفی، فرهنگی و در پی آن یک خانواده متعالی با معیارهای مورد پسند امام زمان عجل الله تعالی فرجه به وجود آید. و می‌توان به عنوان یک خانواده‌ی نمونه و متعالی برای جامعه و دیگر خانواده‌ها معرفی کرد. تا آنان با الگوگیری از این خانواده‌ی متعالی در رشد و تعالی خود تلاش نمایند و از تزلزل و از هم پاشیدن جلوگیری کنند. اگر خانواده‌ها مولفه‌های هیجانی و عاطفی که از آن بحث نمودیم را به نحو احسن بشناسند و آنها را در متن زندگی خود به کار ببندند، به طور حتم محیط زندگی‌شان رنگ و بوی خداپرستی و ولایت‌مداری خواهد داد و خانواده‌ی که در آن تعلیم و تربیت، مبتنی بر آموزه‌های مهدوی باشد، نگاه‌شان به هم دیگر شفقت‌آمیز و مهرورزانه خواهد بود و در نتیجه زندگی‌شان هدفمند و از پوچی به دور خواهند بود و به آینده امیدوار و از سستی و تزلزل خانواده به دور خواهند بود و یک خانواده‌ی متعالی و مستحکم خواهند ساخت.

۱. دیلمی، حسن، *ارشاد القلوب*، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۵، ص ۶۳.

منابع و مآخذ

*قرآن مجید

۱. آنتونی گیدنز، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران ۱۳۸۳ ش.
۲. اوسطی، حسین، **دوازده گفتار درباره حضرت مهدی**، مشعر، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۳. بروسن کوئن، **درآمدی بر جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۷۰ ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، باهتام: غلامحسین مجیدی خوانساری، انصاریان، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، **غرر الحکم و درر الکلم**، چ دوم، دارالکتاب اسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۶. جعفری، جواد، **مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، معاونت پژوهش موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، چ سوم، موسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۰ ش.
۷. حبیب‌وند، علی‌مراد، مقاله: **رابطه‌جهت‌گیری مذهبی با اختلافات روانی و پیشرفت تحصیلی**، فصلنامه روان‌شناسی و دین، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) ش ۳.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، چ اول، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۹. دیلمی، حسن، **إرشاد القلوب**، ترجمه: مسترحمی، هدایت‌الله، چ سوم، مصطفوی، تهران، ۱۳۴۹ ش.
۱۰. زرنشاس، شهریار، **توسعه**، کتاب صبح، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. ستوده، هدایت‌الله، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. سلیمی، علی، محمد داودی، **جامعه‌شناسی کج‌روی**، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. شاملو، سعید، **بهداشت روانی**، چ پانزدهم، رشد، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. صافی، لطف‌الله، **امامت و مهدویت**، دفتر نشر اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. صدر، محمدباقر، **رهبری بر فراز قرون**، ترجمه: مصطفی شفیعی، چ اول، نشر موعود، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. صدوق، محمد بن الحسین، **کمال‌الدین**، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، **الأمالی**، چ ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۱۸. طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، چ اول، بی‌نا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. عالم، عبدالرحمن، **تاریخ فلسفه سیاسی غرب** (از آغاز تا پایان سده‌های میان)، چ دهم، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. فقیهی، علی‌تقی، **جوان و آرامش روان**، مجموعه‌مقالات، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، چ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۳. قمی، عباس، **منتهی الامال**، هجرت، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. کارگر، رحیم، **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، چ دوم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، قم، ۱۳۸۹ ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، صدرا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. مکارم، ناصر، **حکومت جهانی مهدی** عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. موسوی اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم**، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی برگ شقایق، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. میرخانی، عزت السادات، **رویگردی نوین در روابط خانواده**، نشر سفیر صبح، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳۱. نوابی نژاد، شکوه، **مشاوره ازدواج و خانواده درمانی**، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، بی‌جا، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چ اول، مؤسسۀ آل‌البت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، قم، ۱۴۰۸ ق.

جایگاه دعای جمعی در آیات و روایات و آثار آن در ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح

وحید صمدی^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۱

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۲۵

چکیده

دعای جمعی در دین اسلام جایگاه والایی دارد. در اهمیت آن همین بس که آیات و روایات زیادی به این شیوه از نیایش پرداخته‌اند. دعای جمعی منتظران شیوه مهمی از ابزار اضطرار جامعه مقدمه ساز به درگاه الهی است. شناخته شدن اهمیت و جایگاه دعای جمعی برای جامعه منتظر و اهتمام و اهمیت دادن در برگزاری ادعیه مهدوی تاثیر به سزائی در تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح خواهد داشت. این مساله در این تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی در آیات و روایات بررسی شده است.

واژگان کلیدی: امام عصر، دعای جمعی، ظهور، آیات و روایات.

۱. دانش آموخته سطح ۳ امامت و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت قم؛ ایمیل: vahid۱۳۶۱@iran.ir.

مقدمه

دعا بهترین پل ارتباطی بندگان با خدای متعال است. تکلم با خدای متعال به هر زبان، در هر زمان و مکانی باشد، مطلوب حق تعالی می‌باشد چرا که در قرآن کریم فرمود: «أدعونی أستجب لکم»^۱ (مرا بخوانید شما را اجابت می‌کنم). در دوران غیبت کبری بزرگترین محرومیت انسانها فقدان واسطه فیض الهی؛ امام زمان عجله تعالی فرجه می‌باشد. وقتی قلبهای دعا کنندگان متوجه دعا برای فرج امام غائبشان شود، برای ظهور آن حضرت دعا می‌خوانند. ابراز این نیازها به درگاه الهی آثار فراوانی در ظهور حضرت خواهد داشت.

دعای جمعی آثار فراوانی در حوزه فردی و اجتماعی دارد. عمده احکام و اعمال واجب و مستحب، تاکید به زندگی اجتماعی و کوشش‌های جمعی بنا نهاده شده است. مانند نمازهای جماعت که در روایت امام رضا علیه السلام فضیلت هر رکعت نماز جماعت دو هزار برابر یک رکعت نماز فردی بیان شده است.^۲

در دعای جمعی نیرویی فوق العاده از آنها به سوی مبداء هستی متوجه می‌شود. مانند چشمه آبی که از سطلی آب نیرو و جریانش بیشتر و دریایی که موج و خروجش هزاران چشمه را در بر می‌گیرد.

در این تحقیق به جایگاه دعای جمعی برای ظهور آخرین حجه الهی پرداخته شده است. پیشینه مدونی در کتب و مقالات برای دعای جمعی یافت نشد. اما علی باقری ذیل بررسی ادعیه قرآنی در کتاب پژوهشی در نیایش‌های قرآن کریم به این مساله پرداخته است و سید رضا باقریان فرد در جلد اول نیایش از نگاه اندیشمندان به این مساله پرداخته است. علیرضا برازش نیز در قرآن صاعد به این مساله پرداخته است. همچنین حسین انصاریان در شرح دعای کمیل به این بحث پرداخته‌اند. روش این تحقیق؛ توصیفی تحلیلی است و منابعی که برای اثبات اهمیت دعای جمعی به آنها استناد داده شده است آیات و روایات می‌باشد.

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۷.

اول: مفاهیم

۱. مفهوم دعا

اصل و ریشه دعا در لغت از دعو و به معنی حاجت خواستن است.^۱ دعا شوق و طلب و مسالت به سوی خداوند متعال می‌باشد.^۲ و در اصطلاح به عبادتی که در آن از درگاه خداوند متعال چیزی در خواست شود، گفته می‌شود «و روی عن النبی ﷺ انه قال: الدعاء هو العباده»^۳ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: دعا کردن عبادت است.

۲. مفهوم جماعت و رهط

جماعت در لغت اسم مصدر از ثلاثی مجرد جمع^۴، به معنای گروه مردمی^۵ اندک یا بسیار^۶، در یک مکان جمع شده که به آنها جمعیت گفته می‌شود.^۷ جماعت در اصطلاح؛ مفهومی حدیثی بوده و به معنی حفظ همبستگی مسلمانان می‌باشد.^۸ العین رهط را به معنی جمعی که شامل سه تا ده نفر باشند، معنی کرده است.^۹ در اصطلاح علم رجال و درایه به جماعتی از مردان که کمتر از ده و بیشتر از سه و یا هفت تا ده و یا بین ده و چهل باشد رهط گفته می‌شود.^{۱۰}

دوم: دعای جمعی در آیات

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه نازل شده است. در نیایش پیامبران و

۱. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۳. همان.

۴. صدر حاج سید جوادی، دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۴۲۷.

۵. ده خدا، لغت نامه ده خدا، ج ۵، ص ۷۸۴۴.

۶. فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص: ۱۰۸.

۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۰۹.

۸. حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۶۰۵.

۹. فراهیدی، العین؛ ج ۴؛ ص ۱۹.

۱۰. همان.

مومنان موارد بسیاری را می‌توان نشان داد که اقدام به دعای جمعی نموده‌اند. پاره‌ای از دعاها در آیات قرآن اشاره به پیکار دفاعی در برابر تجاوز دشمن به سرزمین مومنان دارد که مومنان در حال آماده سازی خود و رویارویی با متجاوزان بوده‌اند. برخی از نیایش‌ها درخواست از رحمت الهی و رشد و سعادت نیایش‌کنندگان را به نمایش می‌گذارد و بعضی از این موارد در نفی و طرد خودکامگان اشاره دارد که حاکی از عنایت به جمع به پا خواسته در جهت توحید و ایمان و طرد استکبار است.^۱

آیاتی به دعای مردم مستضعف به درگاه الهی برای رهایی از ظلم طاغوت‌ها اشاره دارد. شیوه‌هایی از نیایش برای مجاهدان منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه می‌باشند که ارتباط معنوی با خدای یکتا را به ایشان می‌شناساند. از جمله مواردی که زبان گفتگو با خدای متعال در قرآن کریم به صورت جمع بیان شده می‌توان به این آیات اشاره کرد:

۱. دعای جمعی هنگام مباحله با دشمنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مقابله با نصاری پیشنهاده مباحله جمعی به درگاه الهی را طرح کردند. این مطلب شیوه‌ای از دعای جمعی است که آن حضرت آن را به مسلمانان تعلیم می‌دهند.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^۲

پس کسی که بعد از آمدن علم نزدت با تو ای پیامبر محاجه کرد به آنها بگو بیایید بخوانیم که جمع شوند فرزندان ما و فرزندان شما را و زنان ما و زنان شما را و جان‌های ما و جان‌های شما را، سپس مباحله می‌کنیم پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.

به خاطر انکار نصاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختر گرامیشان، فاطمه زهراء علیها السلام و داماد خود امیرالمومنین علیه السلام و حسین علیه السلام را برای مباحله و دعا و نفرین به صورت جمعی برای اثبات حقانیت اسلام می‌آورند. هنگامی که پای مباحله به میان آمد نمایندگان مسیحیان نجران از پیامبر مهلت خواستند تا در این باره ببیندیشند، به این نتیجه رسیدند اگر محمد با سر و صدا و جار و جنجال به مباحله آمد با او مباحله کنند، زیرا حقیقتی در کار او نیست، و اگر با نفرات بسیار

۱. باقری فر، پژوهشی در نیایشهای قرآن کریم، ص ۳۰

۲. سوره آل عمران، ۶۱

محدودی از خاصان نزدیک به میعادگاه آمد بدانید که او پیامبر خداست و از مباحله با او دست بردارند. آنها وقتی به میعادگاه رفتند و دیدند که پیامبر فرزندانش حسن و حسین علیهم السلام را در پیش رو، و علی و فاطمه علیهم السلام همراه او هستند و به آنها سفارش می کند هر گاه من دعا کردم شما آمین بگویید، مسیحیان هنگامی که این صحنه را مشاهده کردند سخت به وحشت افتاده، و از اقدام به مباحله خودداری کردند.^۱

۲. رهایی از ظلم ظالم

یکی دیگر از ادعیه جمعی که در قرآن کریم مطرح شده است دعای جمعی مستضعفانی است که برای رهایی از ظلم و جور مستکبران از درگاه الهی طلب یاری و نجات دارند.

﴿وَمَا لَكُمْ لَاتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۝ ۲﴾

چه شده شما را؟ چرا در راه خدا پیکار نمی کنید؟ به ضعف کشیده شدگانی از مردان و زنان که می گویند بار الها ما را از این سرزمین که مردمش همه ستمگرند خارج کن و نجات بده، و از ناحیه خود سرپرستی برایمان بفرست، و از جانب خود یار و مدد کاری برایمان روانه کن.

این آیه شریفه مردان و زنان و کودکان ستمدیده و به بند کشیده شده که توانمندی های مادی و اجتماعی برای نجات و عزت خویش را غصب شده دیده اند توصیه به نیایش می کند. در خواست آنها به صورت یکدل و یکصدا از خدای متعال حاکی از درخواست ولی و یاری کننده ای الهی است تا ایشان را از دست ظالمین نجات دهد.^۳ این دعا برای همه مردان و زنان و فرزندان ستمدیده جهان سرمشقی است تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه که نجات بخش همه مظلومین جهان هستند را از پروردگار خود طلب کنند تا جهان را از هر پلیدی و ناپاکی پاک و جهان را با آمدنشان روشن و نورانی بفرمایند.

۳. دعا‌های دسته جمعی برای آموزش خواهی و پیروزی بر دشمنان

آیه دیگری که در آن دعای جمعی مطرح شده است دعای رزمندگان راه خدای متعال است.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۸.

۲. سوره نساء، ۷۵.

۳. باقری فر، پژوهشی در نیایشهای قرآن کریم، ص ۱۱۶.

رزمندگانی که غفران الهی و ثبات قدم و یاری خواستن بر علیه کافران را از پروردگار درخواست می‌کنند.

﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۱

گفتار آنها جز این نبود که بار پروردگارا از گناهان و ستمی که ما در باره خود کرده‌ایم درگذر و ما را ثابت قدم بدار و ما را بر کافران مظفرگردان.

این آیه بیان نیایش جمعی حق جویانی که پیوسته در تاریخ ادیان ابراهیمی درخشیده‌اند، می‌باشد. آنان به رغم نامساعد بودن زمینه دعوت پیامبران و رنج‌های بی‌شمار آن، بر بندگی و همراهی با آنان پای فشرده‌اند. آمرزش طلبی ایشان که محبوب درگاه خدای متعال می‌باشد، به روشنی از سعی آنان در صراط مستقیم حکایت دارد.^۲ با بررسی گفتار برخی از پیروان پیامبران می‌توان نوعی، پیوستگی و الگو پذیری به دست آورد. مجاهدانی بر این باورند که اندک بودن شمار نیروی انسانی و نیز محدود بودن ابزارها و امکانات نظامی کمترین مانعی در راه پیروزی به وجود نمی‌آورد، مادامی که امت پای در میدان نهاده و دست به دعا برداشته باشند.^۳ محتوای دعای جمعی مجاهدان راه خدا که برای زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه همواره با مستکبرین جهانی به نبرد برخاسته‌اند؛ ابتداء توجه به پاکی درون است و سپس برای ثبات قدم و غلبه بر دشمنان امام عصر عجل الله تعالی فرجه حرف دل‌های پاک خود را به خدای علیم ابراز می‌کنند.^۴

۴. در خواست رحمت الهی و رشد و سعادت

آیه دیگری که برای دعای جمعی از آیات قرآن به آن استناد می‌شود دعای جمعی جوان مردانی است که از شهر کفر به مخفی گاهی در کوه برای دوری از ظلم و شرک پناه بردند.

﴿إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾^۵

وقتی آن جوانان به غار رفتند پس بلافاصله شروع به دعا کرده و گفتند: پروردگارا ما را از نزد خویش رحمتی عطا کن و برای ما درکارمان صوابی مهیا فرما.

۱. سوره آل عمران، ۱۴۷.

۲. باقری فر، علی، پژوهشی در نیایشهای قرآن کریم، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. همچنین آیه ۲۵۰ سوره بقره دلالت بر طلب صبر و ثبات قدم بعد از پیروزی بر کفار دارد.

۵. سوره کهف، آیه ۱۰.

همانطور که اصحاب کهف در زمانی که کسی اجازه نداشت اسمی از خدای یکتا بیاورد با هم و به سرعت دعا کرده و راه نجات را از خدای یکتا طلب کردند. اگر مردم مستضعف جهان نیز با هم از درگاه الهی، فرج امام زمان را بخواهند ایشان ظهور کرده و همه طاغوت‌ها را کنار خواهند زد. لذا قبل از هر کاری برای ظهور امام عصر و برای رهایی از ظلم و ستم تحمیل شده بر مردم، مومنین باید مانند اصحاب کهف همدل شده و برای ظهور امام زمان دعا به صورت جمعی^۱ و مداوم تا ظهور حضرت بخوانند.

۵. امر الهی به همراهی پیامبر با دعا کنندگان

از موارد دیگری که قرآن کریم بر دعای جمعی اشاره دارد آیه ای است که خدای متعال به پیامبرش امر و تاکید به همراهی ایشان (بزرگان و روسای جامعه اسلامی) با افراد ضعیف از حیث اقتصادی اما با ایمان جامعه دارد و هم دلالت بر همراهی و دعا و نماز دارد:

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا^۲﴾

ای پیامبر با کسانی که بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را می‌خوانند و رضای او را اراده می‌کنند با شکیبایی قرین باش و دیدگانت به جستجوی زیور زندگی دنیا از آنها منحرف نشود. و اطاعت مکن کسی را که دلش را از یاد خویش غافل کرده‌ایم و هوس خود را پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است.

مشرکین به پیامبر اکرم می‌گفتند فقرایی چون سلمان و بلال و صهیب و... را وقتی ما نزدت می‌آییم، از نزد خود دور کن زیرا که کساء سلمان بوی عرق می‌دهد که این آیه پیامبر اکرم را از این درخواست آنها نهی می‌کند و امر به نماز و دعای دسته جمعی می‌دهد.^۳ از آن پس حضرت نزد ایشان ﷺ می‌نشستند.^۴ خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد با افرادی که دائماً و همراه هم در زمان صبح و شب خدا را با نماز و دعا می‌خوانند نفس خود را با آنها همراه کند.^۵ ایشان روز را با

۱. فقالوا اشاره تسريع و جمعی بودن دعا دارد.

۲. سوره کهف، آیه ۲۸.

۳. جزایری، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ج ۳، ص ۲۵۳.

۴. خازن، باب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۲، ۱۱۵.

۵. نسفی، مدارک التنزیل و حقایق التأویل، ج ۳، ۲۳.

دعا آغاز و با دعا به پایان می‌رسانند و رضای خدای متعال را طلب می‌کردند، و شغل و کاری غیر از این نداشتند. لذا حضرت می‌فرمودند: شکر خدایی را که افرادی را در اتمم قرار داد که مرا به همراهی با آنها امر فرمود.^۱ در آیات و روایات هم تاکید شده که یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه محروم شده از حقوق خود خواهند بود که ایشان وارثان خدای متعال در زمین خواهند بود.

سوم: دعای جمعی در روایات

منتظران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه همواره باید به شکل جمعی تضرع و انابه به پیشگاه خدای متعال جهت ظهور امام غائب از نظرها ببرند و دست‌گدایی به درگاهش دراز کنند، یقیناً دعایشان مستجاب می‌شود؛ زیرا در جمعیت دعا کننده، بدون شک دل سوختگانی هستند که با نیت خالص دعا و با حال و زاری و اخلاص‌شان، عامل جلب رحمت و جذب رأفت و مایه اجابت دعا شوند. چه بسا بنا بر آنچه که در متون روایی آمده، خدای متعال به خاطر آنها دعای دیگران را هم مستجاب می‌کند^۲ و به زاری و ناله آنان رحمت آورد و چشمان دعا کنندگان را به جمال امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه روشن می‌نماید.

برای دعای جمعی دو روش در بیانات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان شده است که الگویی برای چگونه دعا کردن برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه به ستمدیدگان مضطر به آمدن ایشان، می‌باشد.

۱. خواندن الفاظ دعا توسط همه دعا کنندگان

همه افراد حاضر، یک امر واحد را نیت و بر زبان جاری کرده و آن را از خدای متعال درخواست می‌کنند. تعدادی مشخص باید در اجتماع دعا کنندگان باشند که کلماتی چون اربعه، رهط، اربعین بر همراهی و هم دلی برای ابراز نیاز بر در گاه بی نیاز دلالت دارد. برای این روش از دعای جمعی موارد زیادی در روایات آمده است که تعدادی از آنها ذکر می‌شود:

الف. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الیه قَالَ: مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ يَدْعُوا [فَدَعَوْا] إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ

۱. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۳۹. آیاتی دیگر از قرآن کریم را می‌توان برای استشهد دعای جمعی آورد از جمله «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ» (سوره انعام، آیه ۵۲) این آیه دلالت بر دعای جمعی دارد. همچنین روایات در موضوع دعای جمعی در کتب روایی فروان مطرح شده از جمله می‌توان به کتاب نهج الدعا (با ترجمه فارسی)، محمدی ری شهری جلد اول، ص ۷-۱۶۶ استناد کرد.

۲. انصاریان، شرح دعای کمیل، ج ۱، ص: ۴۸.

إِجَابَةٌ»^۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ وقت چهار نفر برای دعا کردن برای یک خواسته جمع نمی شوند مگر اینکه در حال جدا شدن دعایشان مستجاب شده است.

در این روایت همانطور که ملاحظه می شود دو شرط برای اجابت دعای جمعی از زبان امام صادق علیه السلام بیان شده است اول دعا کننده گان باید چهار نفر باشند، دوم طلب و خواسته آنها مطلبی واحد باشد، در این صورت قبل از اینکه متفرق شوند دعایشان مستجاب می شود.

ب. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَارْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ»^۲.

هیچ چهل نفری نیست که برای دعا اجتماع کنند و خدا را بخوانند مگر اینکه خدای متعال استجابت کند. و اگر تعداد دعا کنندگان چهل نفر نبود، چهار نفر ده مرتبه دعا نمی خوانند، مگر اینکه خدا اجابتشان می فرماید و اگر چهار نفر نبودند یک نفر چهل بار دعا بخواند، خداوند متعال دعای او را اجابت می فرماید.

اسلام دینی کامل و جامع است و به همه نیکی ها و خیرها توجه دارد. به طریق عقلانی ثابت شده است اگر فردی، درصدی امید داشته باشد که شرائط حقیقی بودن دعا در او جمع است، در اجتماع چهل نفره، چهل برابر بیشتر امید می رود که از اعضاء واجد شرائط باشد و امکان استجابت و رسیدن به مطلوب بیشتر است.^۳

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود کلام علامه مجلسی علیه السلام در کتاب شریف بحار الانوار است که در بعض روایات، اربعه رهط دارد،^۴ البته ذکر این نکته لازم است اگر تعداد دعا کننده گان چهل نفر باشند دعایشان به اجابت نزدیک تر است و منافاتی با روایت، اربعه رهط ندارد زیرا می توان به استناد روایت گفت کلمه رهط بر ده نفر حمل شده و هر یک از چهار نفر،

۱. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲ ص: ۴۸۷.

۳. برازش، قرآن صاعد، ص ۱۴۶.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲ ص: ۴۸۷. «...عن عبد الأعلى عن أبي عبد الله علیه السلام قال ما اجتمع أربعة رهط قط على أمر واحد

فدعوا إلا تفرقوا عن إجابة».

ده نفر محسوب می‌شوند، پس در مجموع چهل نفر می‌شوند.^۱
 ج. «قال النبی ﷺ لا یجتمع أربعون رجلا فی أمر واحد إلا استجاب اللهُ تَعَالَى لَهُمْ حَتَّى لَوْ دَعَوْا عَلَی جَبَلٍ لَأَزَالُوهُ»^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هیچ چهل نفر انسانی در مطلب واحدی دعا نمی‌کنند مگر اینکه خدای متعال آن دعا را به اجابت می‌رساند و لو اینکه بر نابودی کوهی دعا کنند حتماً آن کوه زائل می‌شود.

همچنین أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ در کتاب عُدَّةِ الدَّاعِی می‌گوید؛ روایت شده که خداوند به عیسی ﷺ وحی کرد: «يَا عِيسَى - تَقَرَّبْ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ مَرَّهُمْ أَنْ يَدْعُونِي مَعَكَ».^۳ خداوند به عیسی ﷺ وحی کرد ای عیسی، به مؤمنین نزدیک شو و آن‌ها را امر کن که با تو مرا بخوانند. طبق این روایات در زمان غیبت کبری اگر بزرگان دین مردم را امر به دعای جمعی برای ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ کنند حتماً کمکی به فرج حضرت خواهد بود.

د. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا مُؤْمِنِينَ أَوْ ثَلَاثَةِ اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ - يَأْمَنُونَ بِوَأْتِقَهُ وَ لَا يَخَافُونَ غَوَائِلَهُ وَ يَرْجُونَ مَا عِنْدَهُ إِنْ دَعَوْا اللَّهَ أَجَابَهُمْ - وَ إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَ إِنْ اسْتَزَادُوا زَادَهُمْ وَ إِنْ سَكَتُوا ابْتَدَأَهُمْ».^۴ هیچ دو مؤمن یا سه مؤمنی نیست که در نزد برادر خود اجتماع کنند که از شرارت‌ها و کینه‌توزی‌های او در امان باشند و به آنچه در نزد اوست، امیدوار باشند؛ اگر این افراد خداوند را بخوانند، آنها را اجابت می‌کند و اگر از او درخواست نمایند، به آنها عطا می‌کند، و اگر از او طلب زیادت نمایند؛ به آنها بیشتر می‌کند؛ و اگر ساکت باشند؛ خداوند ابتدا می‌کند.

این روایت به این مطلب اشاره دارد که اصلاً نفس، دور هم جمع شدن مومنین در اجتماعاتی همچون شب و روز نیمه شعبان در سراسر جهان^۵ که همگی هم دل هستند و اهل حیل و شرارت نبوده و به خدای متعال امیدوارند حتماً خدای سبحان به ایشان عنایت می‌کند و امام محصور در پرده غیبت را ظاهر خواهد کرد اگر چه اجتماع کنندگان سکوت کرده و چیزی به

۱. مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص: ۷۶.

۲. راوندی، الدعوات سلوة الحزین، النص، ص ۳۰.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۵.

۴. ابن فهید حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۸۸.

۵. برای مثال در دیگر مکاتب و ادیان منجی‌گرا این مسئله هر ساله تحقق پیدا می‌کند. این مطلب در مقالاتی در اینترنت قابل دسترسی می‌باشد.

زبان نیاورند.

۲. خواندن دعا توسط یک نفر و آمین گفتن دعا کنندگان

شیوه دیگر از اسباب استجاب دعا، آمین گفتن پس از دعاست؛ آمین اسمی از اسماء الهی است. معنای آمین در کلام امام صادق علیه السلام به معنی در خواست از اجابت آن طلب انجام عمل تفسیر شده است.^۱

تاکیدات زیادی در آمین گفتن در جمعیتی که انسان‌هایی پاک و صالح با هم دعا می‌کنند در روایات مطرح شده است. که از حکمت‌های آن، این مطلب می‌باشد که گاه خدای متعال بنا بر عزت و عظمت و یا معصومیت یا مظلومیت اطرافیان دعای جمع را نیز مستجاب می‌کند. چنان که شیوه همیشه معصومان چنین بوده است.^۲ اجتماع و آمین گفتن برای ملائکه هم مهم است. ملائکه به اندازه اجتماع کنندگان در میان مومنین حاضر شده و همراه آنها، برای استجاب دعایشان آمین گفته و برای مومنین طلب خیر می‌کنند.^۳ از مواردی که آمین گفتن در کلام اهل بیت ذکر شده است به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف. «البرقی عن الحجال عن ثعلبه عن علی بن عقبه عن رجل عن ابي عبد الله علیه السلام قال کان ابي إذا حزنه أمر جمع النساء و الصبيان ثم دعا و آمنوا».^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگاه امری پدرم را غمگین می‌کرد؛ همواره زنان و بچه‌ها را جمع می‌کرد سپس دعا می‌فرمود و آنها آمین می‌گفتند. این شیوه دعا خواندن سیره امام محمد باقر علیه السلام بوده است و امام صادق علیه السلام بوده است.

ب. «سألت أخی موسى بن جعفر عن الرجل يدعو و حوله إخوانه أيجب علیهم أن يؤمنوا قال إن شاءوا فعلاوا و إن شاءوا سكتوا فإن دعا بحق و قال لهم آمنوا و جب علیهم أن يفعلوا».^۵

از امام موسی بن جعفر علیه السلام از مردی که میان برادران خود دعا می‌خواند سوال شد که آیا برادران واجب است که آمین بگویند؟ حضرت فرمودند اگر خواستند آمین بگویند و اگر خواستند چیزی نگویند، اما اگر فردی دعا کند و به برادران خود امر کند که آمین بگویند آنگاه آمین گفتن

۱. ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۴۹.

۲. لقمانی، احمد، چگونه دعایمان مستجاب می‌شود؟، ص ۲۱۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص: ۱۸۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۵. عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۱۵۵.

بر آنها واجب می‌شود.

ج. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَعَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّنَ هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّنَتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ مَنْ غَزَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اسْتُجِيبَ لَهُ كَمَا اسْتُجِيبَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: موسی دعا کرد، و هارون آمین گفت؛ و فرشتگان آمین گفتند؛ پس خداوند متعال فرمود؛ به تحقیق دعای شما را اجابت کردم.

این روایات تاکید بر آمین گفتن دارد؛ لذا اگر فردی در میان همه مردم مستضعف جهان اعم از مسلمان یهودی و مسیحی دعا بخواند و بقیه آمین بگویند خدای تعالی منجی و امام غائب را ظاهر خواهد کرد و دعای ایشان را به اجابت خواهد رساند.

چهارم: دعای جمعی برای ظهور صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

همانطور که با بررسی آیات و روایات اهمیت دعای جمعی روشن شد لذا برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ که مهمترین خواسته بشریت و مردم مظلوم جهان است همواره باید در سراسر جهان و به خصوص اجتماعات شیعیان باید دعا شود که این روش از دعا در درگاه الهی سریعتر به اجابت خواهد رسید. برای این منظور روایاتی که بر دعا برای ظهور حضرت سفارش کرده اند، آورده می‌شود.

شاهد اول

در کتاب مکیال المکارم در اهمیت و آثار دعای جمعی چنین نقل شده است:

«یکی از تکلیف‌ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ یاد شود، و خوبی‌ها، فضیلت‌ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد؛ چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگ داشت و بالا بردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی‌داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولیّ پروردگار است.»^۲

ارزش‌های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می‌توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ -

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۱۰.

۲. اصفهانی، مکیال المکارم: ۱۶۹ / ۲.

که در کتاب وسائل الشیعه و غیر آن نقل شده است- نیز بر این مطلب دلالت دارد: «تزاوروا، فإن فی زیارتکم إحياء لقلوبکم و ذکرًا لأحاديثنا، و أحاديثنا تعطف بعضکم علی بعض، فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتهم، و إن ترکتموها ضللتهم و هلكتم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعیم»^۱.

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دید و بازدیدها موجب زنده شدن دل‌های شما، و بازگو کردن و یادآوری حدیث‌های ماست. حدیث‌ها و سخنان ما، باعث همبستگی و مهربانی بیش‌تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد. اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می‌شوید و نجات می‌یابید؛ و اگر سخن ما را رها کردید، گمراه می‌گردید و هلاک می‌شوید؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید، من نیز ضامن و عهده‌دار نجات شما می‌باشم.

دلیل دستور دادن حضرت به دید و بازدید شیعیان این است که انگیزه و وسیله‌ای برای زنده شدن امر (امامت) ایشان و بازگویی احادیث‌شان است. یعنی می‌توان گفت اگر مردم در حال به انحراف کشیده شدن از معرفت و یاد امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌الرحمن‌و‌الرحیم باشند تشکیل این‌گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف نجات خواهد داد و هدایت و ارشاد را برای ایشان به ارمغان خواهد آورد.^۲

آزمون‌ها و امتحانات دوران غیبت به گونه‌ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌الرحمن‌و‌الرحیم نمی‌توان بر صراط مستقیم و اطاعت از ایشان باقی ماند و جز با دعا برای فرج حضرت نمی‌توان روح امیدواری به زندگی را در دل‌ها زنده نگاه داشت و در برابر سختی‌ها مقاومت نمود. در حقیقت دعا برای تحقق فرج انسان کامل، دعا برای تحقق کمال سعادت انسان (اعم از سعادت فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، دنیوی و اخروی)، این مطلب از هر نیازی برای انسان‌ها مهم‌تر است. زمانی انسان کامل به سعادت کامل می‌رسد که هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی و همه ابعاد کمال و خوشبختی، حاکمیت یابد. این همان تحقق جامعه مهدوی و ظهور همه حقیقت اسلام در دنیا می‌باشد. لذا دعا برای حضرت، دعا برای سعادت خود انسان و جامعه انسانی است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۶۷.

۲. مجتهدی، صحیفه مهدیه، جلد ۱، ص ۶۲-۶۰.

شاهد دوم

در کتاب سعد السعود که از سنت های ادریس نبی به خط عیسی بن مریم است و در تایید دعای جمعی مومنین می باشد، چنین آمده است:

«در بیشتر اوقاتتان خدا را بخوانید و در دعایتان همیار و هم آوا باشید زیرا خداوند چنانچه همیاری و اتحاد در شما ببیند، دعایتان را اجابت می کند حاجت هایتان را بر آورده می سازد و شما را به آرزوهایتان می رساند و عطایای خویش را از خزانه های پایان ناپذیرش بر شما سرازیر می کند»^۱.

شاهد سوم

امام صادق علیه السلام درباره نقش دعای گروهی در تعجیل فرج و برای اینکه شیعیان به این امر مهم و حیاتی بپردازند فرمودند: وقتی عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد. چهل صبح ضجه و گریه و ناله به درگاه الهی کردند. خدای متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی کرد که بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد و این در حالی بود که از چهار صد سال عذاب صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خدای متعال به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر نمود. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: همچنین شما شیعیان اگر این عمل را انجام می دادید، خداوند متعال قطعاً فرج و گشایش ما را می رساند. اما اگر بی تفاوت باشید و هیچ ضجه و گریه و ناله را برای تعجیل فرج نداشته باشید امر (غیبت) به نهایت خود می رسد^۲. از متن این روایت که از صحابی امام باقر و امام صادق علیهم السلام فضل بن ابی قره نقل شده،^۳ امام صادق علیه السلام توبه و دعا و ضجه و گریه و ناله چهل صباح شیعیان به درگاه الهی را، راهکاری برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام معرفی می کند.

شبهه این روایت در بخشیده شدن غیبت حضرت موسی علیه السلام روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که مختصر روایت به این شرح است که بعد از وفات حضرت یوسف علیه السلام بنی

۱. ابن طاووس، سعد السعود للنفس منضود، النص، ص ۳۹.

۲. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ۱۵۴.

۳. عَنْ فَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ... فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ - ضَجُّوا وَبَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا - فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يَخْلَصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنْكُمْ، فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا - فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ.

۴. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۹۷.

اسرائیل دچار سرگردانی گشت و فقیه‌ی که نجات دهنده ایشان یعنی حضرت موسی علیه السلام را می‌شناخت و با ایشان در ارتباط بود خبر از باقی ماندن چهل سال از غیبت آن حضرت داد، همه ایشان حمد و سپاس خدا را به جا آوردند و اعتراف کردند که همه نعمتها و خیرها از خدای تعالی است و گفتند بدی‌ها را فقط خدای تعالی دور می‌سازد.^۱

مهمترین عامل فرج موسی علیه السلام که در این روایت ذکر شده است این است که بنی اسرائیل

۱. وقتی وفات یوسف علیه السلام فرا رسید شیعیان و خاندان خود را جمع کرد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس به آنها گفت: سختی شدیدی به آنها خواهد رسید که در آن مردانشان را بکشند و شکم زنان باردارشان را پاره کنند و کودکانشان را سر ببرند تا آنکه که خداوند حق را در قائم که از فرزندان لاوی بن یعقوب است ظاهر سازد بنی اسرائیل مدت چهار صد سال منتظر قیام قائم بودند تا آنکه ولادت او را بشارت دادند و علامات ظهورش را مشاهده کردند و سختی آنها شدت یافت و فقیه‌ی که به سخنان او آرامش می‌یافتند، تحت تعقیب قرار گرفت و او مخفی شد و با او نامه‌نگاری کردند و گفتند: ما در گرفتاری‌ها به کلام تو آرامش می‌یافتیم، پس آن فقیه ایشان را به بیابان‌ها برد و با آنها در شمی مهتابی درباره قائم و صفات او و نزدیکی ظهورش سخن می‌گفت و در این هنگام موسی علیه السلام آمد در حالی که او نوجوان بود چون فقیه او را دید، از صفاتش او را شناخت، برخاست و بر قدوم او افتاد و بر آن بوسه زد و گفت: سپاس خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه تو را به من نشان داد و چون پیروانش چنین دیدند دانستند که او صاحب ایشان است و به شکرانه خدای تعالی بر زمین افتادند و موسی علیه السلام جز این نگفت که امیدوارم خداوند در فرج شما تعجیل کند و بعد از آن غایب شد و به شهر مدین رفت و آن سالیان را نزد شعیب مقام کرد و این غیبت دوم از غیبت اولی بر آنها سخت‌تر بود و آن پنجاه و چند سال مقدر گشت، و گرفتاری آنها شدت گرفت و آن فقیه نیز خود را مخفی ساخت و کسی را به نزد او فرستادند و گفتند ما بر استتار تو شکیبایی نداریم، پس به بیابانی بیرون شد و آنها را خواست و آنها را خوشحال ساخت و به آنها اعلام کرد که خدای تعالی به او وحی کرده است که پس از چهل سال فرج ایشان را خواهد رسانید همگی گفتند: الحمد لله و خدای تعالی وحی فرمود که به ایشان بگو بخاطر الحمد لله که بر زبان جاری کردید آن را به سی سال تقلیل دادم، گفتند: کلّ نعمه فمن الله، هر نعمتی از جانب خداوند است، وحی آمد که به آنها بگو آن را بیست سال کاهش دادم، گفتند: لا یأتی بالخیر إلا الله این خداست که خیر جاری می‌کند، وحی آمد که به آنها بگو آن را به ده سال کاستم، گفتند: «لا یصرف السوء إلا الله» این خداوند است که بدی را دور می‌سازد و خداوند به آن فقیه وحی کرد که به ایشان بگو: از جای خود حرکت نکنید که اذن فرج شما را دادم، در این میان موسی علیه السلام در حالی که سوار بر حماری بود ظاهر شد و آن فقیه خواست او را به شیعیان معرفی کرده و موجبات استبصار آنها را فراهم سازد، موسی آمد و فقیه پرسید: فرزند که هستی؟ گفت: فرزند عمران، گفت: او فرزند کیست؟ گفت: فرزند قاهت فرزند لاوی فرزند یعقوب، گفت: چه آورده‌ای؟ گفت: رسالت از جانب خدای تعالی. آن فقیه برخاست و به دست موسی بوسه زد سپس در میان ایشان نشست و آنها را خوشحال ساخت و دستورات موسی را به ایشان ابلاغ کرد و سپس ایشان را متفرق ساخت و از این زمان تا فرج ایشان که به غرق فرعون حاصل شد، چهل سال فاصله بود. کمال الدین و تمام النعمه ترجمه پهلوان، ج ۱، ص: ۲۸۹. ذکر این نکته لازم است که در مقدار غیبت موسی در دو روایت مذکور اختلاف است، این مطلب اشکالی به اصل انجام شدن توبه و دعای جمعی که در میان بنی اسرائیل که سبب ظهور موسی کلیم الله شد وارد نمی‌کند.

پس از مدت سختی و طولانی به بزرگ و فقیه خود ایمان آوردند و همگی دعای خیر و حمد الهی در برابر امر خدای تعالی به جا آوردند که این امر سبب بخشش باقیمانده غیبت موسی علیه السلام شد. از بیان این دو روایت این چنین به دست می‌آید اگر شیعیان با هم همدل باشند و دعا به درگاه الهی بیاورند قطعاً خدای متعال از باقی مانده غیبت امام عصر علیه السلام صرف نظر خواهد کرد و جهان را به نور قدم‌های ایشان منور خواهد کرد.

شاهد چهارم

یکی دیگر از شواهد عمل به دعای جمعی در کتاب مکیال المکارم داستان تمام شدن غیبت ادریس نبی علیه السلام می‌باشد که چنین نقل شده است:

«در زمان ادریس پیامبر علیه السلام وقتی مورد ظلم و تحدید به قتل حکام ظالم قرار گرفت، به میان غاری رفت و از مردم پنهان شد. به درخواست ایشان بیست سال یک قطره باران بر آنها نبارید. قوم ادریس چون بیتاب شدند با هم برخورد کردند و گفتند این سختی و قحطی که می‌بینید بما روی داده برای اینست که ادریس از پروردگارش خواسته که آسمان بر ما نبارد تا او درخواست کند، ادریس از ما دوری جسته و جایش را نمیدانیم و خدا بما از وی مهربانتر است با هم یک قول شدند که بخدا بازگردند و دعا کنند و و از او بخواهند که آسمان بر آنها و حومه شهر بیارد بر خاکستر ایستادند و لباس سیاه پوشیده و خاک بر سر ریختند و بسوی خدا با توبه نالیدند و گریه و زاری کردند. این دعا و توبه جمعی باعث شد خدای متعال دوران غیبت ادریس نبی علیه السلام را پایان بخشد. حضرت ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت و خواری افتاد.»^۱

شاهد پنجم

همچنین بنا بر روایتی که محمد بن الحسن الصفار در بصائر الدرجات به سند خود از حضرت ابو عبد الله صادق علیه السلام عرضه داشتیم: از عمرو بن اسحاق حدیثی به من رسیده، فرمود: آن را عرضه کن. گفتم: وی بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام داخل شد، پس آن حضرت آثار زردی بر صورتش دید، فرمود: این زردی چیست؟ او بیماری خود را توضیح داد. آن حضرت به او فرمود: ما خوشحال می‌شویم به خوشحالی شما؛ اندوهگین می‌شویم به حزن شما؛ بیمار می‌شویم به بیماری شما و دعا می‌کنیم برای شما، و شما که دعا می‌کنید ما آمین می‌گوییم. عمرو به امیر

۱. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص: ۲۲۷.

المؤمنین علیهم السلام عرض کرد: آنچه فرمودی دانستم، ولی چگونه ما دعا می‌کنیم شما آمین می‌گویید؟ آن حضرت فرمود: حاضر و دور بر ما یکسان است. امام ابو عبد الله صادق علیه السلام فرمود: عمرو راست گفته است.^۱ طبق این روایت اگر هر کدام از شیعیان برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کنند حضرت آمین می‌گویند و این دعای جمعی در فرج امام زمان تاثیر خواهد داشت.

شاهد هشتم

همچنین در توقیعی که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب نقل شده آمده است: «... و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان في ذلك فرجكم ...»^۲ این فراز از روایت به تاکید حضرت بر دعا برای فرج ایشان دلالت دارد و از اینکه دعا خواندن با صیغه جمع آمده است حضرت اشاره به دعای جمعی برای تعجیل در فرج دارند. لذا از آنجا که هر مجلسی که در آن برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه دعا شود، جایگاهی برای حضور فرشتگان گردد، و همچنین است تمام مجالس دعا، فرشتگان اهل آن مجالس را در دعا یاری می‌دهند.^۳ لازم است که هر جمعی برای هر نیتی که دعا می‌کنند ابتداء دعایشان برای امر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد چرا که این دعا منشاء فرج تمامی امور خواهد بود.

نتیجه گیری

باتوجه به ادله‌ای که در آیات و روایات بر دعای جمعی آورده شد چنین به دست می‌آید دعاهایی که برای مطالب مهم می‌باشند باید به صورت جمعی خوانده شوند. می‌توان گفت نفس اجتماع و با هم بودن و دعا کردن به درگاه الهی، هر چند موضوع دعاها یکی نباشد، مورد توجه شرع مقدس اسلام قرار گرفته است. نمونه‌ای از دعاهایی که در تمام ادیان و آرزوی همه انسان‌های آزاده جهان در دوران غیبت می‌باشد، دعا برای ظهور موعود بشریت می‌باشد. از طرفی توصیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه به افراد به دعای بر فرج روشن می‌شود که اگر مردم این زمان به صورت دسته جمعی دعا و جهت فرج ایشان درخواست داشته باشند خداوند متعال باقی مانده غیبت آن حضرت را بخشیده و اذن ظهور آن حضرت را بر مبنای ادله صادر می‌فرماید. لذا همه بشریت و مسلمانان و به خصوص شیعه می‌بایست همواره با ادعیه‌ای همچون اللهم کن لولیک،

۱. صفار، بصائر الدرجات، ۲۶۰.

۲. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴. «... بسیار برای تعجیل فرج دعا کنید که فرج شما در آن است ...».

۳. اصفهانی، مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۲۸.

دعای فرج، دعای افتتاح، زیارت آل یس و صلوات ضراب اصفهانی و سایر ادعیه تمسک جسته و موجبات نزدیکی امر ظهور را فراهم آورند.

منابع و مآخذ

*قرآن مجید.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول ﷺ** محقق: غفاری، علی اکبر، قم، نشر: جامعه مدرسین، جلد، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، جلد، نشر: دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الأخبار**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة ترجمه کمره‌ای**، مترجم: کمره‌ای، محمد باقر، تهران، نشر: اسلامی، جلد، ۱۳۷۷ ه. ش.
۵. اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم (علیه السلام)**، قم، نشر: مؤسسه الإمام المهدی (علیه السلام)، جلد، چاپ: ۵، ۱۴۲۸ ه. ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، **سعد السعود للنفوس منضود**، قم، نشر: دار الذخائر، جلد ۱.
۷. انصاریان، حسین، **شرح دعای کمیل**، قم، نشر عرفان، جلد، ۱۳۸۸.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، جلد، ۱۵، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، شمس الدین محمد حسین، لبنان - بیروت، نشر: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، جلد، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه. ق.
۱۰. باقری فر، علی، **پژوهشی در نیایشهای قرآن کریم**، تهران، چاپ ارشاد، ۱۳۸۴.
۱۱. جزایری، ابوبکر جابر، **ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر**، عربستان - مدینه منوره، نشر: مکتبه العلوم و الحکم، جلد، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه. ق.
۱۲. خازن، علی بن محمد، **تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل**، مصحح: شاهین، عبدالسلام محمد علی، لبنان - بیروت، نشر: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، جلد، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۳. ده خداه، **لغه نامه ده خداه**، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ ۲ از دوره جدید ۱۳۷۷.
۱۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، نشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، جلد، ۳۰، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. صدر حاج سید جوادی، احمد، **دائرة المعارف تشیع**، تهران، نشر: شهید سعید محبی، تعداد جلد...، چاپ

- چهاردهم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۶. عریضی، علی بن جعفر، **مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها**، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، نشر: مؤسسه آل البيت عليه السلام، جلد ۱، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، **التفسیر (تفسیر العیاشی)**، محقق: رسولی، هاشم، تهران، نشر: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۲ جلد، چاپ: ۱، ۱۳۸۰ ه. ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، نشر: نشر هجرت، ۹ جلد، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم، نشر: موسسه دار الهجرة، ۲ جلد، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۰. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ: ۳۶، ۱۳۸۶ ه. ش.
۲۱. برازش، علیرضا، **قرآن صاعد**، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۲. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۷ جلد، چاپ: ششم، ۱۳۷۱ ه. ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی (ط - الإسلامیه)**، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، نشر: دار الکتب الإسلامیه، ۸ جلد، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. کفیل، بررسی اجمالی ادعیه و زیارات مهدوی.
۲۵. لقمانی، احمد، **چگونه دعایمان مستجاب می شود**، قم، انتشارات بهشت بینش، ۱۳۸۶ ه. ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، نشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ: دوم، ۱۱۱ جلد، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، نشر: دار الکتب الإسلامیه، ۲۶ جلد، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. مجتهدی، مرتضی، **صحیفه مهدیه**، مترجم: مؤسسه اسلامی ترجمه، قم، نشر: نشر الماس، ۱ جلد، نوبت چاپ: ۱۱، چاپ: ۱۳۸۸ ه. ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، نویسنده: جمعی از نویسندگان، تهران، نشر: دار الکتب، الإسلامیه، ۲۸ جلد، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۰. نسفی، عبدالله بن احمد، **تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل**، لبنان - بیروت، نشر: دار النفاث، ۴ جلد، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ه. ق.

شاخصه‌های گزینش کارگزاران در حکومت مهدوی و حکومت علوی

حمزه ترابی^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

حکومت چندساله امیرالمومنین علیه السلام نمونه شایسته در ارایه شاخصه‌های کارگزاران حکومتی است، کنکاش در این شاخصه‌ها و تطبیق آن بر کارگزاران و یاران حضرت ولی عصر، و بهره‌گیری از آیات قرآن، می‌تواند الگوی حکومت‌های امروزی باشد، با توجه به اینکه، قرآن در مورد انبیایی که نقش حکومتی یا اجرایی داشتند ملاک‌هایی را معرفی کرده است و سیره حضرت علی علیه السلام در حکومت خویش با اصل شایسته سالاری، الگویی بایسته از انتخابگری مسؤولین را داشته است، این پژوهش با تحقیقات کتابخانه‌ای و روش تحلیلی توصیفی، در اثبات این مساله است که؛ شاخصه‌های انتخاب ولی عصر در مورد کارگزاران، همان پیروی از رهنمودهای قرآن و سیره امیرالمومنین علیه السلام است، یافته‌های این نوشتار این بوده است که؛ ویژگی‌های اساسی کارگزاران در سیره امیرالمومنین از قبیل؛ تقوا، مدیریت، امانتداری، ساده زیستی، بصیرت و ولایتمداری بوده است که امام عصر با بهره‌گیری از آنها، حکومتی با کارگزارانی شایسته خواهند داشت.

واژگان کلیدی: شاخصه، کارگزاران، حکومت علوی، حکومت مهدوی، قرآن

۱. دانش پژوه سطح ۳ رشته امامت و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل: hamzhehtorab@gmail.com

مقدمه

حکومتی که در راس آن امام معصوم می‌باشد بی شک نیازمند کارگزارانی فعال است، که بتوانند یاری دهنده امام در جامعه باشند؛ انتخاب این کارگزاران از نظر شاخصه‌هایی که مفید برای حکومت اسلامی باشد دارای اهمیت است و کنکاش در این شاخصه‌ها الگوی موفق‌تری برای برنامه ریزیهای جوامع امروزی ارایه خواهد نمود. بدین سان این نوشتار در پاسخ به این سوال است که؛ تطبیق شاخصه‌های کارگزاران ولی عصر با توجه به رهنمودهای قرآن و سیره حکومتی حضرت امیرالمومنین چگونه است؟

درباره انتخاب کارگزاران علوی تحقیقات خوبی انجام شده است، اما جای خالی نگاشته‌ای که سیر منظمی از ملاکهای یک کارگزار را با استناد به آیات قرآن و سپس، استفاده از سیره امیرالمومنین علیه السلام و تطبیق آن بر سیره مهدوی را دارا باشد، خالی بود. در این مقاله سعی شده است طبق آیات قرآن و سیره عملی و آموزه‌های امیرالمومنین علیه السلام در انتخاب کارگزاران و تطبیق آن در کارگزاران مهدویت در زمان ظهور، یک الگوی موفق‌تری را ترسیم نماید. کارگزاران، افرادی هستند که از سوی حاکم جامعه اسلامی به اداره بخشی از امور جامعه منصوب می‌شوند. این مأموریت می‌تواند شامل سطحی کلان، مثل ولایت و حاکمیت منطقه ای از جامعه اسلامی باشد یا در بخشی پایین تر، همچون فرماندهی جنگ، قضاوت، جمع آوری مالیات و ... اجرا شود.

اهمیت جایگاه کارگزاران از آن جهت است که دین مبین اسلام سفارش فراوانی بر شایسته سالاری در کارگزاران حکومتی دارد. چنانچه در روایتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله وارد شده است که: «من تولی من أمر المسلمین شیئاً فاستعمل علیهم رجلاً و هو یعلم أن فیهم من هو أولى بذلک و أعلم منه بکتاب الله و سنه رسوله فقد خان الله و رسوله و جمیع المومنین»^۱ هر کس مسلمانی را به استخدام درآورد، در حالی که می‌داند در جامعه اسلامی شایسته تر و آگاه تر از او به کتاب خدا و سنت رسول وجود دارد، به خدا و رسول و تمام مسلمانان خیانت کرده است.

امیرالمومنین علیه السلام در نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر در مورد کارگزاران جملاتی دارند که می‌فرمایند: «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا، وَلَا تَوَلِّهُمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً»^۲ در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۷۰۵.

۲. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۹.

آنچه در این فراز نامه مهم است؛ انتخابگری از روی قاعده و ملاک است، بدین سان در این نگاهسته با استمداد از عنایت الهی سعی شده است، گلچینی از ملاک‌هایی که مورد تاکید حضرت امیرالمومنین علیه السلام در انتخاب کارگزار است با پشتوانه ادله آیات و روایات عرضه شود. کار تازه دیگری که در این نگاهسته به آن توجه شده است، تطبیقی از شاخصه‌های کارگزاران مهدوی با علوی است، چراکه حضرت صاحب الامر عجل اله تعالی فرجه الشریف ادامه دهنده سیره اجداد خویش در شیوه حکومت می‌باشند، لذا امام صادق علیه السلام در جواب از کیفیت سیره او فرموده اند: «سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ فَقَالَ يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»^۱ او چنان می‌سازد که رسول خدا ساخت و آنگونه نابود می‌کند که او انجام داد. یا در حدیثی دیگر در کتاب شریف کافی وارد شده است که: سیره او سیره امام علی علیه السلام است: «ان قاتمنا اهل البيت: اذا قام ... سار بسيرة علي عليه السلام»^۲

شاخصه‌های کارگزاران علوی و مهدوی:

تقوا، شایستگی مدیریت، امانت داری، ساده زیستی، بصیرت سیاسی اجتماعی، تبعیت از امام و ولایتمداری

شاخصه اول: تقوای کارگزاران

۱. تقوای کارگزاران در قرآن

خداوند متعال نشانه برتری انسانها را در سوره حجرات، تقوا، معرفی کرده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...»^۳ همانا که کریم‌ترین و بزرگواری‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. مدیران هدایت انسانها یعنی پیامبران و امامان علیهم السلام از درجه بالایی از این ملاک برخوردار بوده اند «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۴ همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و عمران را بر دیگران برگزید.

تقوا عبارت است از امتثال اوامر حق تعالی و اجتناب از نواهی او، تقوا از تجلیات ایمان و از لوازمات اصلی مناسبات صحیح انسانی است. در مسیر زندگی انسان همواره سختی‌ها و

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳. حجرات: ۱۳.

۴. آل عمران: ۳۳.

دشواری هایی نمایان می شود و تنها تقوای الهی است که انسان را در برابر سختی ها مقاوم می سازد. «و من یتق الله یجعل له مخرجا»^۱ کسی که تقوا پیشه کند خداوند سختی هایی که برای او پیش می آید را آسان می سازد. مدیر یک جامعه نیز بنابر وظیفه ای که بر دوش اوست، سختی های بیشتری پیش روی دارد، پس هر اندازه درجه تقوای او بیشتر باشد، شایسته تر خواهد بود. وقتی صفات پسندیده ای در زیر مجموعه تقوا قرار دهیم و به تقوا به معنای گسترده آن توجه کنیم مثل؛ حفیظ بودن، علیم بودن و امانتداری رمز انتخاب افرادی مثل طالوت و حضرت یوسف برای مدیریت را متوجه می شویم. آیه ۲۴۷ سوره مبارکه بقره که در آن، به ماجرای طالوت اشاره می کند. در این آیه، واژه «اصطفی» به معنای برگزیدن و انتخاب کردن به کار رفته است. علامه طباطبائی در این باره نوشته است: «اصطفاء از ریشه «صفو» گرفته شده و به معنای «صاف و پاک» می باشد. در نتیجه، اصطفاء یعنی بهترین و پاک ترین را انتخاب کردن، لذا خداوند می فرماید: ما طالوت را برگزیدیم و انتخاب نمودیم.»^۲

۲. تقوای کارگزاران در روایات و سیره امیرالمومنین علیه السلام

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در ملاک کارگزاران یکی از صفات آنها را تقوی می داند و در همان ابتدای نامه به مالک اشتر، آن را گوشزد می کنند و اولین توصیه به مالک اشتر در آغاز آن عهدنامه معروف، رعایت تقوای الهی است.^۳ همچنین هنگام نصب محمد بن ابی بکر به ولایت مصر می فرماید: «فانت محقوق أن تخالف علی نفسک»^۴ بر تو سزاوار است که با هوای نفس خود مخالفت کنی.

۳. تقوای کارگزاران در حکومت مهدوی

یکی از آیاتی که در ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام نکات ارزنده ای دارد آیه ۱۲۸ اعراف است که خداوند می فرماید:

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۵ موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بخواهید و صبر

۱. طلاق: ۴.

۲. طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۳۵.

۳. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۹.

۴. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۲۷، ص ۳۶۴.

۵. اعراف: ۲۸.

پیشه کنید؛ به درستی که زمین از آن خداوند است؛ آن را به هرکس از بندگان که خواهد، به ارث دهد و سرانجام کار تنها از آن تقوا پیشگان است. در تفسیر این آیه که تحقق واقعی آن در زمان ظهور است از یک جامعه با تقوا سخن می‌گوید که مالک زمین می‌شوند امام باقر علیه السلام فرمود: «دولت ما آخرین دولتهاست، هر خاندانی که توانایی سلطنت دارند، پیش از ما به سلطنت می‌رسند تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند، نگویند اگر ما به سلطنت می‌رسیدیم مانند اینان (آل محمد) عمل می‌کردیم، و این معنی آیه شریفه وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ است»^۱ باید به این نکته توجه داشته باشیم که نمود تقوا به طور کامل، در زمان حکومت امام عصر ارواحنا فدا خواهد بود.

شاخصه دوم: توانایی و تخصص کارگزاران

۱. توانایی و تخصص کارگزاران در قرآن

مدیری که دانش و تخصص نداشته باشد، برای مدیریت شایستگی ندارد. تفاوتی نمی‌کند که این آگاهی و تخصص را از راه علم به دست آورده است یا از راه تجربه باشد. با تأملی بر داستان حضرت یوسف علیه السلام ظرافت این مطلب بیشتر مشخص می‌شود. زمانی که حضرت یوسف علیه السلام را از زندان مصر آزاد کردند و به او پیشنهاد منصب داده شد، وی کار کشاورزی و اقتصاد را از میان پست‌های دیگر پذیرفت. در این باره قرآن کریم می‌فرماید:

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ»^۲ مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.

تعبیر حضرت که می‌فرماید: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» دلیل بر اهمیت دانش و تخصص در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است.

قرآن کریم این نکته مدیریتی را در داستان «طلوت» متذکر شده است و یکی از معیارهای انتخاب وی را «علم و دانش» معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ»^۳ خداوند او را برای شما برگزیده است و علم و دانش او را وسعت بخشیده است. قرآن با

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. یوسف: ۵۵.

۳. بقره: ۲۴۷.

رد معیار های باطل بنی اسرائیل برای رهبری، از «دانش و تخصص» به عنوان یکی از مهمترین شاخصه های رهبری و مدیریت جامعه تعبیر می نماید. خطر عمل کردن بدون علم و آگاهی در روایات بسیاری نیز مورد اشاره واقع شده است، به گونه ای که آن را یکی از موجبات فساد می داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ عَمِلَ غَيْرَ عِلْمٍ كَانِ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ»^۱ کسی که بدون آگاهی و دانش کاری انجام دهد، فسادش بیشتر از صلاحش خواهد بود.

۲. توانایی و تخصص کارگزاران در روایات و سیره امیرالمومنین علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در بخشی از عهدنامه خود خطاب به مالک اشتر فرمودند: در امور کارگزاران حکومت دقت کن و آنان را پس از آزمایش به کارگیر، از راه هوا و هوس و خودرأیی آنان را به کار مگمار، زیرا هوا و هوس و خودرأیی، جامع همه بخشی از ستم و خیانت است. از عمال حکومت، کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیاند و از خانواده های شایسته و در اسلام پیش قدم ترند، چرا که اخلاق آنان کریمانه تر و خانواده ایشان سالم تر و مردمی کم طمع تر و در ارزیابی عواقب امور دقیق ترند...»^۲

آنچه در فرمایش حضرت تاکید فراوانی دارد شایسته سالاری است، چنانچه در بیان امام علی علیه السلام در کلام ۱۳۱ نهج البلاغه آمده است که کسی که در جایی قرار گیرد که علم و تخصص لازم را نداشته باشد دیگران را به گمراهی می کشاند و در جایی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود «که هرگاه کار به ناشایست سپرده شود منتظر هلاکت باشید».^۳ از این رو امام علی علیه السلام می فرماید: یکی از نشانه های مدیریت و رهبری صحیح جامعه اسلامی آن است که او باید داناترین مردم به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و امر ونهی الهی و هر آنچه مردم بدان نیازمندند، باشد.^۴ دانستن «هر آنچه مردم به آن نیازمندند» همان تخصص و برخورداری از دانش «مدیریت» است که امیرالمومنین علیه السلام به آن اشاره دارند.

در میان کارگزاران حضرت چهره های درخشانی بودند که علی علیه السلام مخصوصاً به ستایش آنان پرداخته و لیاقت و شایستگی آنها را امضا و تایید فرموده اند، سرآمد آنان مالک اشتر بود که حضرت او را «شمشیر خدا، و مطیع امام معرفی کرد و به هنگام شهادتش فرمود: «و هَلْ قَامَتْ

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲.

۲. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۹.

۳. بیهقی، السنن الکبری، ص ۲۳۱.

۴. دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۳۳.

النساء عن مثل مالک و هل موجود کمالک»^۱ آیا زنها از آوردن مثل مالک عاجز نخواهند بود و آیا مثل او یافت می‌شود؟ چهره درخشان دیگر حذیفه بن یمان است که حضرت در حقش فرمود: «هومن اراضی بهدها و ارجو صلاحه»^۲

۳. توانایی و تخصص کارگزاران در مهدویت

بی شک کسانی که در ظهور همگام با امام عصر نقش آفرینی می‌کنند و جهان را پر از عدل و داد می‌کنند، شایستگان عالمند، چنانچه در روایات از یاران خاص حضرت با عناوین زیر یاد شده است: «رجال الهیون، مردان نرم خو»، «رجال مسومه، مردان نشانمند»، «اصحاب الالویه، یاران سرسپرده»، «امراء، امیران»، «وزراء، وزیران»، «خیر الامه، بهترین‌های امت»، «ذخر الله، ذخیره‌های الهی»، «نقباء، شایستگان»، «خواص، خاص و ممتاز»، «اولی قوه، صاحبان قدرت»، «حکام الله فی ارضه علی خلقه، حاکمان الهی در زمین»، «الحکام علی الناس، حاکمان بر مردم»^۳.

آنان بهترین امت اند که با نیکان اهل بیت همراه هستند؛ «أُولَئِكَ هُم خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ آبِرَارِ الْعِتْرَةِ...»^۴ بدون تردید تدبیر در این ماموریت‌ها که در روایات تبیین شده اند، ماهیت یاران خاص و کابینه دولت حضرت مهدی علیه السلام را روشن تر می‌سازد. معلوم می‌شود که آن حضرت بهترینها را برای اداره جهان بر می‌گزیند و ستونهای مستحکم بنای رفیع حکومت جهانی را بر آن استوار می‌سازد و این تعداد به تعبیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله خالص ترین و برترین وزیران حضرت مهدی علیه السلام هستند؛ «وُزَرَاءُ الْمَهْدِيِّ... وَ هُمْ أَخْلَصُ الْوُزَرَاءِ وَ أَفْضَلُ الْوُزَرَاءِ»^۵ آنها کسانی اند که قدرت اجرایی فوق العاده ای دارند و می‌توانند مملکتی را اداره کنند. یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام در حوزه مسئولیتی خویش مدیریت علمی دارند، با مدیریت غیر علمی نمی‌توان جهان را اداره کرد، و مدیریت علمی آنان بر اساس موازین اسلامی و منطبق بر کتاب و سنت است. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

۱. فیض الإسلام، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۹۸۹.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۵۹.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۴۷۳.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۵.

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»^۱ ای مردم! سزاوارترین کس در امر حکومت و مدیریت، قوی ترین آنان و آگاه ترین آنها به امر خدا در آن است. لذا یاران امام عصر از نظر علمی در بالاترین درجه قرار دارند.

شاخصه سوم امانتداری

۱. امانتداری کارگزاران در قرآن

عده ای از انبیا که در قرآن منسب حکومتی داشتند، دارای ویژگیهایی هستند که الگویی را برای ما ترسیم می کند، مثل حضرت یوسف علیه السلام، پادشاه مصر حضرت یوسف علیه السلام را قدرتمند و امانتدار نامید: «لدینا مکین امین»^۲ در مجمع البیان مرحوم طبرسی در مورد آیه: «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم»، می نویسد که «حفیظ در آیه، به معنای نگه دارنده و دبیعه است. گفتنی است از این که یوسف علیه السلام برای رسیدن به مقام خزانه داری، از خود به صفت «حفیظ» و «علیم» یاد می کند، استفاده می شود که کارگزار حکومت، باید امین باشد»^۳.

یکی دیگر از آیاتی که بحث امانتداری یکی دیگر از پیامبران را اشاره دارد آیه «قالت احداهما یا ابت استاجرہ ان خیر من استاجر ت القوی الامین»^۴ یکی از آن دو دختر گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد و او همین مرد است.

امانت و درستکاری او، آن زمان روشن شد که در مسیر خانه شعیب راضی نشد دختر جوانی پیش روی او راه برود، چرا که باد ممکن بود لباس او را جابجا کند»^۵.

۲. امانت داری کارگزاران در روایات و سیره امیرالمومنین علیه السلام:

امیرالمومنین در نهج البلاغه به صراحت مسؤولیت حکومتی را امانت الهی می داند و می فرماید: «و إن عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک أمانة و أنت مسترعی لمن

۱. دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۳۳.

۲. یوسف: ۵۴.

۳. طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۱۵.

۴. قصص: ۲۶.

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۴.

فوقک^۱ «همانا این فرمانداری تو برای طعمه ای نیست؛ بلکه امانتی بر گردن تو می‌باشد و تو از جانب مقام ما فوق خود مأمور به رعایت آن هستی». لذا حضرت بسیار در مورد امانتداری کارگزاران، حساس بودند بطوری که وقتی خبری از تخلفات مالی یکی از کارگزارانش به حضرت رسید، خطاب به او می‌نویسد: «أما بعد فقد بلغنی عنک أمر إن كنت فعلته فقد أسخطت ربک و عصیت إمامک و أخزیت أمانتک»^۲. همانا خبری درباره تو به من رسیده که اگر درست باشد، پروردگارت را به خشم آورده‌ای و امامت را عصیان کرده‌ای و در امانت خیانت ورزیده‌ای. حضرت بیت المال را، امانتی می‌داند که از جانب حاکم اسلامی در اختیار کارگزاران گذاشته شده است، چنانچه به یکی از کارگزاران خود، که به بیت المال دست درازی کرده بود، می‌فرماید: «اما بعد فانی كنت أشرکتک فی أمانتی ولا الأمانة أذیت»^۳؛ همانا من تو را در امانت خود شریک گرداندم؛ ولی تو این امانت را ادا نکردی.

خود امیرالمومنین علیه السلام در رأس این صفت امانتداری بود تا حدی که مخالفین و علمای اهل سنت هم به امانتداری او اعتراف کرده اند؛ کنزالمعال این روایت را از احمد بن حنبل و حافظ ابونعیم آورده است: «ان علیا کان یکنس بیت المال ثم یصلی فیه رجاء ان یشهد له یوم القیامه انه لم یحیس فیه المال عن المسلمین»^۴؛ همانا علی بعد اتمام تقسیم بیت المال، آنجا را جاروب می‌کرد سپس نماز می‌خواند بر این امید که روز قیامت شهادت داده شود که او مالی از مسلمین را نگه نداشته است.

حضرت در اهمیت امانتداری به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «هرگز در استخدام کارگزاران و حکمرانان خود، وساطتی را جز وساطت کاردانی و امانت می‌پذیر»^۵

۳. امانتداری کارگزاران مهدوی

طبق احادیث شریف، سیره عملی امام عصر، همان سیره اجداد طاهرینش می‌باشد، بطوری که در روایت نبوی داریم که: «هو رجل منی اسمه کاسمی یحفظنی الله فیه و یعمل بسنتی»؛^۶ او

۱. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵، ص ۳۴۵.

۲. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۴۰، ص ۳۸۹.

۳. همان، نامه ۴۱، ص ۳۸۹.

۴. بیهقی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۰۷.

۵. دشتی، نهج البلاغه، نلمه ۵۳، ص ۴۰۳.

۶. حرعاملی، اثبات الهداه، ج ۵، ص ۱۱۶.

مردی است از من، که هم نام من است و خداوند او را مایه حفظ دینم قرار داده و به سنت و روش من عمل خواهد کرد. وهمچنان که پیامبر خدا صلوات الله علیه و اله حتی قبل از پیامبری مشهور به امانت داری بودند چنانچه ابن سعد در طبقات می گوید: پیش از آن که به پیامبری رسد از نظر مردانگی و خوش خویی و آمیزش با مردمان و گفتار با آنان و حلم و امانتداری و راستگویی و به دور بودن از ناسزاگویی و آزاررسانی، بهترین قوم خویش بود. دیده نشد که با کسی به خصومت و ستیز بپردازد تا آنجا که قومش او را امین خواندند. چون خداوند خصلتهای شایسته را در او جمع کرده بود^۱ به خاطر همین شباهت، در سیره امام زمان علیه السلام در انتخاب کارگزاران عنایت خاصی به امانتداری دارند چنانچه در زمان غیبت صغری، نواب ایشان از این خصلت بهره داشتند. روزی، برخی افراد که از شخصیت جامع و کامل نایب وی آگاهی نداشتند، از ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی می پرسند: چرا به جای حسین بن روح، تو برای این مسؤولیت خطیر انتخاب نشدی؟ ابوسهل در جواب آن بی خبران می گوید: امامان معصوم علیهم السلام بهتر می دانند چه کسی سزاوار این منصب الهی و بلند است. سپس ابوسهل به نکات دقیقی اشاره می کند که به روشنی از فراست، شجاعت، امانتداری، قاطعیت و مدیریت شایسته نایب سوم حکایت می کند، او در ادامه جواب می گوید: «... من مردی هستم که همواره با دانشمندان غیر شیعه و دشمنان ائمه اطهار علیهم السلام بحثهای علمی و مناظره اعتقادی دارم. احتمال دارد به هنگام برخورد و بحث با آنها وقتی به تنگنا دچار شدم اسرار شیعه را فاش سازم و مکان امام زمان علیه السلام را برای آنان بازگو کنم. ولی حسین بن روح، اگر امام علیه السلام در دامنش پنهان باشد و او را پاره پاره کنند هرگز به یک چنین کاری دست نمی زند.»^۲

امانتداری یک شاخصه مهمی است که برای شناسایی افراد شایسته به عنوان یک محک خوب معرفی شده است، در حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که: «لا تنظروا إلی طول رکوع الرّجل و سجوده فإنّ ذلک شیء اعتاده فلو ترکه استوحش لذلک و لکن انظروا إلی صدق حدیثه و أداء أمانته»^۳ به طول رکوع و سجده‌ی شخص نگاه نکنید؛ چراکه این کار عادت او شده است. به طوری که اگر آن را ترک کند، دچار وحشت می شود؛ اما به درستی گفتار و امانتداری او بنگرید.

۱. سیره معصومان، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. أعلام الهدایة، ج ۱۴، ص ۲۲۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

امانتداری یکی از سنتهایی است که امام عصر آن را زنده خواهند نمود. از زبان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چنین نقل شده است: «و القی فی تلك الزمان الأمانة علی الأرض، فلا یضر شیء شیئا و لا یخاف شیء من شیء، ثم تكون الهوام و المواشی بین الناس فلا یؤذی بعضهم بعضا».^۱ در آن زمان، امانت‌داری را روی زمین برقرار سازم که هرگز چیزی را تلف نکند و کسی از چیزی نترسد»

شاخصه چهارم: ساده زیستی

۱. ساده زیستی کارگزاران در قرآن

یکی از صفات مورد تاکید قرآن برای همگان مخصوصا پیامبران و کسانی که در رأس جامعه هستند، ساده زیستی می‌باشد. خداوند متعال در قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛^۲ بگو، من از شما پاداشی نمی‌طلبم و من از متکلفان نیستم.

همچنین در قرآن کریم در مورد قوم عاد، به صورت استفهام انکاری، رفاه کاذب و بیهوده را مانع حق‌پذیری و عدم اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و اله معرفی نموده است: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ...» در تفسیر نور یکی از پیام‌های این آیه را چنین دانسته است که تمدن و رفاه کاذب، عامل غرور و مانع حق‌پذیری است.^۳ قرآن یکی از علت‌های سقوط و نابودی امتهار را دوری از ساده زیستی معرفی میکند و خوش‌گذرانی را عامل سقوط می‌شمارد و می‌فرماید: «وَمَ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا»؛^۴ چه بسیار قریه‌ها را از میان بردیم که از زندگی خود گرفتار سرمستی بودند. در جایی دیگر به انکار کردن پیامبران از سوی کسانی که زهد و ساده زیستی را رعایت نکرده و در استفاده از لذایذ نعمت‌ها زیاده روی کرده‌اند، اشاره نموده و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»؛ و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیمدهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌فرماید: زیاده

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۴۸.

۴. قصص: ۵۶.

روی در لذاذید کار آدمی را به جایی می‌کشاند که از پذیرفتن حق استکبار ورزد.^۱ بنابر نص صریح این آیه، روشن است که رعایت زهد و ساده زیستی، پذیرش دعوت به حق پیامبران را آسان و حتمی کرده و جامعه را به هلاکت و نابودی نخواهد رسانید.

۲. ساده زیستی کارگزاران در سیره علوی

علی علیه السلام فلسفه زهد و ساده زیستی حاکمان اسلامی را همدردی با فقیران و محرومان بیان می‌کند: «ان الله فرض علی ائمة العدل ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس کیلا یتبیع بالفقیر فقره»^۲؛ خداوند بر حاکمان عادل واجب کرده است که زندگانی خویش را در سطح مردم فقیر قرار دهند. تا رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند.

با توجه به اهمیت ساده زیستی است که علی علیه السلام عثمان بن حنیف استاندار بصره را به خاطر شرکت او در مجلسی که فقیران حضور ندارند و از غذاهای رنگارنگ استفاده شده، مزمت کرده و چنین می‌فرماید: «... امام و رهبر شما از دنیا به جامه و از غذا به دو قرص نان اکتفا کرده است. اگر بخواهم می‌توانم غذای خویش را از عسل مصفی و مغز گندم و لباس خویش را از ابریشم قرار دهم»^۳.

احنف بن قیس می‌گوید: روزی به دربار معاویه رفتم، وقت نهار آن قدر طعام گرم، سرد، ترش و شیرین پیش من آوردند که تعجب کردم. آنگاه طعام دیگری آوردند که آن را نشناختم. پرسیدم: این چه طعامی است؟ معاویه جواب داد: این طعام از روده‌های مرغابی تهیه شده، آن را با مغز گوسفند آمیخته و با روغن پسته سرخ کرده و شکر نیشکر در آن ریخته اند. احنف بن قیس می‌گوید: در اینجا بی اختیار گریه ام گرفت و گریستم. معاویه با شگفتی پرسید: علت گریه ات چیست؟ گفتم: به یاد علی بن ابیطالب علیه السلام افتادم، روزی در خانه ی او بودم، وقت طعام رسید. فرمود: میهمان من باش. آنگاه سفره ای مَهر و موم شده آوردند. گفتم: در این سفره چیست؟ فرمود: آرد جو گفتم: آیا می‌ترسید از آن بردارند یا نمی‌خواهید کسی از آن بخورد؟ فرمود: نه، هیچ کدام از اینها نیست، بلکه می‌ترسم حسن و حسین علیه السلام بر آن روغن حیوانی یا روغن زیتون بریزند. گفتم: یا امیرالمؤمنین مگر این کار حرام است؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۵۷۸.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

۳. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹۵.

فرمود: لا وَ لَکِن یَجِبُ عَلَی اَئِمَّهِ الْحَقِّ اَنْ یُقَدِّرُوا اَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ لِئَلَّا یَطْغَى الْفَقِیْرَ فَقْرُهُ؛ نه، بلکه بر امامان حق لازم است در طعام مانند مردمان عاجز و ضعیفیت باشند تا فقر باعث طغیان فقرا نگردد.^۱

۳. ساده زیستی در کارگزاران مهدوی

امام صادق علیه السلام در پاسخ پافشاری دوستان برای قیام و شتاب در خروج قائم علیه السلام، در وصف این ساده‌زیستی و تلاش یاران حضرت مهدی علیه السلام، فرمود: «مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهُ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ»^۲؛ چرا در خروج قائم شتاب می‌ورزید. به خدا سوگند لباسش درشت و غذایش ناچیز است.. آری اینگونه ساده زیستی توام با جهاد و فعالیت است. لذا ستم دیدگان جهان، آزادی خود را در دست آن پاک بازان می‌بینند و از سراسر گیتی به یاری آنها می‌شتابند. درستی گفتار و شعارشان را در کردارشان می‌بینند و در پی دیدن نشانه‌های پاکی و راستی به درگاهشان روی می‌آورند. باید تذکر بدهیم که طبق روایات ساده زیستی لازمه تقواست، لذا در روایاتی در وصف اهل تقوا و پرهیزکاران آمده: «إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخْفَ أَهْلَ الدُّنْيَا مَوْؤَنَةً وَ أَكْثَرَهُمْ مَعُونَةً»^۳ به درستی تقوایندگان، کم هزینه‌ترین مردم و بیشترین کمک کار آنان هستند .

امام علی علیه السلام در مورد زید بن صوحان از یاران و فرماندهان به نام خود فرمود: «رَجِمَكَ اللَّهُ يَا زِيد، قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمَوْؤَنَةِ وَ عَظِيمَ الْمَعُونَةِ»^۴ ای زید خدا تو را رحمت کند، به راستی کم هزینه و بیشترین کمک کار مردم بودی امروزه هم باید مسؤولین کشور ما اگرچه از خانواده‌های با تمکن مالی باشند، اما لازم است پیرو سیره حکومتی علوی و مهدوی ساده زیستی را در برنامه خویش قرار دهند و رنج محرومان را دوچندان نکنند.

شاخصه پنجم: بصیرت

۱. بصیرت کارگزاران در قرآن

در جاهای مختلف قرآن خداوند مصداق بارز انسانهای با بصیرت را، پیامبران الهی معرفی

۱. بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۵ ص ۴۵.

۲. نعمانی، العیبه، ص ۲۳۳.

۳. حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۷.

۴. الفارات، ج ۲، ص ۸۹۴.

می‌کند و آنها را الگویی برای همگان قرار داده است، مثلاً در سوره صاد می‌فرماید: «وَأذْكَرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»^۱ و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و با بصیرت بودند یاد نما.

علامه طباطبایی درباره این دو ویژگی انبیای بزرگ، جمله پر مفهومی گفته است و به نکته ای لطیف اشاره دارد که صاحب دست و چشم بودن انبیای نامبرده، کنایه از آن است که آنان در طاعت خدا و رساندن خیرات به مردم و شناخت اعتقاد و عمل درست، بسیار توانمند بودند.^۲ پس بصیرت مثل چراغ راه کارگزار را در بحبوحه‌های سیاسی اجتماعی حفظ می‌کند. باز در جای دیگر قرآن راه انبیا، راه با بصیرت معرفی شده است.

در سوره یوسف آمده است که: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۳ بگو این راه من است و من و پیروانم همگان را با بصیرت به سوی خدا می‌خوانیم. بصیرت دینی فهم عمیق دینی و بینایی و دید نافذی است که از شناخت درست و عمل به آموزه‌های دینی به دست می‌آید و کارگزار با بصیرت، پیرو آموزه‌های قرآنی به این مهم توجه دارد.

۲. بصیرت در روایات وسیره علوی

مالک اشتر نمونه یک کارگزار با بصیرت است که از زبان امام علی علیه السلام معرفی شده است: مالک کسی است که در موقع خوف و خطر، به دشمن پشت نمی‌کند. در مقابل خرمن فجار و کفار، اخگر است و حتی سوزاننده‌تر، در مواقع اضطرار، بر خلاف اکثری که فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند، او خواب را بر خود حرام می‌کند. او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه کُند می‌شود و نه ضربتش بی‌تأثیر می‌گردد. قول و امر مالک، گوش کردن دارد؛ چرا که امکان ندارد در کار تند شود یا سستی کند؛ مگر اینکه از من (امام علی) فرمان گرفته باشد. اگر می‌خواهید او را به کوه تشبیه کنید، بهتر است اضافه کنید کوه تک و منفرد، مرگ‌های معمولی آن‌چنان گریه کردن ندارد؛ اما بر مرگ مالک، سزاوار است گریه‌کنندگان چون ابر بهار گریه کنند، آیا امید می‌رود که دیگر نظیری برای مالک پیدا شود و زنی، فرزندی چون مالک به دنیا آورد؟ من

۱. ص: ۵.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۱.

۳. یوسف: ۱۰۸.

مصیبت مالک را پیش خدا می‌برم؛ چون از سوگ‌های روزگار است، با وجود اینکه با خودمان قرار گذاشته بودیم که بعد از مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمام مصیبت‌ها خود نگه‌دار باشیم، اما گویا مصیبت مالک قرار ما را بر هم زد. در عظمت مالک همین بس که عالمی را با مرگ خود فرو ریخت و غصه‌دار کرد. مالک برای من، چون من برای پیامبر بود، من از مالک راضی هستم.^۱

مالک اشتر با این ویژگی و شایستگی‌ها که فرمانده سپاه حضرت و والی و فرماندار مصر می‌شود و یار حضرت است اما در مقابل، ابوموسی اشعری، نه تنها در جنگ جمل کمک نکرد، بلکه مردم را به سکوت دعوت کرد و افکار معیوبش خوارج را متولد ساخت و در جنگ صفین با بی بصیرتی در دام عمروعاص افتاد. حضرت علی علیه السلام بارها فرمودند که حق را با حق بشناسید این نمونه کامل با بصیرتی و بی بصیرتی افراد است که در تاریخ روشن است.

۳. بصیرت در کارگزاران مهدوی

بصیرت در کسانی که مسئولیت در دولت حق دارند یک لازمه اساسی است چنانچه در روایت داریم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَهُمُ النَّجْبَاءُ وَالْقَضَاءُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ»^۲ آن گروه که قائم هنگام قیام خویش با او کار می‌کنند، نجیبان، قاضیان، حاکمان شرع، فقیهان و دین‌شناسانی هستند که (برکت و) مسحه الهی یافته‌اند؛ به گونه‌ای که هیچ حکمی بر آنان اشتباه نمی‌شود.

کارگزاران مهدی علیه السلام از بصیرت و روشن بینی قابل توجهی برخوردار است که می‌توانند در فتنه‌های آخر الزمان کنار حضرت باشند و پای آنها نلغزد. برخی روایات، این ویژگی آنان را به قندیلهایی تشبیه کرده‌اند که دل‌هایشان را روشن کرده است، «كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ»^۳ قلبهای آنها مثل استوانه‌های محکم میماند که در لغزشگاهها نمی‌لرزد و ثابت قدمند. یاران مهدی علیه السلام شمشیرها را در راه حق آخته‌اند و بصیرتی را که در کار دین دارند را آشکار خواهند کرد. «... حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسَىٰ أَفْهِمٍ وَ دَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَعِظِهِمْ» آنان به جهت چنین بصیرتی از رفتن کسی وحشت نمی‌کنند و از آمدن کسی به جمع خود

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۹۸.

۲. صافی، منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

پایکوبی نمی‌کنند «... لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَىٰ أَحَدٍ، وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ دَخَلَ فِيهِمْ...»^۱

شاخصه ششم: تبعیت از امام و مطیع محض بودن (ولایت‌مداری)

۱. ولایت‌مداری در قرآن

اطاعت محض از خدا و رسول و اولولامر در آیات قرآن خود از یک سرسپردگی به ولایت، در ادامه خط نبی اکرم را می‌رساند:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید

خدا را اطاعت کنید و پیامبر ﷺ و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

اولی الامر؛ همان اهل بیت علیهم‌السلام و مفسران کتاب خدا هستند آنها کسانی بغیر حضرات معصومین علیهم‌السلام نیستند و چنانچه تبعیت و اطاعت از خدا و رسول مطلق آمده، اطاعت از امام معصوم هم مطلق است و قیدی ندارد و این همان تبعیت محض از امام است.

یکی دیگر از آیات که به تبعیت محض از ولی خدا، اشاره دارد در سوره حجرات است؛ در ابتدای سوره، تبعیت از پیامبر را گوشزد میکند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول او پیشی مگیرید و پیشدستی مکنید...»، پیشی نگرفتن و پیش دستی نکردن یعنی؛ هیچ حکمی را بر حکم خدا و پیغمبرش مقدم ندارید. پیش از فهم و دریافت سخن و دستور خدا و رسول درباره حکم چیزی، سخنی نگوئید، پیش از اخذ فرمان از خدا و پیغمبرش، عملی را انجام ندهید. در جایی که خدا و پیغمبرش حکمی دارند، شما حکم نکنید، یعنی حکمی نکنید مگر به حکم خدا و رسول او، و باید که همواره این ویژگی در شما باشد که پیرو و گوش بفرمان خدا و رسول باشید. یکی از شان نزولهای این سوره در صحیح بخاری اینگونه آمده است که: «بنی تمیم آمدند خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که برای قبیله ما رهبری را معین کن، خلیفه اول و دوم هر کدام کاندیدایی برای اینکار تعیین کردند و باهم گفتگو می‌کردند، آیه نازل شد که بنی تمیم از پیامبر کسی را می‌خواهند شما دخالت می‌کنید لا تقدموا بین یدی الله»^۴

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۲. نسا: ۵۹.

۳. حجرات: ۱.

۴. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۲۳.

قرآن تاکید فراوان در مطیع محض بودن، نسبت به کارفرمایان عالم را سفارش نموده است، بدون شک کارگزاران در مرتبه بالاتری از این تاکید را به خود اختصاص می‌دهند، چنانچه حتی خداوند یکی از صفات پسندیده فرشتگان الهی را تبعیت و گوش به فرمان بودن خدا می‌داند و سوره انبیا می‌فرماید: «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۱، آنها درسخن بر او پیش نمیفتند و به امر او مطیعند.

۲- تبعیت محض کارگزاران در سیره علوی و روایات

اطاعت از رهبری در کارگزاران تأکیده‌های فراوانی داشته است و برای نمونه می‌توان به حدیث شریف امیر المؤمنین علیه السلام آنجا که فرموده اند: «فحق علی الناس ان یسعموا له و ان یطیعوا و ان یجیبوا اذا دعا»^۲ یعنی: «حقی که امام به گردن مردم دارد این است که کلام او را گوش کنند و از او اطاعت کنند و هنگامی که آنها را به کاری دعوت می‌کند، تبعیت کرده پاسخ مثبت دهند». در مورد اطاعت کارگزاران باید گفت که به مراتب بالاتر باید کارگزاران از عامه مردم مطیع تر باشند و گوش به فرمان رهبر خویش باشند، همانند مالک اشتر در جنگ صفین که با خدعه قرآن به سر، امام خود را تنها نگذاشت اما عده ای از فرماندهان بی بصیرت، با عدم اطاعت و حتی مقابل امام خود ایستادن پیروزی نبرد صفین را نافرجام گذاشتند، هم چنین امیرالمومنین علیه السلام در آغاز حکومت خویش هشدار می‌دهند چنانچه در تبعیت از امام، اخلاص وجود نداشته باشد، مستقیماً حکومت اسلامی در معرض تهدید قرار می‌گیرد و این نعمت از مردم سلب می‌شود:

«و الله لتغفلن او لتنقلن الله عنکم سلطان الاسلام ثم لا ینقله الیکم ابدا حتی یأرز الامر الی غیرکم»^۳ به خدا سوگند اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خداوند دولت اسلام را از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید و در دست دیگران قرار خواهد داد.

نمونه کارگزار مطیع حضرت علی علیه السلام، محمد بن ابی بکر است که در مورد او فرمودند: «محمد فرزند من بود ولی از صلب ابو بکر به وجود آمد»^۴ و در نامه ای که بعد شهادت او به

۱. انبیا: ۲۷.

۲. بیهقی، کنز العمال، ج ۵، ص ۷۴۶.

۳. دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹، ص ۳۵۶.

۴. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۵۸.

ابن عباس، نوشتند از خصوصیات او، تبعیت و ولایتمداری او را یاد کرده است. شهادت محمد بن ابی بکر و فتح مصر از سوی شامیان بر حضرت علی علیه السلام بسیار گران آمد. حضرت علی علیه السلام در خطبه ای اهمال و سستی مردم کوفه و عدم اطاعت آنان را در کمک به محمد مورد نکوهش قرار داد.^۱ یکی دیگر از افراد مطیع محض امامت و ولایتمداری که الگوی وفا و ادب است حضرت قمر

بنی هاشم عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام است که در زیارت نامه ماثور او آمده:

«السَّلَامُ عَلَيكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ سَلَّمَ»^۲ سلام بر تو ای عبد صالح که مطیع خدا و رسول و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام بودی.

۳. ولایتمداری و تبعیت محض کارگزاران مهدوی

کارگزاران حضرت ولیعصر عجل الله فرجه امام خود را به شایستگی می‌شناسند و به او اعتقاد دارند؛ «الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۳ سرسپردگان به امامتش هستند، این معرفت، شناخت شناسنامه ای نیست بلکه معرفت به حق ولایت است.

کارگزاران صالح در زمان ظهور حضرت، امورات حکومتی را بر عهده خواهند گرفت. با استناد به آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء، صالحان وارثان زمین خواهند بود:

«وَأَقْلَدُ كَثَبًا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و به تحقیق نوشتیم در زبور بعد از تورات که زمین را صالحان به ارث خواهند برد.

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

«هم؛ اصحاب المهدی علیه السلام فی آخر الزمان»^۴ منظور از اینان که زمین را به ارث می‌برند، یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند که در واپسین حرکت تاریخ و آخرالزمان خواهند آمد.

انبوه روایات در باره قیام امام مهدی علیه السلام این دیدگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله را تأیید می‌کند که فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلا صالحا من

۱. دشتی، نهج البلاغه، نامه ۳۵.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۵۷.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱ ص ۷۱.

۴. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۴۶.

اهل بیتی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما قد ملئت ظلماً و جوراً^۱ اگر تنها یک روز از عمر این جهان باقی مانده باشد، خدا آن روز را به گونه ای طولانی می‌کند که مردی شایسته کردار و اصلاحگر از خاندان مرا برانگیزد و او به یاری حق زمین و زمان را همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده است، لبریز از عدل و داد سازد.

در تفسیر معروف «مجمع البیان» در ذیل آیه ۱۰۵ انبیا از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «برخی از مفسران از واژه «عبادی» که موصوف «الصالحون» است، به دلیل نسبت یافتن آن با مسئله خدا، ایمان و توحید را از بارزترین ویژگی های بندگان صالح شمرده اند»^۲.

پس «صالحون» معنای گسترده و پر شمولی دارد که همه شایستگی ها در حوزه رفتار، اندیشه و شناخت، قدرت و توانایی و مدیریت را در بر می‌گیرد و زمین از شرک و معصیت پیراسته شده و ساکنان آن جز خدا را نپرستند این صالحان در آیات دیگر قرآن از خصوصیات بارز آنها تبعیت محض از خدا و رسول و ولایت‌مداری است چنانچه در آیه ۶۹ سوره نساء که تفسیر نعمت داده شده گان در آیه «صراط الذین انعمت علیهم» چهار گروه انبیا و صدیقین و شهدا و صالحان هستند از خصوصیات این چهار گروه که در ابتدای آیه ۶۹ نساء آمده، اطاعت و تبعیت محض از خدا و رسول است.

نتیجه گیری

شایسته سالاری در کارگزاران از سفارشات قرآن است، این مهم در سیره امیرالمومنین علیه السلام بروشنی خود را نشان داده است، کنکاش در این سیره الگوی روشنی را برای آیندگان در مدیریت و انتخاب کارگزاران خواهد داشت، آنچه ما در این پژوهش یافتیم این بود که؛ تکمیل کننده این سیره بدست با لیاقت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد بود. و شناخت این ویژگیها میتواند الگوی موفق را پیش روی جامعه تداعی نماید، امروزه اگر حکومت اسلامی از شاخصه‌های کارگزاران علوی و مهدوی استفاده نماید راهی برای بستر سازی ظهور و آینده درخشان خواهد داشت، و جا دارد که چگونگی فعال نمودن و استفاده از ظرفیت های داخلی در کارگزاران فعلی جامعه مورد تحقیق اندیشمندان قرار گیرد.

۱. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص. ۲۸۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

منابع و مأخذ

*قرآن مجید

۱. ابراهیم تفتی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات أو الإستنفار و الغارات (ط - القديمة)، ۲ جلد، دار الكتاب الإسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغۃ لابن أبی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبۃ آیۃ الله المرعشی النجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی - کمره ای، محمد باقر، کمال الدین / ترجمه کمره ای، ۲ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، دار المرتضویۃ - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۵۶ ش.
۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، مؤسسه بعثه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.
۷. بیهقی، السنن الکبری، وردان، البیروت، ۱۹۸۶ م
۸. جمع نویسندگان، سیره معصومان، ادیب، تهران، ۱۳۷۵
۹. الحر عاملی، وسایل الشیعہ، بیروت، دار احیاء التراث العرب. ۱۴۰۳ ق
۱۰. الحر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، ۵ جلد، اعلمی - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. دقایقی، کنز العمال، شاعد البیروت، ۱۴۰۲ ق
۱۲. صافی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)، ۳ جلد، مکتبۃ الگلپایگانی، وحدة النشر العالمیۃ - قم (ایران)، چاپ: ۱، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۳. طباطبائی - المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق
۱۴. طبرسی، مجمع البیان، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۱ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). الغیبۃ، قم، دارالمعارف الاسلامیه.

۱۷. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، ۲جلد، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام - تهران، چاپ: پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درسهای قرآن، تهران، ۱۳۸۳
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، ۸جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. مامقانی، **تنقیح المقال**، انتشارات التراث الاسلامیه، قم ۱۳۷۴
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحارالانوار**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۲. محمد بن اسماعیل بخاری، **صحیح بخاری**، تراث، بیروت، ۱۴۰۷ ه ق
۲۳. مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، قم، معارف، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ه.
۲۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۷ ق.

پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی پایان نامه

پیوست ۲: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۳: معرفی کتاب

بررسی دو مورد از علائم حتمی ظهور (خسف بیداء و قتل نفس زکیه)

محقق: محسن خرم

چکیده

با توجه به اعتقاد همه مکاتب و مذاهب به ظهور موعود آخرالزمان و تعیین سرنوشت بشریت به وسیله این موعود، اهمیت بحث مهدویت، خاصه علائم حتمی ظهور و قیام او، بیشتر روشن می شود. موضوع مورد بحث ما (خسف بیداء و قتل نفس زکیه) به عنوان دو مورد از علائم حتمی ظهور، جایگاه ویژه‌ای را دارا هستند که مطرح شدن آنها در روایات فراوان و تأویل و تفسیر آیاتی از قرآن توسط اهل بیت علیهم السلام و حتمی بودن آنها، اهمیت آنها را مضاعف می کند، لذا این رساله در پی تبیین موضوع مورد نظر، زوایا و جوانب آن تدوین شده است.

بنابراین بعد از بیان مفاهیم و کلیات بحث، ابتدا خسف بیداء را مورد کنکاش قرار داده و خسف بیداء را در آیات و روایات بررسی کرده و سپس به ویژگیها و خصوصیات زمانی و مکانی خسف بیداء پرداخته و در آخر پیامدهای خسف بیداء را مورد توجه قرار می دهیم و به این نتیجه رسیده ایم که در پی خروج سفیانی و شنیده شدن صیحه جبرئیل توسط مردم دنیا، امام عجل الله تعالی فرجه در مدینه ظهور می کنند. با رسیدن خبر ظهور امام به گوش سفیانی، او لشگری را در پی امام به مدینه می فرستد که امام را در آنجا نمی یابند و بعد از سه روز قتل و غارت در مدینه در پی تعقیب امام به طرف مکه رهسپار می شوند که شب هنگام با صیحه جبرئیل در سرزمین بیداء (سرزمین بی آب و علف بین مکه و مدینه) به درون زمین فرو می روند و این ماجرای خسف بعد از ظهور و قبل از قیام امام عجل الله تعالی فرجه محقق می شود.

سپس در قسمت دوم به بحث از قتل نفس زکیه پرداخته و زوایا و جوانب آنرا مورد بررسی قرار داده ایم که در این قسمت ابتدا نام و القاب و مصادیق نفس زکیه و در گفتارهای بعدی حسب و نسب و زمان و مکان شهادت و ویژگیهای او را مورد تحقیق قرار داده ایم تا بحثی تام

جلوه کند.

و نتیجه این که نفس زکیه شخصی است از نسل آل محمد که دارای شخصیتی پاک و طاهر و رشدیافته و متکامل و همنام با پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که ۱۵ شب قبل از قیام حضرت در ۲۵ ذی‌الحجه در بین رکن و مقام به شهادت می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: علائم، ظهور، خسف بیداء، قتل نفس زکیه

رساله علمی سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

شیوه‌های تربیت مهدوی فرزندان

محقق: احمد افتخاری اکمل

چکیده

مربیان و والدین در جامعه معتقد به امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشریف مایلند متریان خویش را در مکتب تربیتی امام عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف تربیت نمایند، اما بعضی از افراد با شیوه‌های تربیت مهدوی آشنایی کامل نداشته و یا در صدد دستیابی به شیوه‌های کاربردی تر هستند. از آنجا که صرف آشنایی با مباحث مهدوی برای شکوفایی استعداد های مهدوی انسان کافی نیست؛ لازم است پژوهشگران به صورت علمی و گسترده، به پژوهش در مورد شیوه‌های تربیت مهدوی بپردازند. در این پژوهش با استفاده از شیوه کتابخانه ای و با روش توصیفی تحلیلی به بررسی و پژوهش در این امر مهم پرداخته شده است. تربیت مهدوی با تربیت اسلامی در برخی مبانی، اصول، اهداف و شیوه‌ها متمایز است. مهمترین شاخصه تربیت مهدوی، تربیت براساس نقش نظارتی امام معصوم است. تربیت فرآیندی تدریجی است و برای دستیابی به اهداف مورد نظر آن، لازم است مربی با اصول و شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم تربیت مهدوی آشنایی کامل داشته باشد، و به جای ارائه ی خوراک تربیتی صرف، جان و روح متربی را تشنه نماید. با شرایط و عطا و واعظ و متعظ آشنا باشد. مربی تربیت مهدوی لازم است زمینه الگو سازی توسط متریان را فراهم نماید. باید دانست که شیوه‌های غیر مستقیم تربیت مهدوی بسیار مؤثرتر از شیوه‌های مستقیم هستند، چرا که شیوه‌های غیر مستقیم جریان ساز بوده و محدودیت های شیوه‌های مستقیم را ندارند، این شیوه‌های تربیتی حس کرامت و ارزشمندی متربی را بیشتر از شیوه‌های مستقیم تأمین می‌کنند و از قابلیت گسترش بالایی برخوردار هستند. ادبیات و هنر نقش بی بدیلی در اثر گذاری شیوه‌های غیر مستقیم ایفا می‌نمایند. محبت ورزی گل سرسبد تمامی شیوه‌های تربیتی است.

واژگان کلیدی: تربیت مهدوی، شیوه‌های تربیت، شیوه‌های مستقیم،

شیوه‌های غیر مستقیم، متربی، مربی مهدوی

رساله علمی سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

عوامل تثبیت و تزلزل ایمان در عصر غیبت

محقق: سید عبد الرسول امام

چکیده

با توجه به این که تنها کلید سعادت و کمال انسان، «ایمان» می باشد. ضرورت عقلی است که این سرمایه حیاتی، کسب و محافظت شود. پرداختن به این مهم در دوران غیبت امام زمان علیه السلام اهمیت بیش تری می یابد؛ چرا که به استناد سخنان معصوم علیه السلام، به تاراج رفتن این سرمایه سرنوشت ساز در این دوران، سهل تر از سایر دوران حیات بشر می باشد و در مقابل، پاسداشت آن، هزینه و رنج زیادی می طلبد. در این نوشتار، سعی شده است در جهت حفظ این سرمایه بی بدیل، گام کوچکی برداشته شود.

بدون شک، تثبیت و یا تزلزل ایمان مانند هر پدیده دیگری معلول علتی می باشند. بدین جهت، به دو موضوع مهم و حیاتی در این رساله پرداخته شده است؛ نخست شناسایی و معرفی عوامل تثبیت و تقویت ایمان و دوم شناسایی و معرفی عوامل تزلزل و تضعیف ایمان. این دو موضوع، اگر چه به همه ادوار حیات بشر مربوط بوده، آن ها را نیز در بر می گیرد لکن در این رساله با توجه به عصر غیبت، مورد بررسی قرار گرفته اند. جهت سهولت در شناسایی عوامل تثبیت و تزلزل ایمان و دسته بندی آن ها، عوامل مربوط به هر یک را به دو دسته تقسیم کرده ایم؛ دسته اول، عواملی که مربوط به درون وجود انسان بوده و تحت اختیار وی می باشند که اصطلاحاً عوامل درونی قلمداد می شوند. دسته دوم، عواملی که مربوط به خارج از وجود انسان بوده، غالباً خارج از اختیار وی نیز می باشند که اصطلاحاً عوامل بیرونی محسوب می گردند. روشن است که غرض از شناسایی این عوامل، شناخت بهتر مسیر از حیث مأمّن ها و لغزش گاه ها برای رسیدن به سعادت و کمال هر دو عالم می باشد؛ بر این اساس تلاش شده است تا در پایان این مجموعه، راه کارهایی جهت نیل به این هدف ارائه گردد.

لازم به ذکر است که به جهت رعایت اختصار، سعی شده است عوامل اصلی و کلی، شناسایی و معرفی گردد؛ عواملی که می توانند مصادیق فراوانی با توجه به شرایط زمان و مکان داشته باشند.

کلید واژه‌ها: تثبیت ایمان، تزلزل ایمان، عصر غیبت

رساله علمی سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

نقد و بررسی روایات علائم الظهور عراق

محقق: مهدی حمیدی نژاد

چکیده

نوشتار حاضر با عنوان «نقد و بررسی روایات علائم الظهور عراق» به بررسی روایاتی پرداخته که دربردارنده نشانه‌های ظهور در منطقه عراق است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و اعتبار سنجی روایات از منابع مربوطه - بخصوص منابع دسته اول مهدویت - صورت گرفته و سند روایات، با مبنای وثاقت صدور، بررسی گشته و در ضمن آن به گرد آوری شواهد و قرائن در خصوص قوت و ضعف سند پرداخته شده است. از نتایج تحقیق می‌توان به اعتبار حدیث تصرف شهر کوفه توسط سفیانی پی برد و روایات دیگر - مثل انتقال علم از کوفه به قم، خراب شدن دیوار مسجد کوفه، خسف بغداد و بصره، آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان به کوفه، انتقال حجرالاسود از مکه به مسجد کوفه - دارای اعتبار سندی بالایی نیستند و بعضی از آنها به کمک شواهد و دلایل دیگر تقویت شده‌اند. دستاورد تحقیق نیز تقسیم بندی روایات بر اساس منطقه ای بودن و نقد و بررسی مجموعه روایات مرتبط به یک منطقه (عراق) با در نظر گرفتن شواهد دلالتی و مضمونی است.

واژگان کلیدی: علائم الظهور، روایات علائم الظهور، عراق، کوفه، بغداد، بصره، ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

رساله علمی سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه علمیه استان قم

نقش باورداشت آموزه مهدویت در مواجهه با گسست‌های فعال اجتماعی

گسست‌های فعال اجتماعی، یکی از پدیده‌های اجتماعی - سیاسی است که به ویژه در دوران پس از جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی از اهمیت دوچندانی برخوردار شده و به دلیل اهمیت فراوان خود در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از قبیل علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، روانشناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی مورد مذاقه قرار گرفته است.

در روزگار کنونی که اختلاف‌های قومی، ملیتی و مذهبی متکثر و فراوان‌اند، دستیابی به فهم واحد و مشترک و نیز نیاز به تحقق امت اسلامی، شرط نخست برای رویکرد فرهنگی و تمدنی به آموزه مهدویت است.

بررسی تطبیقی رویکرد جریان «شریعت‌گرای سنتی» و «تمدن‌گرایان

مسلمان» در تبیین آموزه مهدویت

صورت‌بندی فکری در جهان اسلام نشان می‌دهد که متفکران و عالمان دینی در جهان اسلام در نسبت میان آموزه مهدویت و تمدن دارای چه عقلانیتی هستند. به عبارتی اهمیت این موضوع در این مهم نهفته که به راستی رویکرد کلان تمدنی به آموزه مهدویت را از چه جریانی مطالبه‌گر باشیم. به دلیل طیفی بودن این اندیشه‌ها طبقه‌بندی برخی از شخصیت‌ها و گروهایی که در میانه‌های این طیف می‌گنجد با دشواری‌های جدی‌ای همراه‌اند که پژوهش‌های بیشتر این گره‌ها را خواهد گشود.

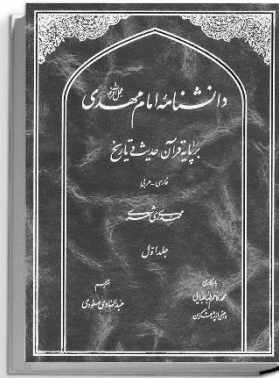
ساختار بندی و بسط دهی ظرفیت‌های فرهنگی ادعیه و زیارات مهدوی

عمل ساختار بندی یعنی از نظر صورت و قالب، اجزا و مقولات مختلف آموزه‌های فرهنگی ادعیه و زیارات مهدوی که «پراکنده» هستند، درون یک ساختار دقیق و منطقی قرار گیرند، و عمل «بسط‌دهی» یعنی از نظر محتوا و مضمون، ادعیه و زیاراتی که نیازمند تبیین و تفسیر هستند با تکیه بر دیگر ادعیه، گسترش و تفصیل یابند. رویکرد «ساختارمند» و «مبسوط» به آموزه‌های فرهنگی معرف مهدوی فراتر و دشوارتر از صرف تبیین و تفسیر است زیرا که نیازمند ابداع چارچوب و شیوه بیانی منطقی و قاعده‌مندی برای عرضه مضامین فرهنگی ادعیه و زیارات مهدوی است.

بازنمایی منابع قدرت نرم گفتمان انتظار در کنش تمدنی اسلام و غرب

نگاهی به عصر فرا صنعت و فرا اطلاعات نشان می‌دهد که در حال حاضر، بیش از هر زمانی زمینه‌ها و بسترهای لازم، هم از جهت مفاهیم و هم از جنبه کاربردی آن، برای پیدایش و شکل‌گیری اجتماع جهانی بر مبنای تفکر و اندیشه اجتماعی وجود دارد؛ زیرا در آن، عنصر ذهنیت و رابطه بین الاذهانی میان اعضای جامعه جهانی در فرایند اجتماعی و جمعی لحاظ شده و ذهن و اندیشه فردی در فرایند ذهنیت اجتماعی معنا می‌یابد و همه اعضای اجتماع در مقیاس محدود یا جهانی آن، از طریق معنا و مفاهیم ایمانی، اخلاقی، معنوی و الهی به یکدیگر می‌پیوندند و جمع واحدی را شکل می‌دهند. این فرایند می‌تواند به تحقق آموزه‌های اجتماعی اسلام کمک کند. البته اگر به آموزه‌های اجتماعی اسلام به مثابه قدرت نرم نگریسته شود.

پیوست ۳: معرفی کتاب



دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

توسط جمعی از نویسندگان موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث آماده و منتشر شده است. انتشار دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن قدر مهم بود که رهبر انقلاب شخصا در مراسم رونمایی این کتاب در میان منشورات دارالحدیث حاضر شدند و ضمن تشکر صمیمانه از تدوین دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را نمونه برجسته‌ای از شناسایی خلأها و مسئله‌یابی درست، و هدیه‌ای ارزشمند به جامعه اسلامی و جامعه علمی دانستند.

این دانش‌نامه ده جلدی شامل یک درآمد، چهارده بخش، و هفتاد فصل است و در آن مسائل مرتبط با موضوع مهدویت، با تکیه بر نصوص معتبر اسلامی (متون آیات و احادیث)، بررسی می‌شود.

عنوان کتاب: دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

نویسنده: محمد محمدی ری شهری

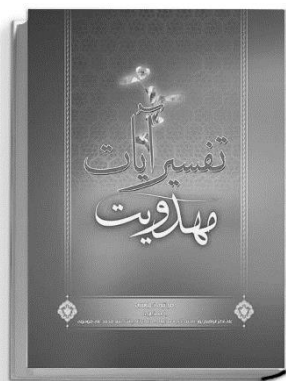
مترجم: عبدالهادی مسعودی

قطع: وزیری

جلد: ۱۰

چاپ: دوم ۱۳۹۳

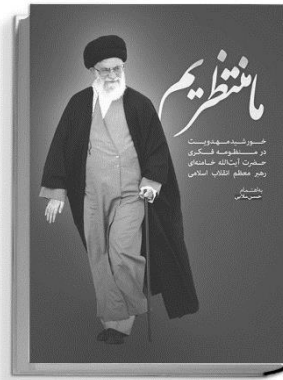
ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث



تفسیر آیات مهدویت

مهدویت از موضوعاتی است که خداوند در آیات قرآن به آن پرداخته است. در این کتاب، نویسنده ضمن بهره بردن از روایات، تفسیر روانی از آیات مهدوی برای فارسی زبانان ارائه کرده است. ابتدا یک آیه مطرح و سپس لغات خاص آن توضیح و تفسیر شده اند. سپس موضوع مهدوی مرتبط با آیه بیان شده است. در پایان نیز پیام‌ها و نکات آیه، بر اساس کتاب‌های ارزشمند تفسیری، مطرح شده‌اند. موضوع امامت، دوران فراق و دوران ظهور از جمله بخش‌های کتاب هستند.

- **عنوان کتاب:** تفسیر آیات مهدویت
- **مؤلف:** مجتبی کلباسی
- **ناشر:** انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- **نوبت چاپ:** اول / بهار ۱۳۹۶



ما منتظریم

عقیده به مهدویت تنها باور نیست، بلکه رفتارهایی را نیز با خود به همراه دارد. حجت الاسلام حسن ملایی نویسنده کتاب خورشید مهدویت در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان «ما منتظریم» آموزه مهدویت را با انبوه ریز موضوعات آن، با نگاه یک رهبر اسلام شناس بازخوانی کرده است. کتاب حاضر مجموعه‌ای است از بیانات، پیام‌ها، نامه‌ها و مکتوبات حضرت آیت الله خامنه‌ای در حوزه معارف مهدوی که طی چهل سال یعنی از سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳ ایراد شده است. البته در این اثر هر نکته‌ای که رهبر در مکتوبات و دیدارها و مناسبت‌ها در حوزه معارف مهدوی گفته‌اند، آمده است. مفهوم و جایگاه مهدویت، آثار و برکات آن، غیبت امام زمان، انتظار و منتظران، و مهدویت و انقلاب اسلامی از جمله بخش‌های کتاب هستند.

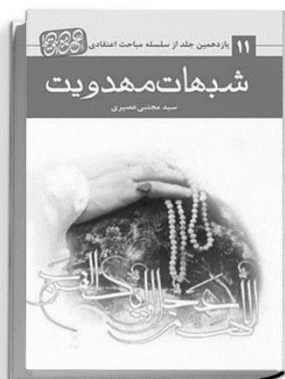
عنوان کتاب: ما منتظریم

جمع آوری: ملایی، حسن

ناشر: بنیاد فرهنگی مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

قطع کتاب: وزیری



"شبهات مهدویت ۱"

مباحث این کتاب، علاوه بر پاسخ گویی به شبهات برون مذهبی، پاسداری از عقاید درون مذهبی را نیز مدّ نظر قرار داده است. جلد نخست این کتاب دارای مقدمه ای نسبتاً طولانی و دارای سه فصل است: فصل نخست: بشارت های منجی در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی فصل دوم: سوء استفاده از مهدویت (افراد و گروه‌های مدعی مهدویت) در این فصل به حدود ۳۰ گروه و افراد مدعی دروغین مهدویت اشاره شده و به طور مفصل تر به شبهات و فعالیت های جریان گمراه و گمراه گر احمدالبصری (احمدالحسن یمانی) که این روزها بحث آن مطرح است نیز پرداخته و پاسخ داده شده است.

از نکات دیگر در این فصل اشاره به بحث توقیت و تطبیق در زمان ظهور و رد آن می باشد که امروزه افراد بسیاری به آن علاقه مند هستند.

فصل سوم: «شبهه‌ها و پاسخ‌ها» شبهه ۱: روایات مهدویت سند صحیح ندارد؛ شبهه ۲: امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است؛ شبهه ۳: شیعیان مجوسی پایه گذار موضوع مهدویت!.

عنوان کتاب: شبهات مهدویت

مؤلف: سید مجتبی عصیری

ناشر: بوستان کتاب